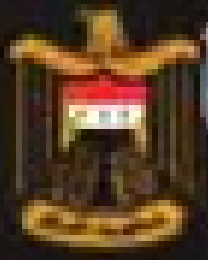


سیری در جنگ ایران و عراق

مسائل اجتماعی و سیاسی



موسسه فرهنگی و اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۳
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	پیشگفتار چاپ ششم
۱۶	مقدمه
۲۲	تحولات سیاسی - نظامی پس از فتح فاو
۲۲	نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸
۲۸	بازتاب موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی
۳۱	اعتراف به شکست
۳۴	توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام
۳۵	تغییر در ماهیت سیاسی جنگ
۳۷	بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو
۳۷	اشاره
۳۸	مواضع آمریکا
۴۸	مواضع شوروی
۵۷	تشدید فشار به جمهوری اسلامی
۵۷	اشاره
۵۸	استراتژی دفاع متحرک
۶۳	افزایش حملات هوایی
۶۴	کاهش قیمت نفت
۶۷	رویارویی با وضعیت جدید
۶۷	اشاره
۶۹	بسیج نیروها و امکانات

۷۵	طرح ریزی و اجرای عملیات محدود
۷۷	طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز
۸۴	افشای ماجرای مک فارلین
۸۴	اشاره
۸۵	تلاش برای برقراری روابط پنهانی
۹۰	عکس العمل شوروی
۹۳	موضع گیری عراق
۹۵	نتایج و پیامدها
۹۹	تنش در روابط عراق و آمریکا
۱۰۴	گسترش تهاجمات هوایی عراق
۱۰۸	عملیات کربلای ۴
۱۰۸	نگاهی به عملیات
۱۰۹	علل عدم موفقیت عملیات
۱۱۱	بازتاب عملیات کربلای ۴
۱۱۵	عملیات کربلای ۵
۱۱۵	اشاره
۱۱۵	ضرورت انجام عملیات
۱۱۷	انتخاب منطقه
۱۲۰	طرح ریزی عملیات
۱۲۵	آغاز تهاجم به دشمن
۱۲۷	تحركات دشمن
۱۲۸	هشت روز نبرد در شرق نهر جاسم
۱۳۳	توقف عملیات
۱۳۴	بازتاب عملیات کربلای ۵
۱۳۷	آخرین تحرک نظامی در جنوب
۱۳۷	عملیات کربلای ۸

۱۳۸	وضعیت خودی و دشمن
۱۴۳	کلیات طرح مانور
۱۴۵	شرح عملیات کربلای ۸
۱۵۲	پاتک گسترده دشمن با استفاده از سلاح شیمیایی
۱۵۴	ارزیابی و جمع بندی
۱۵۸	تلفات دشمن
۱۶۱	بازتاب عملیات کربلای ۸
۱۶۴	ضمیمه
۱۶۴	نقش و موقعیت سپاه در سال ۱۳۶۵
۱۷۲	درباره مرکز

آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه ساری تهاجم عراق تا آتش بس / محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ الاسلامی؛ ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال : ۷-۵۸-۶۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰ -، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛ [ج] ۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج. ۶. ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

ص: ۱

اشاره

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با گردآوری منابع منحصر به فرد جنگ ایران و عراق و با تحقیقات میدانی و کتابخانه ای وسیعی که درباره این واقعه عظیم به عمل آورده است، در تلاش برای بهره برداری از این تحقیقات گسترده، آثاری منتشر کرده است و در ادامه این امر خطیر می کوشد تا با تدوین و انتشار حقایق این دوران مهم از تاریخ انقلاب اسلامی، هم از تحریف ها و هم از غبار گرفتگی و فراموشی این وقایع آموزنده جلوگیری کند. این از افتخارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است که مورد اعتماد مراکز علمی و تحقیقاتی قرار گرفته است و آثار آن به عنوان منبع اصلی تاریخ جنگ ایران و عراق، مورد استناد اهل دقت و نظر قرار می گیرد.

از جمله آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» است که به طور کامل در شش جلد منتشر شده است. در جلد اول تا پنجم این مجموعه، وقایع سیاسی و نظامی جنگ از ابتدا تا آتش بس و تن دادن مجدد و دولت عراق به قرارداد ۱۹۷۵، به طور نسبتاً مشروح مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در جلد ششم از آغاز تا پایان جنگ به اختصار بررسی شده است.

کتاب «فاو تا شلمچه» جلد سوم این مجموعه است که در سال ۱۳۷۳ برای نخستین بار منتشر شد و شورای مرکزی سومین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، این کتاب را به عنوان یکی از آثار برتر برگزید. کتاب در سال های ۱۳۸۱، ۱۳۷۹، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۴ تجدید چاپ گردید. با استقبال علاقه مندان و تمام شدن نسخه های چاپ پنجم، کتاب برای بار ششم به چاپ رسید و در دسترس عموم قرار گرفت.

ذکر این نکته ضروری است که هر چند عملیات مهم کربلای ۵ به نسبتی که روال این مجموعه اقتضا می کرده، در این کتاب درج شده است ولی اهمیت و تأثیری که این عملیات در روند جنگ داشت سبب گردید تا طراحی، فرماندهی، اجرا و نتایج عملیات کربلای ۵ به طور مشروح در کتابی مستقل به نام «نبرد شرق بصره» منتشر شود که مطالعه آن به محققان توصیه می شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۸۷

ص: ۷

بدون تردید سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ از مهم ترین مقاطع جنگ تحمیلی محسوب می شود. در این سال ها یک بار دیگر نیروهای بالنده ی انقلاب اسلامی در شکل سازمانی منظم و منسجم، موفق به خلق آثاری شدند که در تاریخ ایران اگر نگوییم بی سابقه، کم سابقه بوده است. سپاه پاسداران با پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از آغاز جنگ در سنگرهای مختلفی رو در روی دشمنان انقلاب ایستاد و در درگیری های متعدد با گروه های وابسته به عراق در استان کردستان و خوزستان وارد جنگ و گریز شد و از این طریق توانست سازمان های مستقل نظامی را در مناطقی چون قصر شیرین، سوسنگرد، خرمشهر و... ایجاد نماید. با آغاز هجوم سراسری عراق و سرازیر شدن ارتش بعث به سوی مرزهای ایران، تنها نیروهایی که توانستند در مقابل این هجوم گسترده ایستادگی کنند، نیروهای سپاه مناطق مرزی بودند که آنها را نیروهای سپاه در سراسر کشور و همچنین قوای مردمی تقویت و پشتیبانی می کردند. بدین ترتیب اولین مقاومت های مردمی با سازمان دهی سپاه در مقابل ارتش بعث صورت گرفت. در این مقاومت نیروی هوایی و برخی یگان های زمینی ارتش به همراه ژاندارمری نیز ایفای نقش کردند.

با رشد و شکوفایی نیروهای سپاه در درگیری های متعدد با واحدهای ارتش عراق و نیز حذف جریان لیبرالیسم و عناصر وابسته به آن در ارتش

جمهوری اسلامی، این شکوفایی با سرعت بیشتری ادامه یافت و اوج تبلور آن در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس به نمایش در آمد و ارتش متجاوز از خاک میهن اسلامی بیرون رانده شد. در این دوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان جلودار و پیش برنده ماشین نظامی ایران با همراهی دلاورمردان ارتش موفق به اجرای استراتژی «آزادسازی سرزمین های اشغالی» شد و خود را آماده نمود تا مرحله دوم استراتژی نظامی جمهوری اسلامی ایران در قالب «تعقیب و تنبیه متجاوز» به اجرا در آورد.

طرح ریزی و اجرای چهار عملیات بزرگ رمضان، و الفجر مقدماتی، خیبر و بدر و همچنین چندین عملیات محدود، گام های مؤثر این استراتژی محسوب می شدند که عمدتاً در منطقه جنوب به اجرا در آمدند. با انجام عملیات بدر و بروز مشکلاتی در روش اجرا و هدایت نیروها، شکل جدیدی از سازمان دهی به اجرا در آمد و از سال ۱۳۶۴ ارتش و سپاه هر یک به صورت مستقل و جداگانه اقدام به طراحی و اجرای عملیات کردند.

علاوه بر این، فرمان امام خمینی به سپاه پاسداران مبنی بر تشکیل سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی که از آینده نگری و ژرف بینی ایشان حکایت می نمود، گام مؤثر دیگری بود که در این سال برداشته شد و اثری عمیق در موفقیت سپاه در تصرف فاو داشت.

تلاش آمریکا برای گشودن باب مذاکره با ایران و هدایت ماجرا توسط مسئولان جمهوری اسلامی به مسیری که در آن موفقیت چشمگیری نصیب انقلاب و سپاه شد و برای سیاست مداران آمریکا سستی و سرشکستگی به بار آورد، از دیگر برکات سیاسی و نظامی این دوران از جنگ است.

در سال ۱۳۶۵ دنیا با درک پیروزی های حاصل شده به دست نیروهای انقلابی، درصدد برآمد تا با بازپس گیری منطقه فاو، مجدداً موازنه ی قوا بین ایران و عراق را برقرار نماید. بر این اساس عراق سلسله عملیات های موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» طرح ریزی و اجرا کرد و مهم ترین نتیجه آن

اشغال شهر مهران بود که به عنوان نقطه ثقل این استراتژی، در مقابل شهر فاو مطرح گردید، اما این بار نیز سپاه پاسداران با وجود این که مشغول طرح ریزی و آماده سازی عملیات بزرگ سالیانه بود، وارد عمل گردید و عملیات کربلای ۱ را با هدف آزادسازی شهر مهران و شکست استراتژی دفاع متحرک به اجرا در آورد. موفقیت در این عملیات باز هم موقون خروج از قواره های سنتی و دست و پا گیر بود.

پس از پشت سر گذاردن موفقیت آمیز این مرحله از جنگ، توجه فرماندهان سپاه معطوف به عملیات بزرگ در سال ۱۳۶۵ شد و اجرای دو عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ دست آورد چنین حرکتی بود که آزاد سازی منطقه عمومی شلمچه و نزدیک شدن سپاهیان اسلام به شهر بصره را در پی داشت. با آزادسازی این منطقه، بار دیگر توانایی جمهوری اسلامی، جهان و منطقه را به تلاطم انداخت و چنین پیش بینی شد که در صورت ادامه این موفقیت ها، سقوط صدام و رژیم بغداد بعید نخواهد بود. به همین دلیل قدرت های بزرگ تلاش جدیدی برای خاتمه ی جنگ آغاز کردند که نتیجه ی آن حضور ناوگان های نظامی در خلیج فارس و تصویب قطع نامه ۵۹۸ بود.

مضامین فوق، محتوای کتابی است که با بهره گیری از منابع پر ارزش مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ به نگارش درآمده و در آن اهم موضوعات و مسائل مطروحه جنگ در این مقطع مورد بررسی قرار گرفته است. (۱) کتاب کوشش دارد به شکلی مستند و تحلیلی، خوانندگان و علاقه مندان را با سرفصل های اصلی جنگ در این دوران آشنا سازد.

ص: ۱۰

۱-۱. لازم به یادآوری است که تدوین کتاب با بهره گیری از منابع متعدد سیاسی و نظامی موجود در اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ صورت پذیرفته است که فهرست منابع سیاسی مورد استفاده در پایان هر فصل ذکر شده است و اهم منابع نظامی مورد استفاده، به دلیل عدم انتشار عمومی، با عنوان «معرفی منابع اختصاصی» در صفحه ۱۸۵ همین کتاب آمده است.

در فصل اول کتاب «نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸» به شکل گیری چگونگی تصرف فاو در شرایط بحرانی جنگ اشاره شده و مواضع امریکا و شوروی پس از عملیات مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از نکات برجسته این فصل اشاره به استراتژی جدید آمریکا برای نزدیکی به ایران و عراق جهت تأثیرگذاری بیش تر بر روند تحولات جنگ است. همچنین به تلاش های سیاسی شوروی جهت حفظ موازنه سیاسی بین طرفین و ناخشنودی این کشور از اجرای عملیات والفجر ۸ اشاره شده است.

«تشدید فشار به جمهوری اسلامی» عنوان فصل دوم کتاب است که در آن تلاش قدرت های بزرگ برای فشار بیش تر به ایران جهت جلوگیری از موفقیت چشمگیر در جنگ و استراتژی قدرت های بزرگ برای خاتمه جنگ بدون طرف پیروز، مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه این فصل بازپس گیری شهر مهران به دست رزمندگان سپاه پاسداران و ناکام ماندن ارتش عراق در «استراتژی دفاع متحرک» تشریح شده است.

در فصل سوم کتاب با عنوان «رویارویی با وضعیت جدید» تدابیر و اقدامات مسئولان کشور، به ویژه حضرت امام خمینی (س) در رویارویی با وضعیت جدید و موضوعاتی از قبیل تأکید امام بر ادامه جنگ، بسیج امکانات و نیرو، طرح ریزی و اجرای عملیات محدود، طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز، تجزیه و تحلیل شده است.

فصل چهارم کتاب به تجزیه و تحلیل «ماجرای مک فارلین» اختصاص یافته است. در این فصل روند شکل گیری سیاست خارجی جدید امریکا در مقابل ایران و تأثیرات تعیین کننده ی ماجرای مک فارلین در روابط دو کشور بررسی شده است و ضمن بیان چگونگی شکل گیری سیاست جدید، به تأثیرات آن بر مواضع و سیاست های شوروی و عراق و نیز نتایج و پیامدهای آن اشاره گردیده است.

پنجمین فصل کتاب «عملیات کربلای ۴» نام دارد و در آن به کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق برای کشف منطقه عملیاتی و تأثیرات این عملیات

بر قوای نظامی خودی و دشمن اشاره شده است. در پایان این فصل هیاهوی تبلیغاتی عراق درباره شکست عملیات سرنوشت ساز ایران، مورد توجه قرار گرفته که در اغفال ارتش عراق از عملیات کربلای ۵ - که با فاصله دو هفته از عملیات کربلای ۴ انجام شد - تأثیر عمده ای داشته است.

«عملیات کربلای ۵» عنوان فصل ششم کتاب است. در این فصل ابتدا وضعیت دشوار جمهوری اسلامی در روند تحولات جنگ به ویژه پس از عملیات کربلای ۴، تشریح شده و دلایل اجرای عملیات و کسب پیروزی در این مقطع حساس و پیچیده مورد بررسی قرار گرفته است. طرح ریزی و شرح چگونگی تهاجم در شرق بصره و تلاش های فرماندهان سپاه برای حفظ این موفقیت، دیگر قسمت های این محور از بحث را تشکیل می دهند.

در پایان این فصل بازتاب های سیاسی و نظامی عملیات کربلای ۵ مورد توجه قرار گرفته و به انفعال حاصل از این موفقیت در صحنه سیاسی منطقه و جهان اشاره شده است. شکست ارتش عراق در مستحکم ترین و پیچیده ترین خطوط دفاعی خود، موضوعات قابل توجه این فصل از کتاب است.

فصل هفتم کتاب عنوان «آخرین تحرک نظامی در جنوب» را به خود اختصاص داده است که در آن به طراحی و نحوه اجرای عملیات کربلای ۸ که در واقع تکمیل عملیات کربلای ۵ محسوب می شود، اشاره شده است. این عملیات که آخرین تحرک نظامی سپاه پاسداران در جنوب محسوب می شود، حلقه پایانی استراتژی عملیاتی سپاه در این منطقه می باشد. در این عملیات سپاه پاسداران تلاش بی وقفه ای را جهت به سرانجام رساندن نبرد در این منطقه آغاز نمود. تأمین نیازمندی های زرهی که لازمه پیشروی در چنین صحنه ای بود، به نتیجه نرسید و همان گونه که تصور می رفت، این منطقه نیز همچون سایر مناطق عملیاتی در جنوب به لحاظ نظامی دچار بن بست گردید. در این شرایط لازم بود که فرماندهان عالی سپاه تصمیم مشخصی را برای ادامه جنگ اتخاذ نمایند. این تصمیم که

می توان از آن به عنوان مقدمه استراتژی عملیاتی جدید سپاه یاد کرد، موجب تحركات جدیدی در سپاه شد که در جلد بعدی این مجموعه به نام «شلمچه تا حلبچه» مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

کتاب «فاو تا شلمچه» در واقع بیانگر آخرین موفقیت های سپاه پاسداران در جنوب می باشد که موجب تغییر منطقه عملیاتی از جنوب به غرب شد. به علاوه، در این کتاب اوج تأثیرگذاری های جنگ بر روند تحولات سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

کتاب حاضر و سایر آثار این مرکز ثمره تلاش های راویان، محققان، مدیران و دست اندرکاران این مرکز در طول سال های گذشته است. در این جا باید یاد کرد از راویان شهید مرکز: نادر صباغیان، تقی رضوانی، سعید عیسی وند، هادی درودیان، محمدرضا ملکی، حسین جلایی پور، سید محمد اسحاقی، علی فتحی، سید محمد گرگانی، حمید صالحی، محسن فیض، مجید صادقی نژاد، حسین الله داد و محمد امیری مقدم، که بعضی در حال انجام تحقیقات میدانی و بعضی هنگام شرکت در عملیات علیه دشمن، به شهادت رسیدند. در واقع تدوین این کتاب کوششی است برای صحنه گذاشتن بر یکی از خالصانه ترین تلاش های فرزندان انقلاب و امام در صحنه های جنگ که با تاریخ انقلاب اسلامی گره خورده است، در نتیجه پاداش آن نیز جز رضای خداوند، چیز دیگری نمی تواند باشد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تابستان ۱۳۷۳

نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ در کتاب «از خرمشهر تا فاو» منتشره از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (اردیبهشت ۶۷) به طور نسبتاً مشروح و مفصل مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به عدم تأمین مناطق متصرفه ای که در سلسله عملیات نظامی پس از فتح خرمشهر توسط ارتش و سپاه به صورت مشترک انجام گرفت، منطقه ی فاو از آن جهت برای انجام عملیات انتخاب شد که ضرورتاً می بایست علاوه بر دارا بودن ویژگیهای لازم جهت تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ، پس از تصرف نیز از شرایط و مشخصه های لازم برای حفظ و نگهداری در مقابل پاتک های دشمن برخوردار باشد.

زمین منطقه فاو علاوه بر ارزش سیاسی - نظامی، به لحاظ فراهم سازی امکان حضور مقتدرانه ایران در خاک عراق و موقعیت جغرافیایی و طبیعی دارای ارزش استراتژیک نیز بود و همچنین معضلات ناشی از عدم تأمین مناطق عملیاتی پیشین و مقابله با فشارهای دشمن پس از تصرف منطقه را حل

می کرد زیرا باتلاقی بودن سواحل رودخانه اروند در هر دو سو و نیز وجود عارضه کارخانه نمک، عملاً قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیرقابل استفاده کرده بود و این مسأله، کارآیی زرهی ارتش عراق را کاهش می داد، همچنین احاطه ی آب از سه قسمت موجب شده بود پدافند در برابر دشمن تنها در یک سمت انجام شود و آسیب پذیری از جناحین را کاهش دهد.

علاوه بر اینها، کوتاه بودن عقبه ی خودی، پوشش مناسب منطقه برای پدافند هوایی، تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن، امکان رعایت غافلگیری، محدود بودن زمین و عمق قابل دسترس، از جمله عواملی بود که بر میزان امیدواریها نسبت به کسب پیروزی می افزود.

اما در عین حال، به هنگام طرحریزی عملیات، مسئله عبور از رودخانه و پشتیبانی عملیات، از مهم ترین معضلاتی بود که فرا روی فرماندهان و طراحان نظامی نظامی سپاه قرار داشت. (۱) پیش از این، تنها تجربه سپاه برای عبور از رودخانه، عملیات بیت المقدس در سال ۶۱ بود که به طور مشترک با برادران ارتشی انجام گرفت و منجر به فتح خرمشهر شد. در واقع عدم حضور نیروهای دشمن در ساحل غرب رودخانه کارون، در جریان عملیات بیت المقدس، موجب گردید که عبور از کارون بدون برخورد با دشمن انجام پذیرد، ضمن آنکه شرائط و موقعیت رودخانه کارون به هیچ وجه قابل مقایسه

ص: ۱۵

۱-۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

با ویژگیهای رودخانه اروند نیست. (۱).

بنابراین، ویژگیهای رودخانه اروند و فقدان تجربه ی عبور از رودخانه ای با مشخصه های آن و همچنین حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه، از جمله مسائلی بود که لزوماً می بایست برای حل و فصل آنها تدابیر لازم اتخاذ می شد.

دشمن به لحاظ حساسیت منطقه فاو و از طرفی ضرورت کنترل تحرکات نیروهای خودی در جزیره آبادان، برای دیده بانی و کنترل منطقه، از دکلهای ۴۲ متری که به فاصله ۱۰۰ متر از یکدیگر ایجاد شده بود، استفاده می کرد.

بنابراین کلیه جاده های منطقه، بویژه جاده های عمود بر حاشیه رودخانه اروند زیر دید دشمن قرار داشت. همچنین دشمن هفته ای یکبار به تهیه عکس هوایی از منطقه مبادرت می ورزید، ضمن آنکه دستگاه های رازیت آن کلیه نقل و انتقالات موجود بر روی جاده های پشت نخلستان را تا اندازه ای ثبت می کرد. دشمن علاوه بر حضور اطلاعاتی در منطقه، استحکامات و موانع مستحکمی مانند مواضع بتونی ب شکل و موانع خورشیدی و مین در ساحل رودخانه اروند تعبیه کرده بود که هر گونه از رودخانه را با مشکلات پیچیده و دشواری روبرو می ساخت.

بنابراین، علاوه بر خصوصیتی که ذکر شد، موانع قابل ملاحظه ای برای احداث پل، پهلو گرفتن قایقها در ساحل رودخانه و اساساً پشتیبانی عملیات وجود داشت و طبعاً هر گونه آماده سازی منطقه قبل از عملیات،

ص: ۱۶

۱-۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

ساحل سازی رودخانه، عبور نیروهای غواص و خط شکن و تردد قایقها به ساحل دشمن، به سادگی امکان پذیر نبود. به همین دلیل در طرحریزی عملیات تدابیر ویژه ای به منظور رفع موانع اتخاذ شد.

استفاده از پوشش و اختفاء برای آماده سازی جاده های آنتنی و رعایت حفاظت در تردد و انجام کارهای مهندسی، موجب گردید تدریجا شرایط مناسبی فراهم آید. همچنین پس از انجام شناساییهای لازم از مواضع و استحکامات دشمن، با انتخاب یگانهای مجرب و ورزیده سپه پاسداران تدابیر ویژه ای برای عبور نیروهای خط شکن و جنگ و درگیری در نخلستانها و بویره شهر فاو اتخاذ شد.

فرماندهان و طراحان نظامی سپاه، عبور از رودخانه و شکستن خطوط دفاعی و استحکامات دشمن را به سه مرحله شامل: عبور نیروهای غواص، عبور قایقها و شکستن خط تقسیم کردند. در مراحل بعدی عبور وسایل یگانهای مانوری با قایق و سایر وسایل شناور انجام می گرفت و در آخرین مرحله، پس از تأمین سر پل منطقه تصرف شده، وسایل سنگین عبور داده می شد. پشتیبانی هوایی عملیات توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و هوانیروز تأمین می گردید و همچنین بنابر پیشنهاد فرمانده سپاه و تصویب فرمانده عالی جنگ، آقای هاشمی، بخشی از آتش پشتیبانی توسط ارتش تأمین می شد.

در این میان، عملیات در جزیره ام الرصاص از سوی سپاه به عنوان تک پشتیبانی طرح ریزی شد، تا بدین وسیله عمده قوای دشمن را قبل از توجه به منطقه فاو، درگیر و مشغول نماید.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه عملیات در فاو انجام می شد، ضرورتا می بایست تمامی پشتیبانیها متوجه این منطقه باشد، اما چون ارتش عملیات جداگانه ای را در شلمچه طرحریزی کرده بود، در امر واگذاری امکانات به

سپاه مشکلاتی به وجود آمد. در پی بروز این معضل جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه برگزار گردید که سرانجام با دستور فرماندهی عالی جنگ بخشی از مشکلات حل شد. پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تأمین پشتیبانی های مورد نظر و سازماندهی قرارگاه ها و یگانهای سپاه، دستور انجام عملیات والفجر ۸ در ساعت ۱۰ / ۲۲ روز ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۴ توسط فرماندهی کل سپاه با قرائت رمز عملیات صادر شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا- حول و لا- قوه الا- بالله العلی العظیم قاتلوهم حتی لا تكون فتنة. یا فاطمه الزهراء یا فاطمه الزهراء یا فاطمه الزهراء.»

یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف، تهاجم خود را آغاز کردند و بدین ترتیب برجسته ترین و پیچیده ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی با هدایت و فرماندهی سپاه پاسداران، توسط سازمانی متشکل از نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه پاسداران، نیروی هوایی و هوانیروز ارتش (۱) و ایثارگران جهاد سازندگی به اجرا در آمد. دشمن ناباورانه در برابر تهاجم قوای خودی غافلگیر شد و در شرایطی که جمهوری اسلامی را فاقد توانایی و قابلیت اجرای عملیات عبور از رودخانه ارزیابی می کرد، پس از مواجهه با حضور قدرتمندانه نیروهای خودی در شهر فاو و بعد از گذشت سه روز از شروع عملیات، تدریجا نسبت به ابعاد عملیات فاو هوشیار شده و لشکر گارد را وارد منطقه کرد.

شتابزدگی و عدم توجه کامل نسبت به منطقه، موجب گردید که نیروهای

ص: ۱۸

۱-۴. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی عملیات را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می کردند.

لشکر گارد سوار بر خودرو و در حال حرکت به سمت منطقه درگیری، در محاصره نیروهای خودی گرفتار شده و در ذلت بارترین وضعیت به هلاکت برسند. لذا وضعیت اسفناک این قوا موجب گردید دشمن تمام تلاش خود را برای خروج آنها از محاصره معطوف نماید. از این زمان بود که نبرد سنگین بین طرفین شروع گردید و تا ۷۵ روز ادامه داشت. به عبارت دیگر منطقه فاو در روزهای اول عملیات به تصرف در آمد ولی تثبیت آن، با توجه به پاتکهای سنگین دشمن، بیش از ۷۰ روز جنگ را در پی داشت. جنگی را که دشمن با اتکا به خشکی، و قوای خودی با عبور امکانات از آب (اروند) انجام می دادند. سرانجام پس از ۷۵ روز جنگ، هدفهای مورد نظر تصرف و تأمین شد.

در این ضمن، به لحاظ ارزشمندی زمین منطقه، دشمن برای بازپس گیری آن توان گسترده ای را به کار گرفت، لیکن تلفات وارده، دشمن را در شرائطی قرار داد که سرانجام با ترجیح «حفظ نیرو» به «حفظ زمین»، از مقابله همه جانبه دست کشید تا از انهدام نیرو و امکانات خود، بیش از این، ممانعت به عمل آورد.

در این عملیات ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد شد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی شده و نزدیک به ۳ هزار نفر به اسارت در آمدند.

انهدام وسایل و تجهیزات دشمن در این عملیات قابل ملاحظه بود، به گونه ای که بیش از ۶۰۰ تانک و نفربر، ۵۰۰ خودرو، ۱۵۰ قبضه توپ، ۴۵ هواپیما، ۱۰ هلیکوپتر و ۳ ناوچه دشمن منهدم شد.

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده و کماندوئی و نیروی مخصوص، ۲ تیپ زرهی، ۴ گردان ضد هوایی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن ۱۰۰٪ منهدم گردید.

همچنین ۳۳ تیپ پیاده و کماندویی و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه بیش از ۶۰٪ منهدم گردید که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی، خارج شدند.

ضمناً حدود ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندویی، زرهی و مکانیزه ۳۰٪ آسیب دیدند که به علت کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی مستقر بودند.

بازتاب موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی

متعاقب عبور غافلگیرانه رزمندگان اسلام از رودخانه اروند و انهدام دشمن، شهر بندری فاو واقع در خاک عراق فتح شد. تثبیت منطقه پس از دو ماه مقابله با پاتکهای سنگین دشمن موجب گردید تا اساساً تواناییها و قابلیت‌های دفاعی عراق، از جانب حامیان رژیم بعثی مورد سؤال واقع شده، متقابلاً ویژگیهای قابل ملاحظه‌ی عملیاتی رزمندگان اسلام مورد توجه قرار گیرد.

تغییر توازن سیاسی و نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران، یکی از دستاوردهای فتح فاو به شمار می‌رفت، به گونه‌ای که گسترش حضور ایران در شمال خلیج فارس و هم‌مرز شدن با کویت وضعیت جدیدی را به وجود می‌آورد که کشورهای منطقه و حامیان عراق نمی‌توانستند آن را نادیده انگارند.

پیدایش وضعیت جدید در بطن خود می‌توانست موجب تغییرات اساسی در جنگ و عملیات نظامی و بالطبع ایجاد دگرگونی‌هایی در منطقه خاورمیانه گردد. از اینرو بازتاب و انعکاس پیروزی ایران در فاو، در مقایسه با مقاطع پیشین جنگ، تنها با شرایط پس از فتح خرمشهر قابل مقایسه می‌باشد. در این قسمت بازتاب سیاسی «عملیات والفجر ۸» در رسانه‌های خارجی، به

منظور روشن تر شدن پیامدها و ابعاد فتح فاو، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نحوه برخورد رسانه های غربی با پیروزیهای کسب شده توسط رزمندگان اسلام همواره یک روند ثابت و منظم داشت. این رسانه ها با نزدیک شدن زمان عملیات سالانه ایران که معمولاً در زمستان هر سال صورت می گرفت و از گستردگی و وسعت قابل توجهی برخوردار بود، اخبار و تحلیلهای خود را پیرامون منطقه عملیات آینده ارائه داده و سعی داشتند از این طریق ضمن هوشیار نمودن دشمن، تصمیم گیرندگان نظامی و سیاسی ایران را دچار تزلزل و تردید نمایند. با آغاز عملیات و کسب موفقیت های اولیه، فعالیت این رسانه ها بر ضعیف و کم اهمیت جلوه دادن پیروزیهای ایران معطوف می شد.

در نبرد فاو، تا یک هفته پس از شروع عملیات، از سوی برخی فرماندهان نظامی عراق و نیز کارشناسان و ناظران سیاسی - نظامی غرب نسبت به توانایی ایران مبنی بر حفظ و تثبیت منطقه ابهام و تردید وجود داشت، چنانکه روزنامه تایمز لندن نوشت:

«آنها قبلاً نیز به پیروزیهای کوتاه مدتی دست یافته اند، لیکن تا مدتی ثابت شده که توانایی حفظ آن و انجام عملیات طولانی با تمام ویژگیهای لجستیکی را که لازمه ی آن است، ندارند.» (۱).

راديو آمریکا نیز در تاريخ ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۴ نظريه فوق را به نقل از خبرنگار صدای آمریکا به گونه ای دیگر مطرح کرد:

«حملات تهاجمی ایران نشان می دهد که ایران در هیچ یک از پیکارهای گذشته اش پیروزی قابل ملاحظه ای به دست نیاورده است.» (۲).

در این باره سفیر عراق در ژاپن در مصاحبه با روزنامه یومیوری چاپ آن کشور می گوید:

«این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و در هم کوبیدن نیروهای

ص: ۲۱

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. راديو آمریکا (۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۶. دفتر مرکزی خبر، نشریه «راديوهای بیگانه»، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۶۴، راديو آمریکا.

ایرانی به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس.» (۱).

اما یک هفته بعد از پیروزی ایران و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در برابر پاتکهای وسیع دشمن و ناتوانی عراق در عقب راندن رزمندگان اسلام، بتدریج لحن رسانه های تبلیغاتی قدرتهای جهان نیز تغییر یافت. نبرد والفجر ۸ اوضاع سیاسی منطقه را شدیداً دچار دگرگونی ساخت و وسائل تبلیغاتی جهان را مجبور ساخت تا با حساسیت بیشتری مسائل ناشی از پیروزیها را دنبال کنند. به همین جهت از این پس شاهد توجیه علل ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و موکول کردن آن به تغییر شرایط جوی می شویم! آنتونی لرد کرد زمن یکی از کارشناسان امور خاورمیانه ای آمریکا در جنگ تحمیلی، معضل اصلی عراق را در فاو و مقایسه آن با ایران چنین بیان می کند:

«مشکل اصلی عراق آن است که نمی خواهد متحمل تلفات شود، در صورتی که ایران بخصوص در حمله اولیه، آمادگی پذیرش تلفات سنگین را دارد. از جمله مشکلات هر جنگ آن است که نمی توان بدون تحمل تلفات دست به ضد حمله زد. معمولاً تلفات در ضد حمله پنج تا ده برابر آن در حالت دفاعی است. عراق ترجیح می دهد به جای تحمل تلفات سنگین، بخشهای کوچکی از خاک خود را از دست بدهد.» (۲).

روزنامه واشنگتن پست نیز نظریات لرد کرد زمن را به گونه ای دیگر بیان داشته است:

«بزرگترین مشکل عراقیها اجتناب آنها از متعهد ساختن پیاده نظام خود به دفع حملات ایران است. آنها به جای این امر، استفاده از آتش توپخانه، بمباران جت‌های جنگنده و آتش راکت هلیکوپترهای جنگی را انتخاب کرده اند. چنین جنگهایی احتیاج به انگیزه شدید و تعهد کامل سربازان دارد که به نظر کارشناسان، در ارتش عراق نقصان آن مشهود

ص: ۲۲

۱- ۷. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان». شماره ۱۰۶۷، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

است. بنابر اظهار یکی از تحلیلگران نظامی، مجموعه ای از ملاحظات سیاسی در عراق به فرماندهی نظامی فشار وارد می کند و عمده ی تصمیم بر آن است که از دادن تلفات زیادی که باعث نارضایتیهای سیاسی داخلی شود، اجتناب گردد.» (۱).

عراق در منطقه فاو به لحاظ غافلگیری در مکان و تاکتیک، در برابر رزمندگان اسلام دچار انفعال شد، لذا به رغم تلاشهایی که انجام داد نتوانست نسبت به عقب راندن رزمندگان اسلام موفقیتی کسب نماید.

اعتراف به شکست

با گذشت زمان و تثبیت موقعیت نیروهای خودی در منطقه فاو و به دنبال گزارشهای رسانه های غربی، سخن فرماندهان و مسئولین عراق نیز رفته رفته تغییر کرد. توانائی رزمندگان اسلام در تأمین پشتیبانی نیروها و تأمین پشتیبانی هوایی و توپخانه، سرانجام عراقیها را که ابتدا حتی به حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو اعتراف نمی کردند، مجبور ساخت تا ضمن اعتراف به شکست در این نبرد، باز پس گیری آن را بسیار مشکل و دور از دسترس قلمداد کنند. فرماندهان عراق پس از شکستهای پی در پی در پاتکهای انجام شده، ارتش این کشور را برای تسلط مجدد بر فاو ناتوان معرفی کرده و بر ویژگیهای عملیات فاو تأکید کردند، چنانکه ماهر عبدالرشید، یکی از فرماندهان ارشد نظامی عراق، در این زمینه اذعان داشت:

«ایران در عملیات جاری خود از روشهای نظامی نوینی استفاده کرده است و برخلاف توقع، در شرایط جوی سختی که بارانهای شدید می بارید، با استفاده از مردان قورباغه ای و پیشقراولان رزمی، حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.» (۲).

در شرایط جدید، عراقیها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان اسلام در

ص: ۲۳

۱- ۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۱۹. مأخذ شماره ۳، به نقل از لوموند هفتگی (فوریه ۱۹۸۶).

منطقه فاو نبودند، تا آنجا که لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه با القیس گفت:

«مسئله تصرف منطقه فاو از سوی ایرانیان به حدی آشکار بود که دیگر نمی توانستیم آن را منکر شویم و برای ما ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است.» (۱).

عراقیها تدریجا به ناتوانی بخود برای بازپس گیری فاو نیز اعتراف نمودند. عدنان خیرا... وزیر دفاع وقت عراق طی مصاحبه ای اعلام کرد:

«باز پس گرفتن شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است. وجود باتلاقیها و نمکزارها در این سرزمین، مانع اصلی عملکرد واحدهای عراقی هستند.» (۲).

ماهر عبدالرشید نیز به ناتوانی سربازان عراقی اشاره کرده، می گوید:

«فکر نمی کنم به این زودیها عراق بتواند در این ارتباط (پس گرفتن فاو) کسب موفقیت سریعی را پیش بینی بنماید.» (۳).

مدیر توجیه سیاسی ارتش عراق هم در توجیه ناتوانی عراق می گوید:

«وضعیت زمین منطقه نبرد محدودیتهایی را در استفاده از زره پوشها و حتی نیروهای پیاده، بر ارتش عراق تحمیل کرده است... زمین نبرد در اطراف فاو طوری است که اجازه نمی دهد از تعداد زیادی نیرو در این منطقه استفاده شود.» (۴).

در عین حال که عراق در چنین شرایطی توانایی لازم را برای بازپس گیری فاو نداشت، لیکن به لحاظ ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه، نسبت به این مسئله واقف بود که «تنها بازپس گیری فاو می تواند مجددا توازن را به سود عراق بازگرداند.» خبرنگار رادیو بی.بی.سی در زمینه اهمیت فاو برای عراق می گوید:

«بازپس گیری شبه جزیره فاو هنوز برای عراق یک اولویت کلی

ص: ۲۴

۱- ۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۹، ۱۳ / ۳ / ۱۳۶۵، زویچه سایتونگ (چاپ آلمان)، ۳۱ مارس ۱۹۸۶ (۱۱ / ۱ / ۱۳۶۵).

۳- ۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴. واشنگتن پست.

۴- ۱۴. روزنامه رسالت، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴، السیاسه.

است و اگر عراق نتواند فاو را بگیرد، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طور خطرناکی از بین برود.» (۱).

مجله اشپینگل چاپ آلمان به تاثیرات عدم بازپس گیری فاو از سوی عراق اشاره کرده، می نویسد:

«عدم بازپس گیری فاو علاوه بر شکست نظامی، یک شکست سیاسی - روانی برای صدام و حامیان عربش در منطقه محسوب می شود.» (۲).

یک خبرنگار خارجی با توصیف وضع نامطلوب عراقیها پس از عملیات والفجر ۸ چنین بیان می کند:

«صدام حسین خوب می داند که ایرانیها با عبور از اروند و تصرف شهر فاو، جنگ در گلوی او انداخته اند و تنها معجزه می تواند او را از مهلکه نجات دهد.» (۳).

بدین ترتیب، عراق به ناچار و از موضع ضعف و استیصال، موقتا از بازپس گیری فاو چشم پوشید و این مسئله را به موقعیت دیگری موکول کرد و رسماً اعلام داشت که در شرایط فعلی قادر به بازپس گیری فاو نمی باشد. اعترافات رسمی عراقیها و توقف اقدامات عملی آنها موجب گردید روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ به شکل نوینی مورد ارزیابی قرار گیرد. در واقع چنانکه ذکر شد، تا پیش از این امر، به تثبیت منطقه تصرف شده از سوی ایران با تردید نظر می شد و همچنان نسبت به توانایی عراق برای بازپس گیری آن امیدواریهای زیادی وجود داشت. لیکن ناکامی عراق و اعتراف به این ناتوانی، انعکاس نامطلوبی به زیان عراق داشت. در این مورد رادیو آمریکا به نقل از ناظران سیاسی غرب گفت:

«عراق ظاهراً تصمیم گرفته است از کوششهای خود برای بازپس گیری فاو، به خاطر تحمل بهای گزاف نظامی - سیاسی، دست بکشد.» (۴).

ص: ۲۵

۱- ۱۵. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۱۶. مأخذ شماره ۶.

۳- ۱۷. مأخذ شماره ۶.

۴- ۱۸. روزنامه ابرار، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

هفته نامه لوموند چاپ فرانسه نیز طی تحلیلی نوشت:

«در ستاد ارتش عراق پذیرفته شده که بازپس گیری فاو طولانی و پرهزینه خواهد بود.» (۱).

توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام

با تثبیت موقعیت رزمندگان اسلام در منطقه عملیاتی فاو طی دو ماه و اندکی جنگ و مقابله آنان با تمامی لشکرهای دشمن، موقعیت برتر نظامی جمهوری اسلامی مورد تأیید جهان قرار گرفت. قبل از فتح فاو، در عین حال که به لحاظ تهاجمهای پی در پی، ابتکار عمل در دست ایران بود، اما عدم تثبیت مناطق متصرفه موجب گردیده بود که از نظر نظامی چنین ارزیابی شود که عراق به خاطر برتری هوایی، آتش توپخانه و لجستیک، در اتخاذ مواضع دفاعی موفق بوده و توانسته است کنترل اوضاع را در اختیار داشته باشد. اما تصرف فاو و ناتوانی عراق در بازپس گیری آن، نقطه پایانی بر تأکیدات پیشین مبنی بر توانایی نظامی عراق بود. یک هفته نامه نظامی در این زمینه نوشت:

«تا پیش از حمله ایران به بندر متروکه فاو، چنین تصور می شد که عراقیها کنترل اوضاع نظامی را دوست دارند.» (۲).

خبرگزاری یونایتدپرس به نقل از منابع اطلاعاتی خبری گفت:

«تهاجم ایران به فاو بزرگترین مشکل نظامی عراق ظرف پنج سال جنگ است.» (۳).

همچنین خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلماتها اعلام کرد:

«موفقیتهای اخیر ایران به تصویر تفوق نظامی عراق که به دقت رسم شده بود آسیب رسانیده است. تغییرات نظامی بیشتر به زیان عراق، می تواند به حکومت بغداد لطمه وارد سازد.» (۴).

ص: ۲۶

۱- ۱۹. مأخذ شماره ۳، به نقل از لوموند هفتگی (فوریه ۱۹۸۶).

۲- ۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵، رادیو اسرائیل (۳۰ / ۱ / ۱۳۶۵) به نقل از هفته نامه «یواس نیواندورلد ریپورت» چاپ آمریکا.

۳- ۲۱. روزنامه کیهان، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۴- ۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

بنابراین، علاوه بر آنکه فتح فاو موقعیت نظامی عراق را تضعیف و متزلزل کرده، متقابلاً موجب توجه جدی قدرتهای خارجی به برتری نظامی رزمندگان اسلام شد. خیرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان سیاسی و نظامی در خلیج فارس، اظهار داشت:

«حملات موفقیت آمیز ایران به عراق، برای اولین بار به ایران امتیاز نظامی بخشیده است و می تواند نقطه ی عطفی در تاریخ جنگ پنج و نیم ساله خلیج (فارس) باشد.» (۱).

تغییر در ماهیت سیاسی جنگ

از نظر سیاسی، تبعات ناشی از فتح فاو به منزله ی تغییر در ماهیت سیاسی جنگ نیز بود. بدین معنا که اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق، پس از فتح خرمشهر، با این هدف بود که جنگ در روند فرسایشی، سرانجام منتهی به پذیرش صلح از سوی ایران خواهد شد. ولی فتح فاو و ارتقاء موقعیت سیاسی و نظامی ایران در شمال خلیج فارس، عملاً منجر به پیدایش شرایط جدیدی شد که هیچگونه مطابقتی با مشخصه های جنگ فرسایشی نداشت.

شورای امنیت سازمان ملل، متعاقب تحولات جدید و تغییر توازن به سود ایران، در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ اقدام به تهیه پیش نویس و صدور بیانیه ای مهم نمود. در بند ۳ این بیانیه آمده بود:

«دبیر کل از ایران و عراق بخواهد که دو کشور بیدرنگ در زمین، دریا و هوا آتش بس را رعایت کرده و بلافاصله تمام نیروهای خود را تا مرزهای بین المللی شناخته شده به عقب بکشند.» (۲).

قبل از این، در سخت ترین شرائطی که جمهوری اسلامی مورد تهاجمات زمینی، هوایی و دریایی دشمن قرار می گرفت، سازمان ملل پس از

ص: ۲۷

۱- ۲۳. پیشین.

۲- ۲۴. روزنامه اطلاعات، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

چند روز تعلق، تنها اقدام به صدور بیانیه ای می کرد که در آن صرفاً از وجود درگیری بین ایران و عراق اظهار تأسف می شد. اما پس از فتح فاو و بعد از آنکه موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی آشکار شد، سازمان ملل با صدور قطعنامه ای جدید. (۱)، عملاً به سود عراق موضعگیری نمود. بدیهی است که در این شرایط تقاضای برقراری آتش بس و عقب نشینی به مرزهای بین المللی، بدون اشاره به تعیین متجاوز و پرداخت غرامت و مسائلی از این قبیل، هیچ معنا و مفهومی به جز وارد آوردن فشار سیاسی - روانی بین المللی علیه جمهوری اسلامی نداشت. قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت بر خلاف قطعنامه های پیشین به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز بلافاصله آن را قابل پذیرش خواند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به بیانیه شورای امنیت سازمان ملل، طی صدور بیانیه ای در تاریخ ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴، اعلام داشت:

«عدم موضعگیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آنست که شورا هنوز اراده سیاسی لازم را در این زمینه ندارد. بر این اساس، آن قسمت از قطعنامه که بر کل موضوع جنگ و خاتمه مناقشات مربوط می شود ناقص، بی اعتبار و غیر قابل اجرا است... اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است.» (۲).

شورای همکاری خلیج فارس نیز در پی تغییر روند تحولات سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران، به نحو فزاینده ای نگرانی خود را

ص: ۲۸

۱- ۲۵. قطعنامه ۵۸۲ که توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شد، با تغییراتی در عبارات و کلمات، در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴) در جلسه ۲۶۶۶ شورای امنیت به اتفاق آراء تصویب شد.

۲- ۲۶. مأخذ شماره ۱۷.

در این زمینه روزنامه لوکوتیدین دوپاری چاپ فرانسه نوشت:

«اوضاعی که در اثر حمله اخیر ایران به وجود آمد، کشورهای غرب را نگران ساخته است، زیرا اولاً- این بار نیروهای ایران بدون هیچگونه تردیدی قدم به خاک عراق گذاشته و اکنون نبرد در خاک عراق جریان دارد. ثانیاً محلی را که ایران برای حمله خود انتخاب کرده است به کویت بسیار نزدیک است.» (۱).

«شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ اقدام به برگزاری اجلاس وزیران به ریاست بن یوسف علوی عبدالله وزیر مشاور امور خارجه عمان کرد. در این اجلاس: وزرای شرکت کننده نسبت به تصرف منطقه فاو از سوی رزمندگان اسلام اظهار نگرانی کردند و این اقدام را مغایر با پیمانهای بین المللی و اصول حسن همجواری قلمداد نمودند.

از جمله مباحث سران شورای همکاری در این اجلاس، تشکیل نیروهای سپر جزیره به منظور مقابله با تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق بود. در سطح سیاسی نیز مقرر گردید که شورای مذکور طی تماسی با کشورهای عربی دوست و سایر کشورها، به منظور خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود، به موضع مشترکی دست یافته و اقداماتی علیه ایران به عمل آورند.

بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو

اشاره

نظر به تأثیرات نسبتاً گسترده و تعیین کننده و مواضع و اقدامات آمریکا و شوروی در جنگ ایران و عراق، به منظور مشخص شدن تأثیر فتح فاو بر مواضع دو کشور مزبور، این مبحث به بررسی استراتژی دو قدرت بزرگ در برخورد با جنگ در مراحل مختلف، اختصاص یافته است.

ص: ۲۹

موضع آمریکا در جنگ ایران و عراق اساساً مبتنی بر حمایت از عراق در شروع تهاجم به خاک جمهوری اسلامی، به منظور تعدیل در مواضع انقلابی ایران بود. متعاقب ناکامی عراق در تحقق و تأمین اهداف سیاسی و نظامی اش در جنگ، در پی تهاجمات سراسری رزمندگان اسلام که منتهی به فتح خرمشهر شد، ماهیت جنگ از نظر سیاسی و نظامی تغییر کرد، بدین معنی که اگر تا آن زمان از دیدگاه طراحان، از حربه جنگ به عنوان اهرم فشار و کنترل ایران استفاده می شد، این حربه در مرحله ی جدید به عامل بی ثبات کننده ی عراق و طبعاً منطقه تبدیل شد. از این پس، از سوی آمریکا و غرب و نیز کشورهای منطقه، جنگ و ادامه آن به منزله ی اهرم صدور انقلاب و تهدید منافع آمریکا و تزلزل سیاسی - نظامی عراق و کشورهای منطقه، مورد ارزیابی قرار گرفت. اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق با هدایت و حمایت غربیها، این فرصت را در اختیار آمریکا و غرب قرار داد تا با حمایت‌های همه جانبه از عراق، این کشور را در برابر تهاجمات احتمالی رزمندگان اسلام حفظ نمایند.

آمریکا و غرب پیش بینی می کردند در صورتی که تهاجمات رزمندگان اسلام از نتیجه ی مطلوب برخوردار نشود و از سویی فشارهای لازم در جهت تعدیل جمهوری اسلامی ادامه یابد، سرانجام ایران را در برابر غرب مجبور به ارائه امتیاز خواهد ساخت.

غربیها در عین حال که مخالف موفقیت و پیروزی ایران بودند، عراقی قدرتمند را نیز نمی پذیرفتند. روزنامه هرالد تریبون به نقل از هنری کیسینجر نوشت:

«در این جنگ نفع نهایی آمریکا آن است که هر دو طرف بازنده شوند.» (۱).

ص: ۳۰

البته آمریکاییها پیروزی ایران را خطرناک ارزیابی می کردند، زیرا پیام اعتقادی انقلاب اسلامی و شعارهای آن، خطر اضمحلال منافع آمریکا در کشورهای اسلامی را در پی داشت. بولتن اکونومیست چاپ لندن در این زمینه نوشت:

«این کشور (آمریکا) مایل نیست که هیچیک از دو طرف پیروز گردد.»

اما پیروزی ایران را نسبت به پیروزی عراق، خطر بزرگتری برای ثبات منطقه تلقی می نماید.» (۱).

روزنامه سوئدی تمپوس نیز به نقل از هنری کیسینجر در همین زمینه نوشت:

«واشنگتن در مورد ایران که هرگز اهداف خود را محرمانه نمی گذارد، به این نتیجه رسیده است که این کشور تهدیدی بزرگتر است. ایران در نظر دارد بر عراق پیروز شده و دولتی اسلامی در این منطقه مستقر نماید.» (۲).

همچنین یک مقام آمریکایی که روزنامه تمپوس از افشای نام وی خودداری کرده بود در همین زمینه گفت:

«من تصور می کنم ابعاد پیروزی ایران برای منافع آمریکا در خاورمیانه فاجعه بار خواهد بود. اگر ایران موفق به استقرار حکومت مورد علاقه خود در عراق گردد، سیستمهای پیمانها در خلیج فارس کاملاً دگرگون خواهد شد.» (۳).

آمریکاییها با توجه به درک و تحلیلی که نسبت به جنگ و تواناییها و قابلیتهای نظامی و اهداف هر یک از طرفین داشتند، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و مقابله با رخدادها و حوادث غیر مترقبه، اقدام به نزدیکی و ارتباط با ایران و عراق نمودند.

بر طبق ارزیابی و تحلیل سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا)، عراق متحد

ص: ۳۱

۱- ۲۹. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۸، مورخ ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۵، اکونومیست ۲۰ مارس ۱۹۸۶ (۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۳۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵. روزنامه سوئدی تمپوس.

۳- ۳۱. پیشین.

سنتی شوروی بوده و سیستم تسلیحاتی این کشور، ایدئولوژی حزب بعث و تفکرات سیاسی و اقتصادی آن، برقراری رابطه استراتژیک با شوروی را ایجاب می کرد؛ لکن چرخش عراق به سمت غرب، تهاجم این کشور به ایران (همسو با منافع غرب) و سپس استیصال آن در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام، شرایطی را برای عراق به وجود آورده بود که برای بقا و تداوم حیات سیاسی و نظامی خود شدیداً نیازمند حمایت غرب و آمریکا بود. عراق در چنین شرایطی (پس از فتح خرمشهر) مبادرت به برقراری رابطه رسمی با آمریکا کرد. ارائه کمکهای اطلاعاتی و سایر حمایتها از عراق نیز از همین زمان آغاز شد.

روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا طی تحلیلی در خصوص اهداف آمریکا از برقراری رابطه با عراق نوشت:

«دولت آمریکا در ارتباط با عراق سه هدف سیاست خارجی را در نظر داشته است:

۱- از شکست عراق به دست ایران جلوگیری کند.

۲- عراق به اردوی اعراب میانه رو ببیند.

۳- حمایت عراق را در مبارزه با تروریسم بین المللی به دست آورد.» (۱).

عراق همچنین برای نجات خود، از تلاشهای صلح آمریکا در خاورمیانه حمایت می کرد. در این باره روزنامه وال استریت ژورنال نوشت:

«دولت ریگان در سال ۱۹۸۴، با این امید روابط دیپلماتیک با عراق را از سرگرفت که آن کشور از تلاشهای صلح ایالات متحده در خاورمیانه جانبداری کند.» (۲).

در همین روزنامه پیرامون تمایل آمریکا به جانبداری از عراق آمده است:

ص: ۳۲

۱- ۳۲. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۸۵، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۵ وال استریت ژورنال چاپ آمریکا.

۲- ۳۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا (۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

«هر چند ایالات متحده در جنگ ایران و عراق رسماً روش بیطرفی را در پیش گرفته است! ولی گرایشش به جانب بغداد حتی پیش از تجدید مناسبات آغاز شده بود. زیرا به اعتقاد آمریکا پیروزی ایران منطقه خلیج فارس را که از موقعیت استراتژیکی بسیار پر اهمیتی برخوردار است، دستخوش بی ثباتی خواهد ساخت. از اینرو دولت آمریکا جواز فروش هلیکوپترهای غیر نظامی را به عراق صادر کرد... به علاوه، گفته می شود که عربستان سعودی با توافق واشنگتن اطلاعات جبهه های جنگ را از طریق هواپیماهای آواکس برای عراق رله می کند.» (۱).

بنابراین، در عین حال که آمریکاییها ظاهراً اظهار می کردند که نسبت به پیروزی طرفین جنگ ناخشنود هستند، لیکن در مقایسه با وضعیت عراق در برابر ایران و تبعات پیروزی ایران به حملات اطلاعاتی، تسلیحاتی، تبلیغاتی، دیپلماتیک و اقتصادی از عراق مبادرت نمودند.

از طرف دیگر، تمایل و تلاش آمریکاییها برای نزدیکی به ایران نیز اساساً از اهداف گوناگونی پیروی می نمود. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصیت اساسی انقلاب اسلامی با آمریکا و متقابلاً اقدامات خصوصیت آمیز آمریکا علیه ایران، شرایطی را به وجود آورده بود که به هیچ روی امکان آشتی وجود نداشت. آمریکاییها برخلاف رهنمودها و اقدامات امام خمینی (قدس سره الشریف) و دیدگاه ها و عملکرد نیروهای انقلابی، که همواره ضدیت با آمریکا را در تمامی زمینه ها دنبال می کردند، ضرورت نزدیکی تدریجی به ایران را با این درک و تحلیل که انقلاب اسلامی در موقعیت جغرافیایی مشخص به نام ایران به وقوع پیوسته و بحرانهای متعددی را گذرانده و به رغم توطئه ها، شرایط بقا و حیات خود را فراهم آورده است، به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار دادند و تلاش کردند از موضع تجدید روابط اقدام نمایند. در آن زمان هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا در

ص: ۳۳

۱- ۳۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو آمریکا، روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا (۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

زمینه ضرورت برقراری روابط سازنده با ایران گفت:

«یک جنبه ی منفی پیروزی ایران، تقویت پرستیژ عقاید اسلامی رادیکال ضدغرب از جنوب تا شرق آسیا و تا سواحل اقیانوس اطلس است...»

ایران یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال کند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت. سیاست منزوی نمودن ایران تا موقعی درست است که تهران توسط متعصبهای توسعه طلب رهبری شود. موقعیت غرب در برابر ایران مشابه روابط آمریکا با چین است. به عقیده ی من سیاست عاقلانه ی آمریکا باید دو طریق را به موازات هم ببیناید، ایستادگی در برابر توسعه طلبیهای ایرانیان همگام با برقراری روابط سازنده، تا آنگاه که واقعیتهای بنیادی خودشان را نشان دهند. سیاستمداران در احاطه بر اوضاع و شرایط حساس، باید روزنه ای را برای روز مبادا بازگذارند.» (۱).

موقعیت استراتژیک ایران در جنوب شوروی و در شمال خلیج فارس و برخورداری از جمعیت قابل توجه و منابع نفتی و خاک وسیع و موقعیت جغرافیایی برتر نسبت به همسایگان و سایر مسائل به گونه ای بود که آمریکاییها نمی توانستند به سهولت ایران را نادیده بگیرند. بنابراین، اهداف مختلفی را در این زمینه دنبال می کردند. نشریه ژون آفریک چاپ فرانسه، طی تحلیلی، به بخشی از این اهداف اشاره کرد:

«آمریکا معتقد است که با درگذشت امام خمینی و کشمکشهایی که این امر بدون شک در پی خواهد داشت، زمینه بالا گرفتن یک جریان هوادار غرب در نیروهای مسلح و محافل بورژوازی تجاری ایران فراهم خواهد شد. بنابراین، طراحان نظامی وزارت خارجه آمریکا نقش ناچیز کنونی آمریکا را پذیرفته و از نفرینهایی که مرتباً از سوی تهران نثار آنها می شود به غضب نمی آیند. آنها معتقدند که ایران به محض آنکه

ص: ۳۴

از لحاظ اقتصادی به زانو درآید به آنها و متحدین غربی آنها روی خواهد آورد. بعلاوه، آنها معتقدند که ضدیت رهبران ایران با شوروی یک برگ برنده غیر قابل انکار در بازی پیچیده ای است که در این منطقه استراتژیک جهان دارند و نشانه آن کمک مستقیمی است که تهران به شورشیان افغان می کند.» (۱).

رادیو آمریکا به نقل از جک اندرسون مفسر آمریکایی، مقاله وی در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، ضرورت برقراری رابطه آمریکا با ایران را با نظر دیگری مورد توجه قرار داده و برای این تغییر سیاست آمریکا دو دلیل عنوان کرد:

«نخست، نگرانی آمریکا در صورت عدم حضورش در ایران بعد از امام خمینی این است که شوروی شمال ایران را اشغال کند؛ دوم آنکه، کاخ سفید معتقد است در صورت برقراری روابط با ایران، واشنگتن سالانه ده تا دوازده میلیارد دلار کمتر خرج دفاع از خود در برابر اغتشاشات ملهم از ایران خواهد کرد.» (۲).

علاوه بر آنکه اساساً در تحلیلها شوروی به عنوان یک عامل تعیین کننده لحاظ شده است، فروش تسلیحات به ایران، به لحاظ سیستم تسلیحاتی غربی ایران و برخی از مسائل دیگر نیز به عنوان اهداف آمریکا برای نزدیک شدن به ایران مورد اشاره قرار گرفته است. در این روند، آمریکاییها از یکسو به منظور کنترل و مهار ایران، اعمال فشار به جمهوری اسلامی را ادامه می دادند و از سوی دیگر به منظور ممانعت از رادیکال شدن بیش از پیش ایران، سیاست نزدیکی به ایران را توسط برخی کشورهای اروپایی از جمله آلمان و همچنین ژاپن دنبال می کردند. به عبارت دیگر، سیاست فشار دیپلماسی آمریکا در برابر ایران بدین منظور دنبال می شد که آمریکاییها طی یک روند درازمدت با به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق،

ص: ۳۵

۱- ۳۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۶، ۹ / ۲ / ۱۳۶۵.

۲- ۳۷. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۹ / ۲ / ۱۳۶۵ رادیو آمریکا.

علاوه بر پایان بخشیدن به جنگ، مناسبات خود با ایران را نیز حل و فصل نمایند. (۱).

در این روند طبعا آمریکاییها هر عاملی را که منتهی به تغییرات عمده در جنگ و متعاقبا تقویت مواضع ایران و برتری سیاسی و نظامی آن بر عراق می شد، نامطلوب ارزیابی می کردند، لذا فتح فاو به لحاظ تبعات ناشی از آن در تقویت مواضع ایران، به زیان منافع آمریکا و غرب تلقی می شد. از اینرو موضعگیری آمریکا بلافاصله پس از فتح فاو و اقدامات بعدی این کشور در مساعدت به عراق برای حمله به مراکز صنعتی و آب و برق ایران، نشانگر فزونی یافتن مواضع خصومت آمیز آمریکا بود. در این ضمن، جورج بوش معاون وقت رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵ به منظور انجام یک سفر ۸ روزه به کشورهای خلیج فارس و مذاکره پیرامون مسائل نهفته وارد عربستان سعودی شد. در این حال:

«همزمان با سفر بوش به منطقه، حمله به یک نفتکش عربستان سعودی توسط هواپیماهای ناشناس به منزله پیام سیاسی به آمریکا تلقی شد.» (۲).

بوش در اولین اظهار نظر خود، نگرانی آمریکای نسبت به گسترش جنگ در خلیج فارس را اینچنین مورد اشاره قرار داد:

«چیزی که ما و دوستان ما را نگران می کند آن است که این جنگ به فراتر از محدوده کنونی آن توسعه یابد. احتمال دارد که به بستن آبراه هرمز اقدام شود و یا اینکه ممکن است ایران از خطوط عراق بگذرد و به کشورهای همسایه حمله کند و این متأسفانه چیزی است که تهدید انجام آن صورت گرفته است. ما بارها این نکته را یادآور شده ایم و اجازه

ص: ۳۶

۱- ۳۸. آنچه که بعدها به عنوان ماجرای مک فارلین انتشار یافت از سال ۶۴ آغاز و به منظور تحقق اهداف فوق دنبال می شد.

۲- ۳۹. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره ۹۰، رادیو مسکو (۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵).

دهید مجدداً آن را در اینجا تکرار کنم که ایالات متحد اساساً و قطعاً به جریان آزاد نفت از خلیج فارس متعهد است.» (۱).

همچنین در پی اقدام نظامی آمریکا علیه لیبی در خلیج سیرت، بوش در اظهارات تهدیدآمیز خود که خبرگزاری آسوشیتدپرس آن را نقل کرد، گفت:

«درگیری نظامی اخیر بین آمریکا و لیبی در خلیج سیرت باید گوشزدی برای ایرانیها باشد. آمریکا نمی خواهد نظاره گر این مسئله باشد که گسترش جنگ از سوی ایران، به روند تغییر در توازن قدرت در منطقه بیانجامد.» (۲).

بلافاصله پس از موضعگیری تهدیدآمیز بوش، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و فرمانده عالی جنگ اظهار داشت:

«آقای بوش در این شرایط حساس به کشورهای همسایه مسافرت می کند و چنین مغرورانه می گوید که ما اجازه نمی دهیم آبراههای جهانی ناامن شود یا ایران پیروز گردد. این حرفها برای کیست؟ ما که می دانیم شما جنگ را برای از پا در آوردن ما ایجاد کردید، حال که شکست خوردید می گوئید ما اجازه نمی دهیم موازنه در منطقه بهم بخورد.» (۳).

بوش طی این سفر ۸ روزه به بررسی وضعیت منطقه پرداخت. در این برهه، طبعاً اظهار نگرانی کشورهای منطقه و درک و دریافت بوش از شرایط متزلزل عراق، تأثیرات قابل ملاحظه ای در تصمیمات بعدی آمریکا داشت.

مصاحبه ژنرال هارین کریست، مسئول کمیته منطقه خلیج فارس از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و تأکید وی بر مسئولیتهای آمریکا در این منطقه، پیام آشکار آمریکا به ایران و همسایه شمالی آن بود:

«ما مسئولیت عمده ای در قبال خلیج (فارس) به عهده داریم، یکی اینکه روسها را از کشورهای کوچک خلیج دور نگهداریم و دیگر آنکه

ص: ۳۷

۱- ۴۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۵. رادیو آمریکا، (۲۸ / ۱ / ۱۳۶۵).

۲- ۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵.

۳- ۴۲. روزنامه کیهان، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۵، سمینار لیبیک به ندای امام خمینی در استان خراسان.

امنیت دسترسی به ذخایر نفتی منطقه را تضمین نمائیم» (۱).

آمریکاییها ضمن اعلام موضع خود نسبت به تلاشها و اقدامات بعدی ایران به منظور بهره گیری از نتایج حاصله از فتح فاو، اقداماتی را انجام دادند که اساسا در جهت رفع نگرانی کشورهای منطقه بود.

فروش سلاح به عربستان سعودی که به لحاظ تأثیر آن بر توازن بین اعراب و اسرائیل مورد مخالفت کنگره بود، بخشی از اقدامات آمریکا در این مرحله محسوب می شد. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا در تاریخ ۴ / ۲ / ۱۳۶۵ س.عی نمود تا کنگره آمریکا را توجیه کند که تحویل ۳۵۴ میلیون دلار سلاح به عربستان سعودی تصویب شود. شولتز در برابر اقدام کمیته فرعی نمایندگان، که لایحه ای را در مخالفت با این فروش پیشنهاد کرده بود، طی مطالبی برای آن کمیته نوشت:

این فروش، علائم سیاسی آشکاری خواهد فرستاد. علائمی به ایران که از گسترش جنگ با عراق جلوگیری کند و علامتی به عربستان و دیگر کشورهای میانه رو که اراده ی خود را تقویت کنند و این فروش اعتبارها و قابل اعتماد بودنها را به عنوان یک شریک امنیتی مورد تأیید قرار می دهد» (۲).

شولتز در نامه دیگری به لی هامیلتون نماینده کنگره، مسائل دیگری را مطرح کرد که بخوبی نگرانیهای آمریکا را خاطر نشان می ساخت. وی در این نامه نوشت:

«عربستان سعودی برای جلوگیری از گسترش و توسعه ی خرابکاری شوروی و یا ایرانیها در منطقه خلیج فارس و حفظ جریان نفت منطقه به غرب و ژاپن به سیستم دفاعی موشکی نیاز دارد» (۳).

در این شرایط که آمریکاییها بر فروش سلاح به عربستان سعودی پافشاری می کردند، خبر دستگیری یک شبکه ی قاچاق اسلحه در آمریکا انتشار

ص: ۳۸

۱- ۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۴۴. روزنامه رسالت، ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری رویترو.

۳- ۴۵. پیشین.

یافته و پوشش وسیع خبری به آن داده شد. دادستان فدرال آمریکای یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت:

«پنج قرارداد مختلف با یک خریدار ایرانی به نام سیروس هاشمی که پیش از این نیز در سال ۱۹۸۴ در ایالات متحده آمریکا متهم به فروش اسلحه به ایران شده، منعقد شده بود.» (۱).

به گفته ی مقامات قضایی آمریکا، متهمین قصد داشتند شکاربهای اف - ۴ و اف - ۵، موشکهای زمین به زمین، موشک تاو و... را به طور غیر قانونی به ایران صادر کنند. حجم معاملات بالغ بر ۲ / ۵ میلیارد دلار بود. بلافاصله روز بعد آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه اظهار داشت:

«کدام قاچاقچی اسلحه در دنیا وجود دارد که بتواند هواپیماهای پیشرفته امریکایی را از آن کشور خارج کرده و به ایران بفرستد؟»

سپس ایشان تأکید کردند:

«ما غیر از اسرائیل که باید بایکوت باشد، البته اسلحه ی آمریکایی را از هر کجا بتوانیم تهیه می کنیم، به خاطر اینکه هواپیماها و بسیاری از موشکها و سیستم توپخانه ما آمریکایی است... امروز هم اگر یک هواپیما و موشک امریکایی پیدا کنیم، آن را می خریم و این هیاو برای ما عجیب است.» (۲).

بنابراین، پس از فتح فاو و نظر به تأثیرات این پیروزی در ایران و منطقه، آمریکاییها نگرانی خود را با سفر شتابزده ۸ روزه جرج بوش به منطقه و اظهارات وی و سایر مقامات آمریکایی مبنی بر «خطر گسترش جنگ» و «تهدید جریان صدور نفت از خلیج فارس» ابراز کردند، ضمن آنکه برنامه هایی را نیز طراحی کرده و انجام دادند که بخشی از آن شامل فروش سلاح به عربستان و متقابلاً تشدید مقابله با خرید تسلیحات توسط ایران از منابع موجود در اروپا بود. علاوه بر این، باید به نقش آمریکاییها در ارائه

ص: ۳۹

۱- ۴۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۱۵، ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۵، ادماتیه چاپ فرانسه ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ (۴ / ۲ / ۱۳۶۵).

۲- ۴۷. روزنامه کیهان، ۶ / ۲ / ۱۳۶۵.

اطلاعات به عراق و تشویق و ترغیب این کشور در حمله به مراکز صنعتی و آب و برق و آغاز استراتژی موسوم به دفاع متحرک اشاره کرد. در واقع، تلاشهای یاد شده عمدتاً بدین منظور طرحریزی و اجرا می شد که آمریکا نتایج حاصله از فتح فاو و تغییر توازن در منطقه خلیج فارس را مهار و کنترل نماید.

مواضع شوروی

در سال ۱۳۵۷ روسیه برای اولین بار با انقلاب معتبر و قدرتمندی روبرو شد که حداقل به صورت بالقوه منافع این کشور را در آسیای میانه تهدید می کرد. اما در عین حال، مواضع ضد غربی ایران و برچیده شدن پایگاه های آمریکا از مرزهای جنوبی شوروی موجب شد تا انقلاب اسلامی از جهاتی از نظر مسکو مورد ارزیابی مثبت قرار گیرد، چنانکه تلاش مسکو برای بهره برداری از تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن در منطقه به سود این کشور، موجب گردید که افغانستان مورد تجاوز و اشغال قرار گیرد. اما موضعگیری جمهوری اسلامی ایران نسبت به تجاوز ارتش سرخ به مردم مسلمان افغانستان و حمایت از این کشور، اثرات نامساعدی بر روابط دو کشور باقی گذاشت.

به دنبال تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ روسها در برابر وضعیت خاصی قرار گرفتند. آنها در عین حال که مخالفت خود را با تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماتیک و با تعلیق فروش اسلحه به عراق نشان دادند لیکن از جهاتی امیدوار بودند که فشار غرب به ایران، علاوه بر تشدید شکاف در روابط ایران و غرب، روابط ایران با شوروی را بهبود بخشد و مواضع ایران در قبال مسئله افغانستان را نیز تعدیل نماید.

بدیهی است که تعلیق فروش سلاح به عراق با توجه به تسلیحات واگذاری شده از سوی روسها به این کشور قبل از شروع جنگ و سلاحهایی که عراق از غرب دریافت کرده بود، هیچ تأثیری در روند تحولات جنگ به زیان عراق، نداشت. ضمن آنکه هرگز روسها عراق را به عنوان متجاوز معرفی نکردند.

در چنین شرایطی روسها امیدوار بودند که ایران متأثر از تهاجم عراق نه تنها از هر گونه گرایش به غرب اجتناب نماید، بلکه با نزدیکی به مسکو نسبت به مسئله افغانستان مواضع جدیدی را اتخاذ کند. به عبارت دیگر، ایرانی تضعیف شده که به غرب متمایل نشده و در برابر روسها سیاستی همراه با تساهل و تسامح را انتخاب می کرد، مطلوب مسکو تلقی می شد.

طی این دوره مناسبات ایران و شوروی متأثر از سه مسئله افغانستان، جنگ ایران و عراق و حزب توده بود. به لحاظ عدم انعطاف در سیاست خارجی مسکو و نحوه نگرش این کشور به معضلات فی مابین، به نظر نمی رسید که گشایشی در مناسبات دو کشور به وجود آید. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) انتخاب گورباچف به دبیر کلی حزب کمونیست موجب گردید تا تحولات قابل ملاحظه ای در سیاست خارجی این کشور بروز نماید. تصمیم و تلاش برای حل و فصل مسئله افغانستان، مهمترین و برجسته ترین گام زمامداران جدید شوروی بود که آغاز شد.

شوروی تحت رهبری گورباچف تمایل داشت نقش سازنده تری در گفتگوی صلح خاورمیانه داشته باشد. در این میان، تصمیم به عقب نشینی از افغانستان مهمترین و برجسته ترین اقدام گورباچف بود. وی بعدها اظهار داشت که تحول در سیاست خارجی و آنچه منجر به عقب نشینی از افغانستان شد، از آوریل ۱۹۸۵ (اسفند ۱۳۶۳) - درست یک ماه پیش از به قدرت رسیدن او - شروع شد. از این پس، سیاستهای شوروی در

برخورد با جنگ ایران و عراق نیز شکلی فعالتر به خود گرفت. ظاهراً روسها در مسئله جنگ ایران و عراق و مسائل دیگر منطقه، نسبت به غرب احساس عقب ماندگی می کردند. تلاش شوروی برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ، با این فرض طرحریزی و شروع شد که به رغم گرایش عراق به غرب، تحت رهبری صدام می توان علاوه بر جذب عراق، به اعمال فشار به این کشور پرداخت و ایران را نیز با ارائه برخی کمکها و همچنین اعمال فشار در شرایط مقتضی، جذب کرد.

روسها از این پس در نظر داشتند در مقابل حل مسئله ی افغانستان امتیازات مناسبی را در سایر بحرانهای منطقه به دست آورند. گورباچف مکرراً در اظهارات خود بیان کرده بود که حل مسئله ی افغانستان می تواند راه را برای تلاشهای بیشتر جهت فرونشاندن آتش در سایر درگیریهای منطقه ای، نظیر درگیریهای خاورمیانه و خلیج فارس هموار کند. بر این اساس، از سوی روسها به منظور حل و فصل مسائل افغانستان، جنگ ایران و عراق، مسائل خلیج فارس و صلح اعراب و اسرائیل، برگزاری چهار کنفرانس صلح بین المللی پیشنهاد شد.

روسها فاقد ابزار لازم برای تحقق پیشنهادات خود بودند، لیکن در نظر داشتند در ازاء امتیازاتی که با عقب نشینی از افغانستان از دست می دهند، در سایر زمینه ها به کسب بهره برداریهای مناسب پردازند.

آمریکاییها بیش از این مایل به مشارکت مسکو در جهت حل و فصل مسائل منطقه نبودند، ضمن آنکه تهدیداتی را نیز نسبت به منافع خویش متحمل می دانستند، آمریکا در مورد جنگ ایران و عراق در نظر داشت تا با تضعیف و کنترل هر دو کشور، روابط با ایران و عراق را طی این روند شکل داده و با ابتکار عملی، خود جنگ را به پایان برساند.

پس از ایجاد ارتباط تسلیحاتی برخی کشورهای عضو جبهه ی پایداری

عرب با ایران، بویژه مسلح شدن ایران به موشکهای اسکاد در سال ۶۳، تحرک روسها در جنگ ایران و عراق شکل جدیدی به خود گرفت. از این پس عراقیها روابط جدیدی را با مسکو آغاز کردند. سفر صدام به شوروی در سال ۶۳ و مذاکره با رهبران این کشور شروع بخشی از مناسبات جدید بود.

عراقیها تقاضای دریافت موشکهای اس.اس.۲۱ و اس.اس.۲۲ را نمودند تا با بهره گیری از آنها تهران را مورد حمله موشکی قرار دهند. روسها اعلام داشتند که با ارسال سایر تجهیزات نظامی موافق هستند، لیکن واگذاری موشکها را عملاً به زمان دیگری موکول کردند.

شوروی تصور می کرد که همانگونه که با واگذاری موشک اسکاد به ایران، عراق را تحت فشار قرار می دهد، بدین وسیله نیز می تواند به ایران تفهیم نماید که نسبت به مسئله افغانستان و نیز میانجیگری شوروی در جنگ ایران و عراق مواضع خود را تعدیل نماید، در غیر این صورت با تجهیز عراق به موشکهای دوربرد، فشار لازم را به ایران وارد خواهد ساخت. در این خصوص نشریه المستقبل چاپ فرانسه، به نقل از منابع برجسته عربی نوشت:

«اتحاد شوروی دست به تحرک دو مرحله ای زده است. مرحله نخست: در خلال دیدار پرزیدنت صدام حسین از مسکو که در دسامبر گذشته صورت گرفت، مقامات شوروی موضوع کشاندن جنگ بر سر میز مذاکره و آمادگی رهبران شوروی برای ایفای نقش میانجی جهت تحقق این امر را با رئیس جمهور عراق در میان گذاشتند. بر این اساس، مقامات شوروی عدم موفقیت خود را با ارسال موشکهای دوربرد زمین به زمین از نوع اس.اس.۲۱ و اس.اس.۲۲ (که می تواند به اهدافی در فاصله ی ۶۰۰ کیلومتری و یا بیشتر اصابت نماید) را به عراق اعلام

نمودند، هر چند که با ارسال دیگر تجهیزات جنگی به عراق موافق بودند.

شورویها تصور نمودند که این امر ممکن است رهبران ایران را به نشان دادن نرمش و آمادگی برای انجام مذاکره با عراق تشویق نماید.» (۱).

به دنبال تحرکات دیپلماتیک شوروی و عراق، روسها به منظور ممانعت از ناخشنودی ایران، علاوه بر ارسال گزارش مذاکرات، طی نامه ای به مسئولین جمهوری اسلامی، کورنینکف را همراه با یک هیئت عالیرتبه راهی تهران نمودند. طی این سفر، ملاقاتهای سطح بالایی برای کورنینکف ترتیب داده شد. وی از جانب گورباچف از مسئولین جمهوری اسلامی برای بازدید از مسکو دعوت به عمل آورد. صدور بیانیه مشترک از جانب ایران و شوروی و اظهار رضایت طرفین از نتایج مذاکرات، نشانگر موفقیت سفر و خشنودی ایران و شوروی از دستیابی به مقاصد خود بود.

بلافاصله پس از آغاز عملیات والفجر ۸، فتح فاو و انهدام بخشی از توان نظامی عراق، روسها صریحا و آشکارا طی موضعگیری متفاوتی ناخشنودی خود را ابراز داشتند.

خبرگزاری فرانسه به نقل از واسیلی سافرونموک نماینده شوروی چنین مخابره کرد:

«شوروی از متخاصمین دعوت کرد تا اختلافات خود را بر سر میز مذاکره حل و فصل کنند نه در میدان نبرد. ادامه جنگ تنها به نفع کسانی است که به منظور مداخله می خواهند ایران و عراق را تضعیف کنند.» (۲).

رئیس ستاد نیروهای مسلح شوروی در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت:

«موضعگیری شوروی در جنگ غیر قابل تغییر بوده است. شوروی این جنگ را بی معنی و غیر ضروری برای هر دو طرف می داند که باید هر چه زودتر قطع شود. موضعگیری شوروی ثابت است چه وقتی که

ص: ۴۴

۱- ۴۸. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۶۶، ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۶۵ المستقبل چاپ فرانسه ۲۲ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۲- ۴۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴. خبرگزاری فرانسه (۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

عراق وارد خاک ایران شد و چه حالا که ایران وارد خاک عراق شده است.» (۱) هفته نامه زاروبژوم چاپ شوروی می نویسد:

«نباید اجازه داد که جنگ ایران و عراق طولانی تر از این بشود زیرا این امر ممکن است پای نیروهای امپریالیستی علاقه مند به افزایش تشنجات آینده خلیج فارس را به این منطقه بکشاند.» (۲).

سفیر شوروی در قاهره طی مصاحبه ای ضمن تأکید بر موضع شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ، سیاستهای ایران را عامل تداوم جنگ نامید:

«اتحاد جماهیر شوروی سعی می کند با هر روش ممکن جنگ ایران و عراق را متوقف سازد، ایران آماده نیست سیاست خود را برای ادامه جنگ تغییر دهد و حمله ی اخیر ایران بر سرزمینهای عراق تأکیدی بر این سیاست است. شوروی توقف فوری جنگ ایران و عراق و خاتمه درگیری از راههای مسالمت آمیز را خواستار است.» (۳).

ایزوستیا چاپ شوروی نیز طی تحلیلی ضمن تأکید بر ضرورت حل جنگ به شیوه مسالمت آمیز و بهره نهدانی آن برای امپریالیزم در صورت ادامه جنگ، نوشت:

«جنگ خلیج فارس نه به نفع عراق است و نه ایران، تنها کشورهایی که از آن سود می برند آمریکا و متحدانش می باشند.» (۴).

روسها شکست عراق در برابر ایران را به لحاظ نتایج ناشی از آن، اساساً به زیان خود ارزیابی می کردند و تلاش آنها فشار به ایران برای اتمام جنگ بود. غربیها انگیزه شوروی از اتخاذ مواضع جدید را تقویت موقعیت این کشور در منطقه و گسترش رابطه با ایران و عراق می دانستند.

در این مورد ژنرال هارین کریست از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و مسئول کمیته منطقه ی خلیج فارس ضمن تحلیلی گفت:

ص: ۴۵

۱- ۵۰. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، بولتن شماره ۲۲۲ / ۳، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۵۱. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۲، ۷ / ۱ / ۱۳۶۵ هفته نامه زاروبژوم چاپ شوروی ۶ مارس ۱۹۸۶ (۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

۳- ۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو صوت جماهیر (۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴)، به نقل از شوروی در قاهره.

۴- ۵۳. دفتر تبلیغات اسلامی واحد قم، بولتن «گزارش» شماره ۳۳، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری رویتر، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۵، به نقل از ایزوستیا چاپ شوروی.

«به نظر می‌رسد در حال حاضر شرایط به سود روسها باشد و آنها در جنگ ایران و عراق بر روی دو طرف کار می‌کنند، لیکن من فکر می‌کنم که روسها به ایران به صورت جواهر یک تاج نگاه می‌کنند زیرا در صورتی که روسها کنترل ایران را به دست گیرند، کنترل تمامی خلیج فارس را در اختیار خواهند داشت.» (۱).

هفته نامه نیوزویک معتقد است پیروزی ایران در فاو موجب گرایش صدام به شوروی شده است:

«پیروزی اخیر ایران باعث گرایش صدام حسین به شوروی خواهد شد. اخیراً یک گروه هزار نفری از مستشاران نظامی روسی وارد بغداد شدند که اکثراً در واحدهای عملیاتی عراق در خط مقدم جنگ مشغول به کار خواهند شد. این در حالی است که صدام حسین در سفر خود به مسکو، در پائیز سال گذشته، عاجزانه درخواست کمکهای تسلیحاتی اساسی تری از شوروی کرده بود.» (۲).

بولتن محرمانه ی اکونومیست نیز پیروزی ایران را عامل افزایش نگرانی شوروی و تسریع ارسال تجهیزات به عراق ذکر کرده و می‌نویسد:

«این شکست (عراق در فاو) شوروی را نگران ساخت. در حال حاضر گفته می‌شود که این مسئله، توجه و رسیدگی و سرعت بخشیدن به روند کند تحویل اسلحه از روسیه به عراق را سبب شده است.» (۳).

در شرایطی که اخبار متفاوتی مبنی بر ناخشنودی شوروی از پیروزی جمهوری اسلامی و ادامه جنگ و همچنین گسترش روابط شوروی با ایران و عراق انتشار می‌یافت، عراقی‌ها به طور ماهرانه ای به انتشار خبری مبنی بر استفاده از سلاحهای پیچیده و خطرناک دریافتی از شوروی، مبادرت به تهدید ایران نمودند. متن خبر منتشره از رادیو عراق چنین است:

«عراق هنوز از سلاح پیچیده و خطرناک ساخت روسیه که در

ص: ۴۶

۱- ۵۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵ هفته نامه نیوزویک چاپ آمریکا.

۳- ۵۶. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۹، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، نشریه اکونومیست چاپ لندن، ۱۳ مارس ۱۹۸۶ (۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴).

اختیار این کشور است استفاده ننموده و اگر استفاده کند نتیجه معلوم خواهد شد.» (۱).

عراق با انتشار این نوع اخبار در صدد بود که مانع از ایجاد ارتباط نزدیک بین ایران و شوروی شود. زیرا چنین رابطه ای را به زیان خود می دید.

اما شوروی ها که نمی خواستند در این شرایط تهران را آزرده نمایند، بلافاصله واکنش نشان دادند. یک مقام روسی در تهران اظهار داشت:

«دولت شوروی قصد ندارد که سلاحهای جدیدی در اختیار عراق قرار دهد، زیرا یک چنین عملی موفقیت بیطرفانه شوروی در جنگ ایران و عراق را نقض خواهد کرد.» (۲).

در همین زمان القبس چاپ کویت اقدام به درج اخباری کرد که حاکی از افزایش ارسال سلاح توسط شوروی به عراق بود:

«شوروی یک پل هوایی برای حمل سلاح و مهمات به بغداد کرده است. گورباچف رهبر شوروی با ارسال نامه ای به برخی از سران عرب به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد.» (۳).

مناسبات عراق و شوروی متعاقب فتح فاو به شکل فزاینده ای رو به بهبود نهاد. در واقع روسها از سیاست جدید خود مبنی بر فشار به عراق برای جذب مجدد این کشور، موفقیت هائی را به دست آوردند. توسعه ی روابط عراق با شوروی و تجهیزات دریافتی توسط عراق گرچه منتهی به دریافت موشکهای اس.اس.۲۱ نشد لیکن در عین حال برای تقویت توان نظامی عراق و کسب حمایت سیاسی شوروی مفید بود. سفیر عراق در مسکو (سعید فیصل) طی مصاحبه ای اعلام کرد:

«روابط دوجانبه میان عراق و شوروی در مدت اخیر بویژه در سال جاری شاهد گسترش و رشد چشمگیری بوده است. دیدارهای متقابل دو

ص: ۴۷

۱- ۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی (بوشهر)، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴. رادیو عراق.

۲- ۵۸. روزنامه کیهان، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۴، رادیو لندن.

۳- ۵۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» شماره ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۴، القبس چاپ کویت.

کشور در سال گذشته و بخصوص سفر صدام رئیس جمهوری عراق به مسکو روابط دوستانه دو کشور را ژرف تر ساخت. گسترش چشمگیر روابط در زمینه های اقتصادی، بازرگانی و پروژه های نفتی بود.» (۱).

چند روز پس از اظهارات رضایت آمیز سفیر عراق در مسکو پیرامون روابط بغداد - مسکو، طارق عزیز طی سفر سه روزه به مسکو اقدام به انعقاد قرارداد با این کشور نمود. وی پس از مراجعت به بغداد طی مصاحبه ای با رادیو عراق گفت:

«سفرش به شوروی موفقیت آمیز و ثمربخش بوده و به امضای یک موافقتنامه همکاری گسترده در همه ی زمینه ها انجامیده است به طوری که مرحله جدیدی در راه همکاری جدی بین دو کشور پدیدار خواهد شد.» (۲).

به هر حال، با گرایش عراق به سوی شوروی پس از عملیات فاو، روسها با صرف هزینه ای گزاف و تأمین منابع تسلیحاتی عراق، موقعیت خود را در منطقه بهبود بخشیدند و ضمن تجدید روابط نزدیک با عراق، زمینه های ایجاد مناسبات نزدیک با کشورهای عربی را نیز آماده می ساختند و همزمان با این اقدامات درصدد برآمدند که با تهران نیز روابط نزدیکی برقرار سازند.

ص: ۴۸

۱- ۶۰. روزنامه رسالت، ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری کویت.

۲- ۶۱. روزنامه رسالت، ۱ / ۲ / ۱۳۶۵، واحد مرکزی خبر.

فتح فاو و نتایج ناشی از آن در تغییر موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی، موجب گردید تا تلاشهای گسترده ای از سوی عراق و غرب به منظور تحت الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران طراحی شود. اتخاذ استراتژی نظامی دفاع متحرک و افزایش حملات هوایی از سوی عراق و همچنین کاهش قیمت نفت بخشی از ابعاد گوناگون این طرح به شمار می رفت که به مرحله اجرا در آمد. تلاشهای عمده عراق و حامیانش در این مقطع به جلوگیری از شکست کامل عراق، بازگردان موقعیت از دست رفته آن کشور و حداقل، برقراری توازن بین دو کشور درگیر، با وادار نمودن جمهوری اسلامی به عدول از مواضع اصولی اش در نظر گرفته شده بود. تا آنجا که برژینسکی طی اشاره به تلاش غرب جهت جلوگیری از شکست عراق و ضرورت اعمال فشار به جمهوری اسلامی گفت:

«هدف غرب باید این باشد که از شکست عراق جلوگیری کند، ولی نه به طریقی که ایران را فرسوده و بی نظام سازد. زیرا یک حیوان متحد با

اهداف سیاسی میانه رو، با منافع آمریکا در خلیج فارس مطابق است.» (۱) (۲).

به عبارت دیگر، در حالی که فشارهای وارده به ایران می بایست تواناییها و قابلیت‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی ایران را تضعیف نماید، لکن باید به گونه ای کنترل می شد تا جنگ بدون اینکه برنده یا بازنده ای داشته باشد، پایان یابد.

بدین ترتیب به دنبال فتح فاو توسط جمهوری اسلامی، سیاست اعمال فشار به ایران با هدف ایجاد «توازن سیاسی - نظامی» بین دو کشور در قدم اول، و در نهایت تحمیل صلح به جمهوری اسلامی تدوین و به مرحله اجرا در آمد که در ذیل با بررسی فشارهای وارده به ایران، چگونگی آن را مد نظر قرار می دهیم.

استراتژی دفاع متحرک

ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و تأثیرات منفی از دست دادن این منطقه از نظر روحی و سیاسی و نظامی، مهمترین محرک عراق در اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک» بود. تاکتیک نیروی زمینی سپاه برای عبور از رودخانه اروند و غافلگیری قوای عراقی موجب گردید که آنان در وضعیت دشواری قرار گرفته و برای باز پس گیری منطقه ناتوان شدند. در چنین شرایطی عراق دو راه مشکل در پیش رو داشت که انتخاب هر یک از آنها می توانست تأثیرات نامطلوبی را برای این کشور در پی داشته باشد، بدین معنی که اگر از یکسو برای بازپس گیری فاو پافشاری می کرد، می بایست به

ص: ۵۰

۱- ۶۲. البته این نوع موضعگیری که ایران نباید فرسوده و بی نظام شود، ناامیدی غرب را از اضمحلال و فروپاشی جمهوری اسلامی نشان می دهد. برژینسکی به جای اعتراف به شکست استراتژی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، به گونه ای سخن می گوید که گویا آمریکا اقدامی علیه نظام و ثبات ایران انجام نداده است!

۲- ۶۳. دفتر سیاسی سپاه پاسداران، کتاب «خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ»، (تهران: سپاه پاسداران)، ص ۷۸.

تلفات سنگین تن در دهد. زیرا موقعیت و نحوه حضور رزمندگان اسلام و وضعیت رزمی نیروهای عراقی امیدی برای دشمن باقی نمی گذاشت. متقابلاً به خاطر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه، چشم پوشی از آن و قبول تسلط ایران بر آنجا نیز برای عراق میسر نبود.

بدین ترتیب، عراق با بن بست سختی روبرو بود و برای خروج از این وضعیت می بایست الزاماً استراتژی جدیدی اتخاذ می کرد. اظهارات صدام در آن زمان، بخشی از ابعاد وضعیتی را که عراق گرفتار آن شده بود بیان می کند:

«پاره ای از دوستان توصیه کرده اند که شما چه اصراری دارید در حالی که ایرانیها نیروهای خود را در (فاو) متمرکز ساخته اند به آن منطقه حمله کنید. اهداف دیگری را غیر از شهر فاو در طول مرز ۱۲۰۰ کیلومتری تعیین و به نیروهای ایران حمله کنید. حال ما به این نتیجه رسیده ایم که اگر ارتش ما حمله نکند، نیروهای ایران حمله می کنند و اگر در یک منطقه پدافند کنیم، پس از چند روز همان اندازه تلفات می دهیم که معمولاً در حمله می دهیم. بنابراین راه در این یافتیم که فعلاً از فاو صرف نظر کنیم و در سایر جبهه ها به نیروهای ایرانی حمله کنیم.» (۱).

اظهارات صدام بیانگر سیاست جدید نظامی عراق و توضیح اهداف این کشور در اتخاذ استراتژی دفاع متحرک بود. در این شرایط عراق در نظر داشت که ابتدا از پیشروی رزمندگان اسلام ممانعت به عمل آورده و سپس مبادرت به عقب راندن آنها نماید. لذا پس از آنکه به این نتیجه رسید که پیشروی نیروهای ایرانی در منطقه متوقف شده است و تنها اقداماتی در جهت تثبیت مواضع صورت می گیرد، بدون نگرانی از ادامه پیشروی نیروهای خودی در فاو، «استراتژی دفاع متحرک» را در دستور کار خود قرار داد. تحلیل خبرگزاری رویتر در این باره چنین است:

«عراق پس از آنکه با ضد حملات مکرر نتوانست ایرانیها را از فاو

ص: ۵۱

بیرون کند، استراتژی خود را تغییر داده و نیروهای آن برای اولین بار از زمان عقب نشینی از خاک ایران در سال ۱۹۸۲، از مرز ایران عبور کرده و بخشهایی از خاک ایران را به اشغال در آورده اند.» (۱).

عراقیها همچنین نسبت به این مسئله واقف بودند که در وضعیت موجود، عامل مؤثر در تغییر موازنه در جنگ، باز پس گیری فاو می باشد. بر این اساس، استراتژی دفاع متحرک نهایتاً بدین منظور طراحی شده بود که در مرحله بعد منجر به عقب راندن نیروهای ایران از فاو شود. اظهارات دولتمردان عراق در این زمینه می تواند بسیار گویا باشد:

«عراق راه حل نظامی برای آزاد سازی فاو را حتی یک روز به تأخیر نخواهد انداخت.» (۲).

معاون صدام، طه یاسین رمضان، نیز در این زمینه گفته است:

«عراق برای باز پس گرفتن فاو در موقعیتی مناسب، طرحی را تهیه کرده و نیروهای عراق از مرحله دفاع به مرحله تهاجم منتقل شده اند.» (۳).

در تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ تحرکات نظامی عراق (۴) در چارچوب استراتژی دفاع متحرک با حمله به منطقه عملیاتی والفجر ۹ در منطقه چوارتا آغاز شد و به دنبال پیروزی نیروهای عراق در این منطقه و کسب روحیه حاصل از این موفقیت، تهاجم به سایر مناطق گسترش یافت. طی این مدت عراق به منطقه عمومی پنجوین (۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۴)، ارتفاعات دربندیخان (۱۰ / ۱ / ۱۳۶۵)، منطقه شرهانی (۱۸ / ۱ / ۱۳۶۵) ارتفاعات سومار (۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵)، ارتفاعات منطقه سیدکان (۴ / ۲ / ۱۳۶۵)، جزیره مجنون (۶ / ۲ / ۱۳۶۵)، منطقه فکه (۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵)، منطقه پیچ انگیزه (۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵) ارتفاعات حاج عمران (۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵) و منطقه عمومی مهران (۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵) حمله کرد.

ص: ۵۲

۱- ۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو کویت (۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵)، مجله المدارت چاپ لندن.

۲- ۶۶. روزنامه رسالت، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵، روزنامه کویتی السیاسه.

۳- ۶۷. پیشین.

۴- ۶۸. در این مورد به کتابهای «از خرمشهر تا فاو» و «جنگ در سال ۶۵»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران مراجعه شود.

انتخاب این مناطق برای حمله از سوی عراق، با این برداشت و درک نظامی طراحی شده بود که نیروهای ایران پس از عملیات فاو فاقد سازماندهی لازم می باشند و در صورتی که نیروهای عراق در جبهه های مختلف به صورت جداگانه مبادرت به تهاجم نمایند، ایران توان لازم برای پاسخگویی نخواهد داشت. (۱) البته تحرکات عراق، عملیات مهمی به حساب نمی آمد و به جز آخرین مرحله از این سلسله عملیات که به سقوط مهران انجامید، بقیه عملیات دشمن قابل توجه نبود و نمی توانست فتح فاو را تحت تأثیر قرار دهد. ولی دشمن که ضربه شدیدی را در فاو متحمل شده بود، برای جبران موقعیت از دست رفته، حرکات نظامی محدود خود را با هیاهوی تبلیغاتی توأم می کرد. رادیو عراق که در عوامل این هیاهو بود، اعلام می داشت:

«ارتش ایران را در تمامی جبهه (از شمال گرفته تا جنوب) مورد حمله و سرکوب قرار می دهیم و بزرگترین خسارات و ضایعات را به آنها وارد می آوریم. هیچ تجمع و تراکمی را بدون ضربت و سرکوب باقی نخواهیم گذاشت. هر کسی را بخواهیم به اسارت خود در می آوریم و با دلیل ملموس به رژیم ایران ثابت خواهیم کرد که این موضعگیری ما همان موضعگیری پیش است، یعنی خودداری از تهاجم به داخل خاک ایران، همچنان که در میدانهای جنگ به رژیم ایران ثابت کردیم که تمایل به صلح داریم و این بار قدرت نظامی ما با برگزیدن صلح به جای جنگ هماهنگی دارد و موضعگیری ثابت و نهایی ما است.» (۲).

ص: ۵۳

۱- ۶۹. فرمانده کل سپاه پاسداران در این زمینه اظهار داشت: به گفته ی یک سرهنگ پناهنده عراقی، عقیده ارتش عراق این است که نیروهای ایران بعد از هر حمله نیاز به یکسال بازسازی دارند و نمی توانند سریع حمله کنند؛ لذا ما باید از این مسئله به عنوان غافلگیری استفاده کرده و به آنها حمله کنیم. (کتاب جنگ در سال ۶۵، ص ۷۰).

۲- ۷۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو بغداد (۱۷ / ۲ / ۱۳۶۵).

پس از فتح فاو مقامات عراقی قدرت مانور سیاسی خود را از دست داده بودند و دیگری نمی توانستند تظاهر به صلح طلبی کنند. اما بعد از شروع استراتژی دفاع متحرک و کسب چند موفقیت نسبی، مجدداً به مانورهای سیاسی - تبلیغاتی پرداختند.

چنانکه اشاره شد، دفاع متحرک عراق اهداف ارزشمندی را برای این کشور در پی نداشت، مگر آخرین مرحله آن منجر به سقوط مهران شد. در پی این عملیات بود که عراق احساس کرد عقب ماندگی خود را در شکست فاو جبران کرده و به توازن نزدیک شده است. به همین دلیل، پس از سقوط مهران، سعدون حمادی رئیس وقت مجلس عراق طی نطقی اظهار داشت:

«سیاست جدید عراق، خاتمه دادن به جنگ، برقراری صلح، مبادله اسرا و زمینها، عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای بین المللی، ایجاد راه حل جامع و عادلانه بر اساس حفظ حقوق دو طرف و عدم دخالت در امور یکدیگر را تسریع خواهد بخشید.» (۱).

همچنین رادیو عراق طی تحلیلی در خصوص آمادگی عراق برای تخلیه مهران گفت:

«عراق اقدام به تصرف مهران نمود تا ایران فکر نکند که ما ضعیف هستیم. اکنون اعلام می کنیم که در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم در صورتی که:

۱- عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین المللی و عدم دخالت در مسائل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲- عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی از مهران خواهد بود، در غیر این صورت، شهر مهران را در اشغال خود نگه می داریم.» (۲).

ولی تبلیغات دشمن خللی در اراده جمهوری اسلامی مبنی بر ادامه جنگ وارد نیاورد، به طوری که صدام در جمع نظامیان و فرماندهان نظامی این کشور گفت:

ص: ۵۴

۱- ۷۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۵، رادیو مسقط (۲۹ / ۲ / ۱۳۶۵). به نقل از سعدون

حمادی رئیس مجلس عراق.

۲- ۷۲. رادیو عراق.

«نیروهای مسلح عراق به عملیات اشغال اراضی ایران تا زمان قبول صلح از سوی رهبران ایران ادامه خواهند داد.» (۱).

در هر صورت، عراق با «اتخاذ استراتژی دفاع متحرک»، با تحمل تلفات فراوان، توانست تا اندازه ای موقعیت خود را در مقایسه با شرایطی که پس از فاو با آن دست به گریبان بود، بهبود بخشد.

افزایش حملات هوایی

گسترش تهاجمات هوایی عراق بخش تکمیلی استراتژی دفاع متحرک به شمار می رفت. در واقع، عراق در این شرایط برای کسب روحیه و وادار کردن ایران به عدول از مواضع خود، سیاست تعرضی را در اشکال مختلف دنبال می کرد. تهدیدات هوایی عراق علیه ایران از فروردین ۶۵ آغاز شد. در تاریخ ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۵ حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق اظهار داشت:

«نیروی هوایی عراق همچنان حملات آسیب رساننده شدید و غافلگیر کننده ای را در آینده نزدیک علیه نیروهای ایران و اهداف آنان صورت خواهد داد.»

حمید شعبان مدتی بعد نیز ضمن تأکید بر افزایش توان هوایی عراق گفت:

«ما توانایی دستیابی به هر هدفی را در داخل خاک ایران بدون توجه به بعد مسافت داریم و طی چند روز آینده این را ثابت خواهیم کرد. نیروی هوایی عراق امکاناتی جهت منهدم کردن تمامی هدفها در ایران دارد و در صورت عدم پذیرفتن صلح از سوی ایران، چنین خواهد کرد.» (۲).

طی این مرحله، هواپیماهای عراقی شهرها و روستاهای مناطق وسیعی از خاک جمهوری اسلامی را مورد تهاجم قرار دادند. فرمانده نیروی هوایی عراق با ارائه آماری از عملیات انجام شده توسط این نیرو در فروردین سال

ص: ۵۵

۱- ۷۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۴۲، ۱۶/۴/۱۳۶۵ به نقل از المجله چاپ انگلستان ۳ ژوئن ۱۹۸۶ (۱۳ خرداد ۱۳۶۵).

۲- ۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵، خبرگزاری آلمان ۱۸ / ۲ / ۱۳۶۵، حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق.

۶۵ اعلام کرد که طی یک کاه ۱۴۶۸۶ مأموریت رزمی انجام داده است.

رادیو لندن در رابطه با این حملات هوایی اظهار داشت:

«از هنگامی که سر فرماندهی عراق دریافت که لااقل در زمان حاضر نمی تواند نیروی زمینی ایران را از شبه جزیره فاو بیرون براند، به دنبال راههای دیگری برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ بوده است. از دیدگاه عراق بهترین راه کار، بسیج هوایی برتر عراق برای حمله به هدفهای واجد اهمیت اقتصادی ایران است.» (۱).

تهاجمات نسبتاً وسیع عراق طی این مرحله، در مقایسه با آنچه که بعدها عراقیها، پس از افشای ماجرای مک فارلین انجام دادند، بسیار ناچیز بود. به نظر می رسد که طرحهای عملیات هوایی عراق بنا به دلایلی در این مرحله به صورت کامل اجرا نشد، لیکن زمینه لازم را برای تهاجمات بعدی فراهم کرد.

کاهش قیمت نفت

هدف اصلی از کاهش قیمت نفت، تأثیرگذاری بر منبع اصلی تأمین ارز ایران، کاهش قدرت اقتصادی کشور و نهایتاً متزلزل ساختن تأمین هزینه جنگ بود. ناامیدی متحدین و حامیان عراق نسبت به عدم تأثیر کمکهای همه جانبه به آن کشور و تأثیرات اندک فشارهای فزاینده به جمهوری اسلامی ایران، به منظور از پا در آوردن آن، موجب شد تا نسبت به کاهش قیمت نفت تصمیماتی اتخاذ شود.

در این زمینه ویلیام فایر گفت:

«با ایران چه کنیم؟ هر چه پول در رگهای عراق تزریق شده نتیجه نداده است. اگر عراق برود، فردا کویت و پس فردا عربستان سعودی نیز رفته است و تنها یک روزنه امید هست؛ با سقوط قیمت نفت، ایران ورشکست می شود و ماشین جنگی او از کار می افتد. شاید این درمان کارگر شود و

ص: ۵۶

این آخرین شانس ماست.» (۱).

همچنین، روزنامه واشنگتن پست به نقل از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مورد کاهش خرید نفت از ایران نوشت:

«یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا گفته بود که بخشی از کوششهای آمریکا در جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق، سعی در بازداشتن شرکتها خرید نفت ایران و تجارب با ایران بوده است تا درآمد ایران کاهش یابد.» (۲).

روزنامه آلمانی زودویچه سایتونگ به همین نکته اشاره کرد و نوشت:

«ادامه جنگ با عراق بستگی به صادرات نفت ایران دارد و این در شرایطی است که حمله عراق به مراکز اقتصادی و نفتی ایران از دید ناظران نظامی غرب بسیار مهم تلقی می شود. آنها پیش بینی می کنند که این جریان موجبات کاهش شدید صادرات نفتی ایران را که منبع اصلی درآمد ارزی این کشور برای ادامه جنگ است، فراهم خواهد ساخت.» (۳).

بدین منظور عراق برای حمله به پایانه های نفتی ایران مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت. رادیو آمریکا به نقل از برخی کارشناسان، در مورد اثرات عراق گفت:

«اگر عراق همانند گذشته تهاجم تازه ی ایرانیها (به فاو) را با بمباران شهرهای ایران و پایانه های نفتی پاسخ دهد، ممکن است دوباره سر و صدای خستگی و بیزاری از جنگ در ایران بلند شود.» (۴).

در این سناریو افزایش تولید نفت عربستان نیز به منظور کاهش قیمت نفت در نظر گرفته شده بود. روزنامه ال پائیس در این مورد نوشت:

«از نقطه نظر سیاسی، کشورهای نفتی و دولتهای محافظه کار خلیج فارس مانند عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی خواهان پایان یافتن جنگ طولانی میان ایران و عراق و تعدیل رژیم (امام) خمینی هستند... کشورهای مذکور برای رسیدن به این هدف تلاش

ص: ۵۷

۱- ۷۶. مأخذ شماره ۱، ص ۷۶.

۲- ۷۷. مأخذ شماره ۱، ص ۱۰۹.

۳- ۷۸. مأخذ شماره ۱، ص ص ۱۰۲-۱۰۳.

۴- ۷۹. دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۶۴، رادیو آمریکا (۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۵).

می کنند تا از نظر مالی ایران را با کاهش فروش نفت خام و سقوط قیمت‌ها تحت فشار شدید قرار دهند. در این رابطه است که دریافتهای ایران در مقایسه با دو سه سال قبل حدود ۸۰٪ کاهش یافته است.» (۱).

با کاهش قیمت نفت و طبعاً کاهش قدرت خرید جمهوری اسلامی، علاوه بر بروز مشکلات فزاینده در خرید تجهیزات نظامی، نسبت به تأمین مایحتاج عمومی مردم نیز تنگنمایی به وجود آمد. تشکیل کمیته ویژه برای این وضعیت که بعدها نیز تداوم یافت، ناشی از فشارهای وارده و به عنوان بخشی از تلاشهای ایران به منظور مقابله با بحران جدید بود، ضمن آنکه در مورد صدور نفت نیز تدابیر جدیدی اتخاذ شد.

ص: ۵۸

۱- ۸۰. روزنامه کیهان، ۳۰ / ۲ / ۱۳۶۵.

پس از فتح فاو، افزایش فشار همه جانبه به جمهوری اسلامی عمدتاً بدین منظور طرح‌ریزی و اجرا شد که علاوه بر تحت الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران و پیروزیهای آن، به ایران تفهیم و القا شود بهایی که برای هر پیروزی باید پردازد، بیش از آن چیزی است که به دست خواهد آورد. امام خمینی (ره) بر اساس این شرایط و با پیش‌بینی افزایش فشار به ایران، علاوه بر اینکه سال ۶۵ را «سال استقامت» نام نهادند، حضور در جبهه را به عنوان یک تکلیف مورد تأکید قرار دادند:

«امروز همه ما مکلف هستیم، جوانهای ما باید این جبهه‌ها را پر کنند از انسانهای قوی، که بحمدالله هم الان پر کرده‌اند، لکن بیشتر لازم است. آقا قضیه، قضیه از بین رفتن اسلام، چه تشیع و چه تسنن است و قضیه اینکه ما قیام کنیم و نگذاریم بشود.»
(۱).

در واقع امام در سخنانشان برای پاسخگویی به مخالفین ادامه جنگ، مسأله اساسی دفاع را مورد توجه و تأکید قرار دادند. امام (ره) در حقیقت با اعلام بسیج عمومی و آمادگی بیشتر به منظور ادامه‌ی دفاع مقدس دو نکته

ص: ۵۹

۱- ۸۱. وزارت ارشاد اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، جلد ۱۹ (تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی) ص ۲۹۰.

را در نظر داشتند. از یکسو با توجه به اینکه تلاشهای سیاسی که از مدتها پیش برای برقراری آتش بس صورت می گرفت و در این زمان تشدید گردیده بود، ممکن بود برخی را در امر ادامه ی جنگ و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی دچار تردید کند و احیانا احساس کنند که با فتح فاو و موقعیت برتر جمهوری اسلامی، قدرتهای حامی صدام، شرایط ایران را پذیرفته و امکان دستیابی به یک صلح شرافتمدانه و حقیقی، به وجود آمده است. در همین رابطه رادیو بی.بی.سی طی گزارش اظهار داشت:

«در آخرین روزهای سال کهن در برخی محافل دیپلماتیک شایعاتی در جریان بود مبنی بر اینکه شاید توافق آتش بس صورت پذیرد. شایعه از این قرار بود که بعضی از دولتهای اروپای غربی که می کوشند جنگ ایران و عراق را به پایان آورند، فرمول حزب بعث منهای صدام حسین را در برابر ایران قرار داده و با واکنش مساعد روبرو گشته اند. گفته شده بود که بر اساس چنین فرمولی ایران حاضر شده است که در مذاکرات آتش بس با میانجیگری دبیر کل سازمان ملل شرکت نماید، مشروط بر آنکه یک رهبر غیرنظامی حزب بعث عراق جانشین صدام حسین شود.» (۱).

موضعگیری امام (ره) در حقیقت پاسخی بود به این اندیشه و به تلاشهای سیاسی که در واقع فریبی بیش نبود. از سوی دیگر اتکاء به تلاشهای صلح، غفلت از امر دفاع و عدم هوشیاری نسبت به عکس العمل دشمن را در پی داشت، زیرا موقعیت برتر جمهوری اسلامی برای غرب و کشورهای منطقه غیرقابل تحمل گردیده بود. لذا تنها راه حل موجود افزایش فشار به منظور خنثی سازی موقعیت برتر جمهوری اسلامی و در نتیجه تعدیل مواضع آن محسوب می شد. برخورد امام (ره) با مسئله جنگ و آینده نگری نسبت به اعمال فشار به ایران، علاوه بر بسیج عمومی نیرو و امکانات کشور، شرایط را برای مقابله با فشارها و حفظ موقعیت برتر جمهوری اسلامی فراهم ساخت.

ص: ۶۰

در این روند، برنامه های گسترده ای از سوی جمهوری اسلامی طرحریزی و اجرا شد که در ادامه بحث تحت سه عنوان مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- بسیج نیروها و امکانات کشور

۲- طرحریزی و اجرای عملیات محدود

۳- طرحریزی عملیات سرنوشت ساز.

بسیج نیروها و امکانات

با توجه به سازمان سپاه، وسعت و میزان گستردگی طرحریزی عملیات از سوی فرماندهان آن در طول جنگ عمدتاً بستگی به میزان حضور نیروهای بسیجی و داوطلب داشته است. بدیهی است که افزایش تعداد رزمندگان می توانست طرحریزی عملیات متعدد در زمان واحد را امکانپذیر نماید.

یا آغاز بهار سال ۶۵ و پس از فتح فاو، نظر به اوضاع و شرایطی که وجود داشت، امام (ره) حضور گسترده مردم در جبهه های نبرد را به عنوان تکلیف اعلام کردند. در شرایطی امام این سخنان را ایراد فرمودند که فصل حضور نیرو به صورت گسترده (عمدتاً در زمستان بود) رو به پایان نهاده بود و بسیاری چنین می پنداشتند که با اتمام فصل زمستان و همچنین کسب پیروزی در فاو، حضور آنها در جبهه ضرورتی ندارد. دشمن نیز با کسب تجربه نسبت به نحوه حضور رزمندگان اسلام در جبهه ها، برای بازپس گیری فاو تلاش می کرد. بنابراین، تاکید حضرت امام (ره) که منجر به افزایش نیرو در جبهه های جنگ شد، بسیار تعیین کننده بود و نتایج قابل ملاحظه ای را به دنبال داشت. آقای هاشمی رفسنجانی ضمن استقبال از اظهارات امام، طی تحلیلی اشاره کرد:

«بنده به عنوان کسی که در مسائل جنگ صاحب نظر است فکر می کنم

که این پیام به موقع بود و شرایط جدیدی را به وجود آورده است. سخنان امام آنقدر جدی بود که ما لحظه ای فکر کردیم مجلس را رها کنیم و به جبهه برویم. امام حجت را تمام کرده و معمولاً وقتی امام اینطور سخن می گویند مسائلی هست که ما نمی فهمیم و لابد مسائل مهمتری را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است، باید به جبهه رفت.» (۱).

همچنین نخست وزیر آقای میرحسین موسوی در اولین جلسه هیأت دولت اظهار داشت:

«من فکر می کنم با سخنان حضرت امام یک بسیج عمومی در ادارات و در سطح جامعه برای کمک به جبهه لازم باشد که توان رزمندگان را چندین برابر خواهد کرد. در سال جدید، دولت جنگ را در اولویت می گذارد و باید تمام امکانات در اختیار جنگ قرار گیرد و برای این منظور لازم است کمیته های پشتیبانی جنگ در وزارتخانه ها تقویت شوند.» (۲).

کشور تحت شرایط جدید و به دنبال اظهارات امام، در آستانه بسیج عمومی برای جبهه های جنگ قرار گرفت. در تاریخ ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۵ سمیناری تحت عنوان «لیک یا خمینی» با حضور رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر و فرماندهان سپاه و ارتش و گروهی از مسئولین کشور آغاز به کار کرد. در این سمینار راههای استفاده هر چه بیشتر از کمکهای مردمی و امکانات کشور در پشتیبانی از جبهه های جنگ مورد بررسی قرار گرفت.

پاتکهای دشمن در فاو تا پایان فروردین ماه و حتی دهه اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ ادامه داشت. طی این مدت، دشمن که از بازپس گیری فاو ناتوان و درمانده شده بود، از نیمه دوم فروردین مبادرت به تهاجم به برخی از خطوط کرد. این عملیات دشمن به «استراتژی دفاع متحرک» موسوم گردید.

ص: ۶۲

۱- ۸۳. روزنامه رسالت، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۵، گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از ملاقات آقای هاشمی با مجروحین شیمیایی.

۲- ۸۴. روزنامه رسالت، ۱۷ / ۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

با پیدایش این وضعیت، در شرایطی که تمام توان رزمندگان برای تصرف و تثبیت منطقه عملیاتی فاو متمرکز شده بود و بخشی از نیروها نیز پس از انجام عملیات در حال بازگشت به شهرهای خود بودند، ضرورت تأکید حضرت امام مبنی بر حضور مردم در جبهه های نبرد روشن شد. گرچه تلاشهای دشمن سرانجام با تصرف مجدد شهر مهران به پایان رسید، لیکن این اقدام دشمن و سایر تلاشهایی که صورت می گرفت نشانه ی عدم توجه به خواسته های ایران و افزایش فشار تلقی می شد. این درک و تصور مسئولین جمهوری اسلامی موجب گردید که آنها با استنباطی که از شرایط جاری و آینده داشتند، با بهره گیری از شرایط کشور و بسیج نیروها مبادرت به برنامه ریزی تعیین کننده ای در جهت مشخص ساختن سرنوشت جنگ در سال ۶۵ کنند. در همین زمینه برادر محسن رضایی فرمانده سپاه در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«تنها راهی که امروز برای خاتمه جنگ در پیش روی ما قرار دارد، بسیج کلیه نیروها و امکانات کشور در جبهه است.» (۱).

وی سپس ضمن اشاره به تعداد نیروهای شرکت کننده در عملیات فاو و نتیجه آن اظهار داشت:

«ما در فاو با ۱۵۰ هزار نیرو در مقابل ۷۰۰ هزار نفر از ارتش عراق جنگیدیم و به آن پیروزی درخشان نائل آمدیم. آیا نمی توانیم با ده برابر این نیرو ارتش عراق را کاملاً منهدم کنیم؟» (۲).

وی همچنین در مورد مردمی کردن جنگ اضافه کرد:

«ما تاکنون تنها از دو درصد از نیروهای مردمی و ۱۲ درصد از امکانات اقتصادی در جنگ استفاده کرده ایم و لازم است که بر اساس اطلاعیه قرارگاه خاتم الانبیاء جنگ کاملاً مردمی شود و از کلیه امکانات دولت و مردم برای پیشبرد جنگ استفاده کنیم.» (۳).

ص: ۶۳

۱- ۸۵. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۵.

۲- ۸۶. پیشین.

۳- ۸۷. مأخذ شماره ۵.

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۵ در ستاد مرکزی سپاه در جمع فرماندهان و مسئولین سپاه اظهار داشت:

«در محاسباتی که تاکنون شده، به نظر ما هیچ شرایطی بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد کار جنگ به چشم نمی خورد... منطقی ترین راه برای ما این است که زمان را از دست ندهیم. زمان امروز به نفع ما نیست که معطل بمانیم... وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه ای برسانیم...»

آقای هاشمی روز بعد در خطبه نماز جمعه تهران مجدداً ضرورت تسریع در خاتمه جنگ را یادآور شده و اظهار داشت:

«وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه ای نشان می دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم. زمان بیش از این نباید در اختیار دشمن قرار گیرد. امام در اول سال تاکید کردند که وظیفه همه است امکانات خود را در خدمت جنگ به کار گیرند. این واجب کفائی فقط به افراد تعلق نمی گیرد، حتی به اموال و امکانات دولت، نهادها و شرکتها نیز تعلق می گیرد. تا زمانی که جنگ به چیزی نیاز دارد، مصرف کردن آن در غیر جنگ سزاوار نیست و همه باید همه چیز خود را در اولویت اول در خدمت جنگ قرار دهند.» (۱).

وضعیت جدید علاوه بر تحولی که در جو عمومی کشور از نظر فرهنگی و تبلیغاتی و سیاسی فراهم کرد، تأثیر قابل ملاحظه ای نیز بر تغییر اولویتهای کشور در امر بودجه یعنی تخصیص امکانات به جبهه های جنگ داشت، چنانکه نخست وزیر وقت آقای میرحسین موسوی با تشریح طرح نوین اقتصادی کشور اظهار داشت:

«اولین هدفی که ما دنبال کردیم و اعلام نمودیم، تامین کلیه نیازهای

ص: ۶۴

جنگ تحمیلی بود. اعلام این هدف این معنا را دارد که بودجه تخصیص ارز، تخصیص منابع ملی و واگذاری کارخانه هایمان در خدمت جنگ، تاسیسات، ماشین آلات، و در همه چیز هیچ قیدی برای دادن امکانات در خدمت جنگ نداشته باشیم. بلافاصله اثرات این تصمیم گیری این شد که فرضاً وقتی ما آمدیم ۶۲ میلیارد تومان صرفه جویی در کشور اعلام کردیم در رابطه با بودجه جنگی، نه تنها آن بودجه را کم نکردیم، بلکه این زمینه را در ذهنیت برادران هیأت دولت می بینیم که بتوانیم از سایر بخشها به این زمینه کمک کنیم.» (۱).

آقای هاشمی نیز در مورد تأمین نیروی انسانی اظهار داشت:

«همچنین در بخش نیروی انسانی علاوه بر بسیج نیروهای داوطلب مردمی، جذب نیروهای نظام وظیفه نیز به دو برابر افزایش یافت و شورای عالی دفاع طرحی را تصویب کرد که به موجب آن نیروهایی که در حال خدمت بودند، در صورت پایان خدمت، طبق این قانون ۲ ماه بر خدمتشان افزوده گردد.» (۲).

در تیرماه سال ۶۵ در ادامه تلاشهایی که به منظور بسیج نیرو و امکانات صورت می گرفت، دو سمینار یکی در یزد تحت عنوان (لیک یا امام) و دیگری در تهران تحت عنوان (سمینار سراسری فرماندهان بسیجی طرح مالک اشتر) برگزار شد.

تأمین کادر برای سازماندهی نیروهایی که در آن سال جذب می شدند عمده ترین هدف برگزاری سمینار طرح مالک اشتر بود. در این سمینار عمدتاً فرماندهان گردان، گروهان و دسته شرکت داشتند. در سمینار مزبور، آقای هاشمی با تأکید بر اینکه وضع جبهه ها و شرایط منطقه و شرایط کل دنیا یک آمادگی خیلی جدی را طلب می کند، اظهار داشت:

«تمام امکانات از جهت آموزش نیروهای بسیج تهیه شده است و ما

ص: ۶۵

۱- ۸۹. روزنامه رسالت، ۵ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۰. روزنامه کیهان، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۵، آقای هاشمی رفسنجانی در جمع فرماندهان سپاه.

تدارک ۵۰۰ گردان را دیده ایم و اگر لازم باشد تا آخر سال ۱۰۰۰ گردان برای میدان جنگ تشکیل خواهیم داد.» (۱).

از این پس تدریجا سازماندهی ۵۰۰ گردان نیرو مطرح و بر اساس آن امکانات و کادر مورد نیاز در نظر گرفته شده بود و چنین پیش بینی می شد که در صورت تأمین ۵۰۰ گردان نیرو، ما می توانیم همزمان ۲ عملیات بزرگ را در دو منطقه طرحریزی و اجرا کنیم و این به منزله تجزیه دشمن از نظر فرماندهی و نیرو خواهد بود و در صورتی که در یک منطقه با دشمن درگیر شویم، افزایش میزان نیروی انسانی موجب می گردد که در تداوم نبرد، سرانجام دشمن با درگیر کردن کلیه نیروهایش برای بازپس گیری منطقه متصرفه، منهدم شود.

مسئولین کشور همچنان ضمن تأکید بر شرایط سیاسی - نظامی جبهه های نبرد و با الهام از سخنان امام (ره)، بر اختصاص دادن امکانات به جبهه ها تأکید می کردند. در این میان، آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه اظهار داشت:

«به مسئولان دولت در سراسر کشور عرض می کنم بر اساس نظریه ای که امام ابراز فرمودند، آنهایی که در حال حاضر نیاز ندارید و لو اینکه همه چیز مورد نیاز است، اگر ستاد پشتیبانی جنگ تشخیص می دهد که برای پشتیبانی جنگ اینها را به جبهه بدهید، به دستور دولت که قبلاً صادر شد، اینها را به جبهه بدهید.» (۲).

طی این روند، در تبلیغات سیاسی کشور، شعار تعیین سرنوشت جنگ به منزله تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ تلقی می شد. آقای هاشمی نظر به تبعات نامطلوبی که این اشعار داشت اظهار نمود:

«علیرغم تعبیرهای مختلف، این بدان معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد، بلکه با برنامه هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که

ص: ۶۶

۱- ۹۱. روزنامه رسالت، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۲. روزنامه رسالت، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

پیروزی ایران مشخص شود، یکی از نمودهای این پیروزی قطع حمایت حامیان صدام از این رژیم می باشد.» (۱).

طرح ریزی و اجرای عملیات محدود

برای مطالعه ی مشروح این بحث به کتاب جنگ در سال ۶۵ مراجعه شود.

در سال ۶۵ تحرکات نظامی سپاه تحت عنوان «عملیات محدود» اساسا پاسخ به تلاشهای دشمن مرسوم به «استراتژی دفاع متحرک» بود. گرچه ارتش عراق پس از اشغال مجدد مهران در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ عملا توان نظامی اش را از دست داد و در این دور از تهاجم به همان پیروزیهای اندکی که به دست آورده بود بسنده کرد، ولی همچنان تهدیدات خود را تکرار می کرد، چنانکه صدام در تاریخ ۴ / ۴ / ۱۳۶۵ در جمع افسران ارتش عراق اظهار داشت:

«ارتش عراق پس از بازسازی مجدد، حملات خود را علیه جمهوری اسلامی آغاز خواهد کرد.» (۲).

امام (ره) نظر به ابعاد تهاجم دشمن در زمین، هوا و دریا و احتمالاتی که با توجه به تهدیدات دشمن وجود داشت، در تاریخ ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۵ و در روز میلاد امام رضا (ع) سخنانی را مبنی بر ضرورت افزایش تحرک نظامی در جبهه های نبرد ابراز فرمودند:

«شما در جبهه ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود و تجهیز بیشتری می کند و شما را به زحمت می اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید الان در اضطراب هستند نگذارید که از اضطراب بیرون بیایند.» (۳).

سپاه پاسداران ضمن آنکه پس از فتح فاو و تثبیت آن عمیقا مشغول

ص: ۶۷

۱- ۹۳. روزنامه کیهان، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۴. روزنامه رسالت، ۵ / ۴ / ۱۳۶۵.

۳- ۹۵. مأخذ شماره ۱۲.

طرح ریزی عملیات گسترده بود، لیکن در این چارچوب اقدامات وسیعی به شرح زیر انجام داد:

۱- انجام عملیات کربلای ۱ در شهر مهران در تاریخ ۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- انجام عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج عمران در تاریخ ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

۳- انجام عملیات کربلای ۳ بر روی اسکله الامیه در تاریخ ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

۴- انجام عملیات انصار در جزیره جنوبی خیبر (مجنون) در تاریخ ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۵.

۵- انجام سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق، فتح ۱ در تاریخ ۱۹ / ۷ / ۱۳۶۵.

در عین حال که هر یک از عملیات فوق با نتایج و تبعات خاص خود موجبات نگرانی عراق را فراهم کرد، فتح مجدد مهران در تاریخ تمامی دستاوردهای عراق را در استراتژی موسوم به دفاع متحرک بر باد داد. صدام، اشغال مجدد مهران را در برابر فتح فاو قرار داده بود. بنابراین، روشن است که از دست دادن آن چه عواقب روحی - روانی را برای ارتش عراق در پی داشت. روزنامه تایمز لندن در همین زمینه نوشت:

«باز پس گیری مهران برای عراق نگران کننده است، زیرا مهران شهری بود که بغداد را در برابر حملات ایرانیان محافظت می کرد.» (۱).

در واقع، در این تحلیل از دست دادن مهران و اشراف قوای نظامی ایران بر ارتفاعات منطقه مورد توجه قرار گرفته و مسئله، مسئله فراتر از شکست عراق در تلاشهای جدیدش، تحت عنوان (تهدید بغداد) مورد اشاره قرار گرفته بود، چنانکه تایمز لندن در ادامه نوشت:

«اینک بغداد در مدار تهاجمات قرار گرفته است و ایرانیان می توانند با حمله از این محور، بغداد را با خط یک حمله مستقیم روبرو کنند.» (۲).

علاوه بر اهمیت عملیات کربلای ۱، عملیات کربلای ۳ بر روی

ص: ۶۸

۱- ۹۶. روزنامه اطلاعات، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۹۷. پیشین.

اسکله ال‌امیه نیز به لحاظ ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی آن که همزمان با برگزاری کنفرانس غیر متعهدها در حراره انجام شد، از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بود. فرماندهان سپاه علاوه بر استفاده از ابتکاراتی در طرح‌ریزی و اجرای این عملیات، همزمان با آغاز اجرای طرح سهمیه بندی فروش نفت از سوی سازمان اوپک، حضور خود را نیز در میان آبهای خلیج فارس به نمایش گذاشتند. تجارب حاصله از این عملیات بعدها در حضور گسترده تر رزمندگان اسلام در خلیج فارس و رویارویی با تهدیدات و اقدامات عراق و آمریکا در این منطقه بسیار مؤثر واقع شد.

اجرای سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق، بویژه عملیات در کرکوک نیز از اهمیت و بازتاب خاصی برخوردار بود. در واقع، کوهستانها و تاسیسات نفتی کرکوک میدان آزمایش جدیدی برای استفاده معارضین کرد عراقی در عمق خاک عراق محسوب می شد. این عملیات، مجموعاً با ضربات و خسارات بسیاری که بر تاسیسات نفتی و نظامی منطقه کرکوک وارد ساخت، به پایان رسید، لیکن امکانات و تجارب حاصله در سلسله عملیات فتح و گسترش سازمان قرارگاه رمضان توسط سپاه، نقش تعیین کننده ای را در اتخاذ استراتژی جدید در سال ۶۶ و عملیاتی که در محور سلیمانیه تحت عنوان بیت المقدس و نیز والفجر ۱۰ در حلبچه صورت گرفت، داشت.

طرح ریزی عملیات سرنوشت ساز

تحرك مداوم دشمن در منطقه فاو، علاوه بر ایجاد زمینه برای انجام عملیات، موجب شد تا عراقیها در تاریخ ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۵ از دو محور جاده ام القصر و کارخانه نمک به نیروهای ایران حمله کرده و به طور فزاینده ای بر آسیب پذیری خط افزوده شود. نیروهای سپاه سرانجام در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۵

طرحی را به اجرا در آوردند تا با ترمیم خط خودی، علاوه بر رفع نواقص خط پدافندی و تثبیت پیروزی در فاو، نیروهای درگیر و خط فاو را نیز آزاد نمایند. بلافاصله پس از تثبیت خط فاو و پس از ۷۵ روز درگیری، فرماندهان سپاه از نیمه اردیبهشت برای تداوم عملیات شروع به طرحریزی عملیات سرنوشت ساز نمودند.

این اقدامات در شرایطی صورت گرفت که تلاش جدید دشمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک با بازپس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۹ (چوارتا) در ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴ آغاز شده و در ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ با اشغال مجدد مهران به اوج رسید.

تحت چنین شرایطی سپاه لزوماً می بایست ضمن پاسخگویی به تلاشهای دشمن، مجدداً برای انجام عملیات گسترده آماده می شد.

- انتخاب منطقه عملیات

همزمان با عملیات فاو، با توجه به پیوستگی زمین آن به مناطق مهمی چون ام القصر و بصره، به نظر می رسید که توقف در این زمین و عدم توسعه وضعیت، به زیان نیروهای خودی می باشد. به عبارت دیگر، منطقه عملیات فاو به لحاظ وسعتی که داشت از این قابلیت برخوردار بود که سلسله عملیات بعدی در همین زمینه انجام شود، در غیر اینصورت عملیات فاو تنها به عنوان یک حرکت نظامی عقیم تلقی می شد که برای حفظ منطقه، لزوماً می بایست نیروهای زیادی را در خط پدافندی مستقر کرد.

بر این اساس، همزمان با عملیات فاو، فرماندهی کل سپاه نسبت به تداوم عملیات در این منطقه نظریاتی داشت و یک قرارگاه را مأمور به انجام عملیات در منطقه ام الرصاص کرد، ضمن آنکه همزمان با این عملیات، از سوی آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) مقرر

گردید تا ارتش در منطقه شلمچه نیز عملیاتی انجام دهد. لذا به نظر می‌رسید توسعه وضعیت در این منطقه، در عین حال که ضروری است، امکان‌پذیر نیز می‌باشد.

فشار سنگین عملیات فاو و ناکامی عملیات در مناطق شلمچه و ام‌الرصاص، امکان تحقق نظرات فرمانده سپاه را موقتا به تعویق انداخت ضمن آنکه عملیات پاسخگویی به استراتژی دفاع متحرک عراق، تحت عنوان «عملیات محدود» سرعت عمل سپاه برای انجام عملیات گسترده را مخدوش کرد. بدیهی است که پشتیبانی از عملیات نیز لزوماً به امکانات گسترده‌ای نیاز داشت که تامین آن بدون بسیج عمومی در کشور مقدور نبود.

از لحاظ نظامی، منطقه عملیاتی کربلای ۴ آخرین تلاش جنگی در جنوب تلقی می‌شد، زیرا انتخاب این منطقه برای انجام عملیات با توجه به ارزش استراتژیک آن و انطباق با اهداف نظامی جنگ و همچنین تطابق آن با توان نظامی جمهوری اسلامی صورت گرفته و ظرافت و دقت نیز در آن ملحوظ گردیده بود. تجارب سه ساله‌ی عملیات آبی - خاکی سپاه از عملیات خیبر به بعد نیز به گونه‌ای بود که در صورت تغییر منطقه عملیات، عملاً منجر به تغییر سازمان رزم سپاه می‌شد، چنانکه فرمانده کل سپاه در همین زمینه اظهار داشت:

«در صورت نجات ما در اینجا (جنوب) باید زمینهای دیگری انتخاب کنیم و سازمان آبی و خاکی مان را تغییر دهیم.» (۱).

بر این اساس، طی مباحث و تالشهایی که صورت گرفت و با در نظر گرفتن ابعاد سیاسی - نظامی، سرانجام منطقه عمومی عملیات در حد فاصل منطقه پنج ضلعی شکل در شمال شلمچه تا ۴ کیلومتری انتهای جنوبی جزیره مینو با دو محور شلمچه و ابوالخصیب و با هدف بصره انتخاب شد.

پیش از این تلاش قوای نظامی ایران در منطقه جنوب با هدف تصرف بصره، چندین بار از سمت شلمچه، طلائیه، کوشک، هور و حتی فاو صورت

ص: ۷۱

گرفته، لیکن نتیجه لازم حاصل نشده بود. همین مسئله موجب گردیده بود تا ضمن انصراف از تصرف بصره، نسبت به مواضع و استحکامات دفاعی شرق بصره نیز دیدگاه خاصی مبنی بر عدم شکسته شدن خط به وجود آید.

با توجه به سوابق پیشین این منطقه عملیاتی، تاکتیک ویژه ای برای عملیات انتخاب شد. در واقع، تاکتیک ویژه، رمز موفقیت عملیات و عنصر اصلی در غافلگیر کردن دشمن از جهت درک سمت اصلی حمله تلقی می شد. دشمن در صورت مواجهه با حمله رزمندگان اسلام عملاً برای دفاع مستأصل می شد، بدین معنا که در تشخیص و درک هدف اصلی دچار مشکل، ابهام و تردید می گردید. سمت حمله از سویی به سمت ابوالخصیب و بصره بود و از سوی دیگر می توانست با هدف مسدود کردن عقبه لشکر هفتم عراق باشد. در این طرح، نخلستانهای اطراف اروند رود به عنوان قلب منطقه تلقی می شد.

لذا تأکید بر این بود که علاوه بر سرعت عمل، حتی الامکان نیروها در داخل نخلستان حاشیه جنوبی اروند نفوذ نموده و گسترش یابند.

عوارض زمین منطقه در جهت تحقق تاکتیک ویژه و پیروزی عملیات امیدوارکننده بود، چنانکه وجود نهرها و کانال های کشاورزی و نخلستانها و از طرفی عدم وجود استحکامات دشمن در منطقه پتروشیمی تا بصره، زمین را قابل تصرف و پدافند آن را آسان کرده بود. جناحین منطقه عملیاتی، از شمال به آبگرفتگی شلمچه و کانال ماهیگیری، از جنوب به خور زبیر و زمینهای باتلاقی اطراف آن محدوده شده بود و همین مطلب موجب می شد تا قدرت تحرک دشمن نیز ضعیف گردد. در این میان، امیدواری زیادی وجود داشت که با اتکا به تاکتیک ویژه و عدم تحرک دشمن، به لحاظ وضعیت زمین منطقه و وجود نهرها - در موج اول عبور از اروند، انتقال تجهیزات و وسایل پشتیبانی امکانپذیر و عدم سرعت عمل نیروها جبران شود. فرمانده کل سپاه در این زمینه چنین استدلالی می کرد:

«اگر هدف بصره باشد، با گرفتن زمینی در جنوب و جنوب غربی خرمشهر، دشمن از سه جا مورد تهدید قرار می گیرد و مضطرب و نگران می شود و نمی تواند احتمال بدهد که تلاش اصلی از کدام سمت و برای چه هدفی است. پس (این حرکت) باعث تجزیه قوای دشمن می شود و ترجیح می دهد که از جناحین، تخلیه و یا در جلوی بصره راه ما را سد کند، در حالی که ما محور پیشروی را در قلب منطقه عملیاتی گذاشتیم.» (۱).

با توجه به سمت اصلی حمله قوای نظامی ایران، ویژگی دیگر منطقه عملیاتی این بود که فلش تهاجم روی خط حد دو سپاه سوم و هفتم عراق قرار داشت که بین آنها رودخانه اروند واقع شده بود. در این میان، پیش بینی می شد که عبور از این معبر، یعنی برخورداری از امکان تهدید و حمله به جناحین دو سپاه عراق که در آنجا نیز خطوط پدافندی و استحکامات نداشتند، طبعاً موجب می شد یگانهای احتیاط دشمن نیز نتواند به یکدیگر کمک کنند، چون هر دو سپاه به طور یکسان در معرض تهدید قرار می گرفتند.

بر این اساس چنین تدبیر شده بود که نیروهای خط شکن موج اول باید از داخل تنگه (بین جزایر ام الرصاص و بوارین) عبور کنند و در طول اروند رود و در داخل آب به سمت کارخانه پتروشیمی بروند، سپس در سمت چپ و راست اروند وارد عمل شده و با شکستن خط پیشروی نمایند. این حرکت همان اصلی بود که از آن به عنوان «تاکتیک ویژه» یاد می شد.

چنین پیش بینی شده بود که خط در مراحل اول توسط غواصها شکسته شود، سپس در موج دوم با روشن شدن هوا، قایقها نیروها را انتقال دهند.

نظر به اینکه حرکت موج اول با اتکا به نیروی غواص بود که در آب حرکت می کرد و فاقد سرعت لازم بود و انسجام کافی نداشت، به همین جهت در برابر حوادث غیر مترقبه و یا هوشیاری دشمن به سهولت سازماندهی و آرایش خود را از دست می داد. لذا این ویژگی و همچنین احتمالات و

ص: ۷۳

فرضیات دیگر منجر به پیدایش ابهامات فراوانی شد، لیکن اساساً چیزی که می توانست کاستیها را جبران کند، غافلگیری دشمن از نظر «تاکتیک»، «زمان» و «مکان» بود. در صورت تحقق این اصل در شروع عملیات، کلیه ابهامات رفع و معضل اساسی حل می شد.

در عین حال، مشکلات دیگری نیز وجود داشت که حتی در مواقعی، به رغم ویژگیهای زمین منطقه و امیدواریهای مربوط به تاکتیک ویژه، تردید و ابهام به وجود می آورد. از جمله این مشکلات، «محدودیت در عقبه» بود. بویژه در روز اول عقبه کلیه یگانها متکی به رودخانه کارون بود و این علاوه بر مشکلات تردد، بر آسیب پذیری نیروها در برابر حملات هوایی دشمن می افزود. وابستگی محورها به یکدیگر نیز بخش دیگری از مشکلات بود. محور شلمچه کاملاً پیوسته به محور ابوالخصیب بود و در صورتی که هر دو محور با هماهنگی پیشروی نمی کردند، عملاً حضور دشمن در هر یک از این دو منطقه، می توانست پیشروی در محور دیگر را مختل و مخدوش نماید.

- مانور

از مهرماه ۶۵ در عین حال که نسبت به منطقه عملیات، با اتکا به اجرای تاکتیک ویژه، توافق کلی وجود داشت، به هنگام بحث پیرامون مانور عملیات مجدداً ابهاماتی به وجود آمد. سرانجام بعد از جلساتی که برگزار شد، با توجه به پیوستگی چهار زمین منطقه یعنی شلمچه، ابوالخصیب، منطقه مقابل ام الرصاص و جزیره مینو، اهداف واقع در آنها مورد بازبینی و تاکید قرار گرفت:

۱- تصرف پنج ضلعی شلمچه به خاطر موقعیت لشکر ۱۹ فجر در اثر شناسایی.

۲- تصرف جزیره بوارین برای نگهداری تنگه و درگیر کردن سپاه سوم

ص: ۷۴

دشمن و کاهش فشار آن بر روی جزیره بوارین.

۳- پیشروی در عمق جنوب اروند تا دژ اول (بین جاده ی اول و دوم) به منظور تهدید عقبه سپاه هفتم.

۴- پیشروی در جناح چپ حداقل تا جزیره سهیل به منظور تعمیق عرض جبهه درگیری و پوشش لازم برای تأمین عبور نیروها.

بر همین اساس، اجرای عملیات با ۴ قرارگاه طرحریزی شد:

۱- قرارگاه نجف: تأمین منطقه پنج ضلعی شلمچه، جزایر بوارین و ام الطویل.

۲- قرارگاه قدس: عبور از تنگه (حرکت اصلی) و پیشروی به سمت پتروشیمی و ابوالخصیب.

۳- قرارگاه کربلا: به منظور مقابله با پاتک دشمن از مقابل جزیره ام الرصاص و همچنین تأمین کل منطقه عملیاتی. ضمناً قرارگاه کربلای پیشروی تا جاده دوم و سوم آنسوی اروند رود را بر عهده داشت.

۴- قرارگاه نوح: تأمین جناح چپ و پیشروی در مقابل جزیره مینو.

نظر به حساسیت و ویژگی ماموریت هر یک از قرارگاه ها، یگانهای سپاه تحت امر قرارگاه مربوطه قرار گرفتند و پس از تعیین خط حد، کار شناسایی و آماده سازی نیروها را شروع کردند.

بدین ترتیب، طرحریزی عملیات سرنوشت ساز با اتکا به تاکتیک ویژه و امید به غافلگیری دشمن انجام گرفت. طی بسیج عمومی که از آغاز سال ۶۵ شروع شده بود، امکانات کشور به سمت جبهه های نبرد معطوف شد. جو عمومی و تبلیغاتی کشور نیز که به «عملیات سرنوشت ساز» و بسیج کلی نیروها و امکانات متوجه گردیده بود، القاگر تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ بود.

تلاشهای سیاسی ایران که از سال ۶۳ تدریجا با پیدایش نوعی نگرش جدید از سیاست خارجی آغاز و در نیمه دوم سال ۶۳ به وضعیت مشخص نزدیک شده بود، در سال ۶۵ متعاقب سفر مک فارلین به ایران وارد مرحله ی جدیدی گردید.

افشای ماجرای مک فارلین در ۱۳ آبان ۱۳۶۵، تأثیرات تعیین کننده ای بر روند سیاسی - نظامی جنگ، روابط خارجی عراق با آمریکا و نیز موقعیت آمریکا در سطح منطقه باقی گذاشت که بعدها نیز همچنان ادامه یافت، ضمن آنکه روسها نیز پس از افشای اقدامات آمریکا برای ایجاد روابط با ایران، عکس العمل نشان داده و در صدد برآمدند تا از شرایط پیش آمده نهایت بهره برداری را بکنند.

نظر به اهمیت ماجرای مک فارلین و تأثیرات تعیین کننده آن و برای روشن شدن مباحثی که پس از افشای این ماجرا در نیمه دوم سال ۶۵ و در سالهای ۶۶ و ۶۷ مطرح شد، اجمالا به تلاشهای پنهانی آمریکا برای برقراری روابط با ایران که در کشور ما به عنوان «ماجرای مک فارلین» و در

آمریکا به عنوان «ایران گیت» موسوم گشت، اشاره خواهد شد. همچنین بازتاب و انعکاس افشاء روابط و نتایج و پیامدهای آن در نشریات، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تلاش برای برقراری روابط پنهانی

به دنبال پیروزیهای ایران در بیرون راندن دشمن از خاک خود و عدم دستیابی عراق و حامیانش به اهداف موردنظر، تلاشهای سیاسی جدیدی از سوی آمریکا برای پایان دادن به جنگ طرحریزی شد که در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بهره برداری قرار گرفت. به عبارت دیگر، پیدایش وضعیت جدید منجر به توجه جدی ایران به تلاشهای سیاسی در کنار اقدامات نظامی گردید.

آمریکاییها متعاقب بروز بحران ناشی از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و مواجهه با پدیده گروگانگیری غریبهها، به رغم کلیه تمهیداتی که برای مهار بحران و آزادی گروگانها انجام دادند، به نتیجه روشنی نرسیدند. در این شرایط، در ۲۴ خرداد سال ۶۴، هواپیمای تی.دبلیو. ای آمریکا نیز ربوده شد و این ماجرا تا ۸ تیر همان سال ادامه یافت. برخورداری ایران از امکان بالقوه در حل معضل هواپیما ربایی، سرآغاز شکل گیری تمایل جدید آمریکا به برقراری روابط پنهان بود.

توانائی ایران در حل این بحران، آمریکاییها را نسبت به امکان گشایشی در جهت آزادی گروگانهای غربی در لبنان، امیدوارتر کرد و ضرورت تمایل هر چه بیشتر آمریکا را به ایران روشن ساخت. در این خصوص، در مجله المستقبل چاپ فرانسه چنین آمده بود:

«شعار دولت ریگان از سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) تا آوریل ۱۹۸۵ (فروردین ۱۳۶۴) این بود که زمینه ای برای تفاهم با رژیم ایران و

همکاری و هماهنگی با جمهوری اسلامی وجود ندارد. در آن فاصله، مقامات آمریکایی بارها به دوستان و هم پیمانان خویش ابلاغ نمودند که سه مانع اساسی از حصول تفاهم بین واشنگتن و تهران جلوگیری می نماید و آن سه عامل عبارتند از: تمایل رهبران ایران به صدور انقلاب، مخالفت رهبران ایران در پاسخگویی به فراخوانی برای پایان دادن به جنگ با عراق و حمایت مقامات ایرانی از فعالیتهای نیروها و سازمانهایی که قصد بر هم زدن آرامش برخی از کشورهای خاورمیانه را دارند. مقامات آمریکا همچنین می گفتند: در تهران جناحی که بخواهد با واشنگتن وارد گفتگو شود و به این کشور گرایش داشته باشد سراغ ندارند.» (۱).

همچنین نشریه فارین ریپورت در مورد توجه مجدد آمریکا به ایران از سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) نوشت:

«سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) سال توجه آمریکا به ایران بود. در این سال دکتر هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا یک گزارش سری در مورد ایران به ریگان تسلیم نمود و ضرورت گشودن کانالهای ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با ایران را به وی یادآور شد و ضمناً این حقیقت را به او گوشزد کرد که تا زمانی که یک جناح میانه رو قدرتمند مایل به گفتگو با آمریکا در بین رهبران آن کشور وجود نداشته باشد، هیچ گونه پیوند و یا مصالحه ای بین دو کشور صورت نخواهد گرفت.» (۲).

در چارچوب ضرورتی یاد شده، آمریکا به دنبال یافتن کانالهای ارتباطی مطمئن بود تا بدین ترتیب علاوه بر حل مسئله گروگانها، آینده روابط خود با ایران را نیز به نقطه روشنی برساند. بهای اولیه ای که آمریکاییها مجبور به پرداخت آن شدند، ارسال اسلحه به ایران بود. در این زمینه، نشریه نیوزویک گزارشی را بدون ذکر منبع به چاپ رسانده بود که به بخشی

ص: ۷۸

۱- ۱۰۰. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۹۸ و ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۰۱. پیشین، نشریه ریپورت لندن.

از آن اشاره می شود:

«ایده قاچاق اسلحه در مقابل آزادی گروگانها، اولین بار در نیمه اول سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) پیدا شد. نیوزویک کسب اطلاع کرده است که این ایده زمانی ایجاد شد که مشاوران کاخ سفید نسبت به کمک سوریه در زمینه آزادی گروگانهای غربی ناامید شدند. در عمل ثابت شد که سوریه به رغم کنترل بر قسمتی از خاک لبنان که سازمان جهاد اسلامی و گروههای بنیادگرای دیگر در آنجا بسر می برند، قادر نیست در این زمینه کمک کند... در جریان آزادی گروگانهای هواپیمایی تی. دبلیو. ای. در ماه ژوئن ۱۹۸۵ (تیر ۱۳۶۴) که سوریه به خاطر ترتیب دادن سفر گروگانها از دمشق به وطنشان اعتبار می یافت، در حقیقت این ایران بود که ریسمانها را پاره کرد.» (۱).

سپس در ادامه گزارش نیوزویک آمده است که در پی ناامیدی آمریکا از سوریه و تلاش برای یافتن کمک از سوی ایران، آمریکاییها به این نتیجه رسیدند که با تأمین برخی از لوازم یدکی تجهیزات مورد نیاز ایران، موجبات جلب نظر مسئولین ایران را فراهم کنند.

«آنها به لوازم یدکی برای هواپیماهای جنگی که توسط شاه از آمریکا خریداری شده بود، اشاره داشتند. این تجهیزات اکنون توسط واشنگتن و بر اساس فرمان تحریم اسلحه به ایران بلوکه شده بود.» (۲).

به این صورت اولین محموله سلاح به ایران مهیا و ارسال شد و این آغاز معامله ای بود که از سوی آمریکا صورت گرفت. ارسال اسلحه به ایران، با توجه به اعلام سیاست رسمی آمریکا مبنی بر تحریم فروش سلاح به جمهوری اسلامی، اقدامی بود که پس از افشای آن بازتابی بسیار منفی به دنبال داشت. به طوری که بوش معاون رئیس جمهور آمریکا مجبور شد سیاست این کشور مبنی بر ضرورت ارسال اسلحه به ایران را توجیه کرده و

ص: ۷۹

۱- ۱۰۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۵، نشریه نیوزویک.

۲- ۱۰۳. پیشین.

بر موقعیت ژئوپلتیک ایران تأکید کند. به همین خاطر وی طی سخنانی گفت:

«ایران بین اتحاد شوروی و کشورهای نفت خیز خلیج فارس، بین شوروی و یک ساحل از آبهای گرم قرار گرفته است. ایران چه از هم گسیخته باشد و چه پیش از حد نیرومند، می تواند ثبات تمامی خاورمیانه و بویژه آن کشورهای میانه رو عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی عمیق برای امنیت آمریکا دارد، تهدید کند.» (۱).

بدین ترتیب، نیازمندی آمریکا به ایجاد ارتباط با ایران، با ارسال محدود سلاح به ایران از خرداد سال ۶۴ تا اسفند همان سال، شکل گرفت. پس از آن آمریکا کوشید ارتباط مستقیم با ایران برقرار کند و واسطه ها را حذف نماید. تلاش آمریکا برای حذف هر گونه واسطه و برداشتن گام بزرگتر موجب گردید تا سفر رابرت مک فارلین مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا به ایران طرحریزی شود. سرانجام در ۴ خرداد سال ۶۵، هواپیمای حامل مک فارلین و همراهانش در تهران به زمین نشست.

طی سه روز اقامت مک فارلین و همراهانش در ایران مذاکراتی صورت گرفت، لیکن نتیجه روشنی در پی نداشت. لذا مک فارلین با درک عدم موفقیت، تأسف خود را اظهار داشت و با بیان آن به طرف ایرانی مذاکره کننده مبنی بر اینکه فرصت گرانبهایی از دست رفت، ناموفق به آمریکا مراجعت نمود.

در تاریخ ۱۱ / ۸ / ۱۳۶۵ خبر سفر مک فارلین به ایران از سوی نشریه لبنانی الشراع و سپس با اعلام رسمی از سوی مقامات ایران، منتشر شد. اظهارات ریاست مجلس شورای اسلامی ایران در مورد سفر مک فارلین به تهران و نتایج این سفر، بازتاب بسیار گسترده ای در محافل داخلی و خارجی داشت و بحران عمیقی را در آمریکا و منطقه ایجاد نمود.

با توجه به ماهیت این روابط، آمریکاییها عمیقاً نسبت به عدم انتشار خبر

ص: ۸۰

مذاکرات، قبل از حصول نتیجه قطعی، تأکید می کردند. سرانجام، مقامات وقت آمریکا در برابر اتهامات وارده به آنها از طرف جناحهای مقابل مبنی بر «تضعیف متحدان آمریکا در منطقه»، «نادیده گرفته منافع اعراب و چرخش به سمت ایران»، «نقض سیاست آمریکا مبنی بر تحریم فروش سلاح به ایران» و «پرداخت باج سیل به ایران برای آزادی گروگانها»، مجبور به واکنش شدند و رئیس جمهور وقت آمریکا (رونالد ریگان)، طی نطق تلویزیونی ضمن تأیید اقدامات پنهانی، به تشریح و توجیه علل این روابط و اتهامات وارده به آمریکا پرداخت. وی در این سخنرانی مایوسانه خود در حالی که سعی می کرد دلائلی را به نفع آمریکا برشمارد، اظهار داشت:

«اکنون هجده ماه است که طی یک ابتکار سیاسی محرمانه، ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده ایم. برای استفاده از این ابتکار ساده ترین و بهترین دلائل را در اختیار داریم:

۱- تجدید روابط با ایران.

۲- اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله بین ایران و عراق.

۳- محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری.

۴- تأثیر بخشیدن به روند بازگشت تمامی گروگانها.

... بدون همکاری ایران ما قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران امکان برقراری صلح با دوام و خاورمیانه وجود ندارد.» (۱).

سپس ریگان با اشاره به اتهامات وارده به دولت آمریکا مبنی بر پرداخت «باج سیل به ایران» و نیز «از بین بردن اعتبار متحدان آمریکا» با ارسال مخفیانه سلاح به ایران، ضمن تکذیب برخی خبرها مبنی بر نحوه ارسال اسلحه به ایران با کشتی دانمارکی، از بنادر اسپانیا و ایتالیا، گفت:

ص: ۸۱

«در مذاکرات محرمانه ای که داشتیم، من اجازه انتقال تعداد کمی از تسلیحات و قطعات یدکی برای سیستم دفاعی ایران را دادم. هدف من متقاعد کردن تهران به این امر بود که مقامات مذاکره کننده آمریکایی با اجازه من عمل می کنند و هدف این بود تا به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آماده است تا خصومت بین ما، جای خود را به یک روابط و مناسبات جدید بدهد.» (۱).

ریگان همچنین در مورد اهداف آمریکا در خاورمیانه و ضرورت برقراری رابطه با ایران و موانعی که وجود داشت، گفت:

«اهداف درازمدت آمریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه ای را برای جنگ خونین ایران و عراق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد. یک مانع بر سر راه این اهداف، عدم مذاکره و قطع رابطه بین ما بود. به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآمدیم.» (۲).

عکس العمل شوروی

شوروی ها که در انتظار بهره برداری سیاسی - نظامی که از کاستیها و نقائص سیاست آمریکا در منطقه بودند (۳) بلافاصله پس از افشای ارسال

ص: ۸۲

۱- ۱۰۶. پیشین.

۲- ۱۰۷. روزنامه ابرار، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

۳- ۱۰۸. مجله المستقبل چاپ فرانسه در این مورد نوشت: برخی از مسئولین کشورهای عربی معتقدند که میخائیل گورباچف رهبر پرتحرک شوروی که در بهره گیری از خطاها و نقاط ضعف سیاست آمریکا مهارت دارد، سعی خواهد کرد که از نتایج (ضربه بزرگی) که سیاست آمریکا در خاورمیانه در دوره ی زمامداران ریگان متحمل گردیده است، منتهای بهره برداری را بنماید و در نظر این مسئولین سال ۱۹۸۷ سال تحرک فزاینده اتحاد شوروی در خاورمیانه خواهد بود. (اداره کل مطبوعات خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، نشریه ۱۲۰۸، ۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

تسلیحات از سوی آمریکا به ایران، بر کمکهای نظامی خود به عراق افزودند و روند جدیدی را در سیاست منطقه ای بخود بویژه برخورد با دو کشور ایران و عراق و جنگ آغاز کردند. بهبود موقعیت شوروی در منطقه، یکی از ثمرات آسیب دیدگی آمریکا در برابر افشای ماجرای مک فارلین بود. با متزلزل شدن موقعیت امریکا در منطقه، موقعیت شوروی رو به بهبود گذاشت و این وضعیت تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی ادامه یافت. روابط عراق و شوروی طی این دوره به سطح مطلوب و مناسبی ارتقاء یافت که به هیچ وجه قابل مقایسه با زمان پیش از آن نبود.

روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی در اولین عکس العمل خود آمریکا را در برخورد با جنگ ایران و عراق به نفاق متهم کرد و نوشت:

«مأموریت سری رابرت مک فارلین مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا در ایران بار دیگر دورویی واشنگتن را نسبت به آنچه در ارتباط با جنگ ایران و عراق است، تائید می کند. (۱)»

واشنگتن علنا اظهار می دارد که خواستار پایان جنگ ایران و عراق است، لیکن در واقع ضمن تضمین دادن به یک طرف در مورد خواست

ص: ۸۳

۱- ۱۰۹. آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران طی سخنانی ضمن حمله به موضع روسها در برخورد با جنگ و تشبیه آن با مواضع آمریکا گفت: «روسها از این قضیه (فروش اسلحه آمریکایی به ایران) سوء استفاده کردند و گفتند آمریکا با فروش اسلحه به ایران نمی خواهد جنگ تمام شود و این در شرایطی است که ما معتقدیم آمریکا و شوروی هر دو نمی خواهند جنگ تمام شود. آنها صلح تحمیلی و یا حالت نه جنگ و نه صلح را می خواهند. اما باید به روسها گفت: شما که می گوئید آمریکا نمی خواهد جنگ تمام شود چرا به عراق این همه سلاحهای پیشرفته و مدرن می دهید؟ آیا شما می خواهید جنگ تمام شود؟» (روزنامه رسالت ۸ / ۹ / ۱۳۶۵).

خود مبنی بر پایان جنگ، به طرف دیگر سلاح می دهد.» (۱).

شوروی در ادامه موضعگیری نسبت به روابط پنهانی آمریکا با ایران، موضع شدیدی را علیه ایران اتخاذ کرد، چنانکه روزنامه ایزوستیا ارگان دولت شوروی نوشت:

«تهران مبارزه ای خصمانه را بر علیه شوروی در قبال حمایت مسکو از دولت افغانستان به راه انداخته است... رابطه ای میان سیاست ایران در قبال کابل و مسکو و تحویل اسلحه آمریکا به ایران در یک عملیات پنهانی که با مشارکت اسرائیل انجام شده وجود دارد و بخشی از تسلیحات مزبور با توافق ایران برای چریکهای افغان در نظر گرفته شده بود... تهران در حرف پیرو اهداف ضد امپریالیستی است، اما در واقع با نیروهای امپریالیستی در اجرای یک جنگ اعلام نشده بر علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان مشارکت می کند.» (۲) (۳).

تأثیرات ناشی از افشای ماجرای مک فارلین همچنان تا مدتها بر مناسبات ایران و شوروی سایه افکند و به میزانی که موقعیت شوروی مستحکم می شد، فشار روسها به ایران با حمایت از عراق افزایش می یافت.

شوروی ها در اعمال فشار به ایران دو منظور را به طور همزمان دنبال می کردند، از سویی اندیشه ی استقلال در تصمیم گیری نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و در صدد بودند بینش عدم اتکاء به ابرقدرتها، مبنی بر عدم واگذاری تعیین سرنوشت جنگ را مخدوش ساخته و قدرت تصمیم گیری را برای تعیین چگونگی پایان جنگ از ایران سلب کرده و خود

ص: ۸۴

۱- ۱۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۹ / ۸ / ۱۳۶۵، مسکو، خبرگزاری فرانسه (۱۸ / ۸ / ۱۳۶۵).

۲- ۱۱۱. روسها پس از تجاوز به افغانستان و شکست در برابر مقاومت مردم آن همواره سعی می کردند که برای توجیه شکست خود عوامل خارجی از جمله ایران را در تبلیغات خود مورد تهاجم قرار دهند. بنابراین، افشای ماجرای مک فارلین فرصت مناسبی را در اختیار روسها قرار داد تا اقدام به موضعگیری نمایند.

۳- ۱۱۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۵۷، ۱۰ / ۹ / ۱۳۶۵.

در اختیار بگیرند تا با اعمال تدابیر خویش جنگ را در راستای منافع منطقه ای و جهانی خود هدایت کنند. از سوی دیگر، ایران را در برابر حضور نظامی خود در افغانستان منعطف سازند. به عبارت دیگر، بازگرداندن ایران انقلابی به نظام دو قطبی بین المللی را که هدف اصلی آمریکا از شروع جنگ بود و طی ۶ - ۷ سال به آن نرسید، شوروی با استفاده از شرایط پیش آمده در دستور کار خود قرار داد. اگر جمهوری اسلامی که بنای جدیدی را در جهان دو قطبی گذاشته بود و با در دست گرفتن سرنوشت جنگ هر دو قطب را مستأصل کرده بود، در برابر فشار شوروی ها انعطاف نشان می داد، نه تنها جوهره اصلی انقلاب خود را که همانا بهم زدن سیستم دو قطبی در جهان بود از دست می داد بلکه مسلما نمی توانست زمینه ساز فروپاشی ابرقدرت شرق باشد. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی با افشای ماجرای مک فارلین ضمن اینکه بحران بزرگی برای غرب و هم پیمانان منطقی اش ایجاد کرد برای مقابله با سوء استفاده ابرقدرت شرق از این ماجرا نیز تاوان سنگینی پس داد و مقاومت سرسختانه ای کرد.

موضع گیری عراق

افشای ماجرای مک فارلین ضمن آنکه واشنگتن را دست خوش بحران کرده بود، هم پیمانان عرب آمریکا را نیز بحران زده کرد. در میان کشورهای عربی، موضعگیری عراق به لحاظ تأثیرات ارتباط آمریکا و ایران و ارسال سلاح به جمهوری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بود. عراق در بیانیه ای رسمی، ضمن اظهار تاسف از کوششهای آمریکا، این عمل را به شدت محکوم کرد. در بیانیه ی مزبور آمده بود:

«پذیرش ارسال اسلحه به ایران از سوی رونالد ریگان با سیاستهای اعلام شده آمریکا به شدت در تناقض است. تفاوت بین گفتار و رفتار

حکومت آمریکا، اعتبار سیاستهای اعلام شده این کشور را مورد سؤال قرار داده و تعهدات این کشور را به عنوان ابرقدرتی که برای حفظ صلح و امنیت جهانی مسئولیت دارد، مورد تردید قرار داده است.»

در این بیانیه سپس تأکید شده بود:

«اسلحه ای که ایران دریافت می کند علیه عراق به کارگیری می شود و طبعاً ارسال اسلحه آمریکایی به ایران، بر عراق بیش از هر کشور دیگری تأثیر گذاشته است.» (۱).

نزار حمدون، سفیر عراق در واشنگتن نیز ضمن آنکه هر گونه حمایت تسلیحاتی از ایران را موجب طولانی تر شدن جنگ قلمداد کرد، یادآور شد:

«این حق آمریکاست که کانالهای دیپلماتیک خود را با تهران بگشاید، لیکن تحویل سلاح و مهمات به آن کشور و تردیدهای خطرناکی را در رابطه با مواضع اعلام شده اش مبنی بر بی طرف بودن در جنگ پدید می آورد.» (۲).

وی سپس به نتایج اقدام آمریکا مبنی بر تشویق دیگران به ارسال اسلحه به ایران اشاره نمود و در مورد پیامدهای آن در سطح منطقه، در صورت تغییر موازنه نیروها، گفت:

«بروز تغییر احتمالی در موازنه نیروهای سیاسی و نظامی خاورمیانه منجر به افزایش قیمت نفت شده و بالاخره به منافع ملت آمریکا ضربه خواهد زد.» (۳).

نزار حمدون طی مصاحبه ای با روزنامه نیویورک تایمز مطالبی را بیان داشت که به نظر می رسد علاوه بر تهدید آمریکا، نقطه آغاز چرخش عراق به سمت شوروی بود. وی گفت:

«گرمی مجدد روابط ایران و آمریکا هیچ گونه ضرر و زیانی برای عراق ندارد.» (۴).

ص: ۸۶

۱- ۱۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۶ / ۸ / ۱۳۶۵، رادیو بی.بی.سی، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۹ / ۸ / ۱۳۶۵، رادیو مسقط.

۳- ۱۱۵. پیشین.

۴- ۱۱۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ / ۹ / ۱۳۶۵.

در واقع در مقایسه با اظهارات قبلی نزار حمدون مبنی بر تأثیرات زیان بخش تقویت تجهیزات ایران برای عراق، این موضعگیری نشانه‌ی آن بود که دیگر عراق به لحاظ بی‌اعتمادی به مواضع آمریکا، به این کشور متکی نخواهد بود. وی در ادامه اظهاراتش گفت:

«فروش مخفیانه اسلحه آمریکا به ایران، اصول از سرگیری مناسبات دیپلماتیک میان عراق و آمریکا را زیر سؤال می‌برد.» (۱)

وی در عین حال در اظهاراتش ضمن توجیه شکست عراقیها در فاو، ادامه از سرگیری روابط با آمریکا را مشروط به جبران خسارت‌های عراق نمود و گفت:

«آینده به این مطلب بستگی دارد که دولت آمریکا در مورد این مسئله مهم ارزش و اعتبار خود را در برابر عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه جبران کند.» (۲)

نتایج و پیامدها

تشتت در سیاست خارجی آمریکا در منطقه و مخدوش شدن اعتبار این کشور نزد متحدینش، همراه با افزایش تنش در میان نهادها و مراکز مختلف در آمریکا، (۳) مهمترین بخش از بحرانی بود که آمریکاییها در گرداب آن گرفتار آمدند. (۴)

ص: ۸۷

۱- ۱۱۷. پیشین.

۲- ۱۱۸. مأخذ شماره ۱۴.

۳- ۱۱۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۵ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا.

۴- ۱۲۰. روزنامه نیویورک تایمز ضمن انتقاد از شورای امنیت آمریکا، در مورد اهداف آن کشور و نقائص و کاستیهای آن نوشت: «یک مقام بلند پایه دولت آمریکا می‌گوید: هدف اصلی از این گونه تفکر استراتژیک کاخ سفید، مقابله با تهدید شوروی بدون توجه به دیگر مشکلات منطقه‌ای بوده است. یک مقام کاخ سفید نیز گفت: ویلیام کیسی، جان یونید کستر و دانت فورتی، طرفدار این نظریه بودند که یک سلسله عملیات سری منظم می‌تواند به تغییرات ژئوپولتیکی عمده‌ای در منطقه، چون گشایش راهی برای ارتباط با ایران بیانجامد. این عملیات تا حدود زیادی بدون مشورت با کارشناسان منطقه در وزارت دفاع ایالات متحده، وزارت امور خارجه و حتی برخی از اعضای شورای امنیت ملی طرحریزی شد.» (نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل از رادیو آمریکا).

این وضعیت، از سوی محافل مختلف و کارشناسان به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک و تبلیغاتی برای ایران تلقی شد. (۱).

متحدین آمریکا در اروپا با توجه به عمق و وسعت بحران در کاخ سفید، نسبت به تداوم آن تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) و تأثیرات آن بر روابط آمریکا و کشورهای منطقه خاورمیانه، عمیقاً نگران و مضطرب بودند. (۲).

شوروی ها ضمن استفاده از پیدایش وضعیت جدید، به نحو آشکاری حوزه فعالیت‌های خود را برای ارتقاء موقعیتشان در برابر آمریکا گسترش دادند. (۳) بهبود مناسبات با کشورهای منطقه و ارتقاء سطح روابط، در شرایطی که این کشورها عمیقاً نسبت به آمریکا بی اعتماد شده بودند، تنها بخشی از بهره برداری روسها بود. عمده ترین قسمت آن نیز گسترش روابط با عراق محسوب می شد.

در این میان، آمریکاییها برای به دست گرفتن ابتکار عمل و جبران کاستیها و شکستهای ناشی از افشای ماجرای مک فارلین، بر تلاشها و اقدامات خود افزودند. (۴) چنانکه مک فارلین از دولت آمریکا درخواست

ص: ۸۸

۱- ۱۲۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۹ / ۹ / ۱۳۶۵، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، لوکنیدین دوپاری.

۳- ۱۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، رادیو آمریکا، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

۴- ۱۲۴. در پی بروز حوادث مزبور، وزارت خارجه آمریکا به تلاش افتاد و ریچارد مورفی را به منطقه اعزام کرد. رادیو آمریکا در تاریخ ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵ در حالی که سعی می کرد مسئله اصلی ماجرا را فروش تسلیحات به ایران جلوه دهد، در مورد سفر مورفی گفت: «مدیر کل وزارت خارجه آمریکا در سفرش به خاورمیانه خواهد کوشید به دوستان آمریکا اطمینان دهد که فروش تسلیحات از آمریکا به رژیم اسلامی ایران، انحرافی در سیاست ایالات متحده بود که دیگر تکرار نخواهد شد. مقامات آمریکایی می گویند: ریچارد مورفی سه مسئله اصلی را با رهبران اردن و مصر در میان خواهد گذاشت: ۱- مسائل منطقه ای که شامل جنگ خلیج فارس، اوضاع لبنان و مشکل فلسطینیان است. ۲- درک موقعیت کنونی خاورمیانه و دورنمای احیای آن. ۳- روابط دوجانبه میان کشورهای خاورمیانه با ایالات متحده از جمله کمکهای متحده از جمله کمکهای خارجی. (بولتن رویدادها، دفتر سیاسی سپاه، شماره ۱۲۸، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

کرد که: «یک برنامه چهار ماده ای را جهت به دست گرفتن ابتکار عمل در سیاست خارجی خود آغاز کند.» (۱).

محور اصلی اقدامات آمریکا، علاوه بر تلاشهای سیاسی و تبلیغاتی، افزایش کمک به عراق به منظور (تشدید فشار به ایران) و ممانعت از پیروزی ایران در جنگ بود. (۲).

تشدید فشار به ایران در واقع برای جبران ماجرای مک فارلین و نشان دادن حسن نیت آمریکا به متحدین آن کشور به منظور پایان دادن به جنگ انجام می گرفت. وزیر خارجه آمریکا در چارچوب همین سیاست اعلام داشت:

«کاستن از توان نظامی ایران که طرف سرکش این جنگ است، می تواند به دستیابی یک راه حل از طریق مذاکره کمک کند.» (۳).

همچنین پس از آن که آمریکاییها از سوی عراق متهم به ارائه اطلاعات غلط به این کشور شدند، اجبارا برای خنثی کردن جو ناشی از آن به بخشی از کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق در طول جنگ اعتراف کردند. آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه، با اشاره به علت افشای کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق، اظهار داشت:

«افشای تلاش آمریکا در برقراری روابط با ایران، کشورهای غربی

ص: ۸۹

۱- ۱۲۵. روزنامه رسالت، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵، واحد مرکزی خبر، ۲۳ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۶. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا طی یک موضعگیری رسمی اعلام کرد: «آمریکا می کوشد تا از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ خارجی جلوگیری کند.» (روزنامه رسالت ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵).

۳- ۱۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۹ / ۱۳۶۵.

را سر خورده کرد و برای اینکه آنها بیشتر از آمریکا ناامید نشوند، آمریکاییها مجبور به اعتراف به اعطای کمکهای اطلاعاتی به عراق در رابطه با هدف قرار دادن تأسیسات حیاتی ما شدند.» (۱).

در واقع، موقعیت سیاسی - نظامی ایران پس از فتح فاو، بویژه متعاقب افشای ماجرای مک فارلین به گونه ای بود که آمریکاییها تداوم آن را، با توجه به تبلیغات ایران مبنی بر انجام عملیات سرنوشت ساز، به زیان خود تلقی می کردند. بنابراین، با هدف کاهش توان نظامی ایران و قبولاندن ضرورت مذاکره به عنوان تنها راه حل در پایان بخشیدن به جنگ، اقداماتی را آغاز کردند که بخش مهم آن ارائه کمکهای اطلاعاتی و مستشاری به عراق برای حمله به مراکز حیاتی صنعتی و اقتصادی ایران بود. در این زمینه، خبرنگار شبکه سی. بی. اس آمریکا طی گزارشی گفت:

«دولت ریگان به یک مقطعه کار نظامی چراغ سبز داده که با عقد قراردادی با عراق، این کشور را در توسعه یک استراتژی جهت جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ یاری نماید. قرار است شرکت آی. بی. ام که مقامات آن را افسران نظامی بازنشسته آمریکا تشکیل می دهند، طی همکاری مستقیم با وزارت دفاع عراق طرحی را برای این کشور ابداع نماید که بر اساس آن عراق بتواند از برتری نیروی هوایی خود استفاده کند. بنابراین گزارش، قرارداد پیشنهادی شامل ابداع طرحهایی است جهت تهاجم هوایی به خطوط حیاتی ارتباطات دفاعی ایران، انبار مهمات مملو از گلوله های توپ ایران که از بازار سیاه خریداری نموده، پالایشگاه ها و ایستگاههای پمپ نفت که منبع اصلی درآمد ایران است و نیز کاروانهایی که از شهرها برای امواج انسانی ایران نیرو و آذوقه می آورند.» (۲).

همچنین نشریه میدل ایست اینترنشنال به نقل از خبر گزار بی. بی. سی.

ص: ۹۰

۱- ۱۲۸. روزنامه رسالت، ۲۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

نوشت:

«یک افسر عالی‌رتبه آمریکایی که در بغداد اقامت دارد به نیروی هوایی رژیم عراق کمک اطلاعاتی می‌دهد. حمایت آمریکا از عراق تنها به مسائل سیاسی محدود نمی‌شود و مسائل نظامی را نیز دربر می‌گیرد. از جمله باید از اطلاعات کسب شده از هواپیماهای آواکس و ماهواره های آمریکایی که مستقیماً در اختیار مقامات رژیم عراق قرار می‌گیرد نام برد.» (۱).

تنش در روابط عراق و آمریکا

در این میان، تلاشهای و اقدامات آمریکا نتوانست اعتماد عراق به آمریکا را مجدداً جلب نموده و تنش موجود در روابط آنها را کاهش دهد.

تحت چنین شرایطی، افشای ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق توسط روزنامه نیویورک تایمز که بیشتر تحت تأثیر تنشهای داخلی آمریکا انجام گرفت، بر تیرگی روابط افزود. نیویورک تایمز به نقل از مقامات وزارت خارجه (۲) آمریکا نوشت:

«مقامات وزارت امور خارجه آمریکا ماه گذشته گفتند که ایالات متحده ظرف دو سال گذشته گهگاه اطلاعاتی نظامی در اختیار عراق قرار می‌داد، اما هیچ نشانه‌ای در مورد نادرست بودن آن اطلاعات بروز نمی‌داد. هدف از دادن این اطلاعات نظامی جلوگیری از پیشروی قطعی ایران در جنگ خلیج فارس بود.» (۳).

ص: ۹۱

۱- ۱۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۹ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۳۱. نشریه نیویورک تایمز ارائه کننده نظریات وزارت خارجه آمریکا است. از آنجا که ماجرای مک فارلین تحت رهبری شورای امنیت آمریکا صورت می‌گرفت، این اقدام نشریه نیویورک تایمز انتقادی از سوی وزارت خارجه نسبت به شورای امنیت آمریکا تلقی می‌شد.

۳- ۱۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو آمریکا، ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

سخنگوی کاخ سفید بلافاصله طی مصاحبه ای، ضمن تکذیب مطالب مندرج در نشریه نیویورک تایمز، سیاست جدید آمریکا را چنین بیان کرد:

«سیاست آمریکا در حال حاضر این نیست که اطلاعات گمراه کننده ای در اختیار ایران و عراق قرار دهد. در این زمینه که آیا آمریکا در گذشته چنین اقدامی به عمل می آورده، اطلاعی ندارد. ایالات متحده خواستار طولانی شدن جنگ نیست و برعکس خواهان پایان صلح آمیزی است که در آن بازنده یا برنده ای در کار نباشد و ثبات را در منطقه خلیج فارس برقرار سازد.» (۱).

طه یاسین رمضان مرد شماره ۲ عراق نیز طی مصاحبه ای ضمن موضعگیری نسبت به آمریکا، در مورد ماهیت و نتایج ارائه اطلاعات غلط به عراق اظهار داشت:

«اطلاعات نادرست و مخدوشی که ایالات متحده عمدا در اختیار ارتش عراق قرار داده به قیمت جان هزاران سرباز عراقی تمام شده است... عراق نخستین بار در فوریه گذشته (بهمن سال ۶۴) به درستی اطلاعات دریافت شده مضمون شد و آن هنگامی بود که ایالات متحده تأکید می کرد که ایران به منطقه ای در مرکز جبهه مرزی ایران و عراق حمله خواهد کرد، در صورتی که ایران به فاو در گوشه جنوبی عراق حمله برد.» (۲).

اظهارات طه یاسین رمضان و ابعاد این ماجرا مورد توجه محافل سیاسی و خبری قرار گرفت. روزنامه وال استریت ژورنال در تفسیر این اظهارات نوشت:

«اگر اظهارات طه یاسین رمضان درست باشد و اطلاعات نادرست در اختیار اردن و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز گذاشته شده باشد، به نظر می رسد که ایالات متحده نه فقط به ایران و عراق بلکه به

ص: ۹۲

۱- ۱۳۳۳. پیشین.

۲- ۱۳۴. روزنامه کیهان، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو آمریکا.

چند کشور اطلاعات نادرست داده و مسلماً بیش از پیش به اعتبار متحده در خاورمیانه لطمه خواهد خورد.» (۱).

در بخش دیگری از تفسیر این نشریه آمده بود:

«مقامات اردنی هفته پیش کوشیدند عراق را قانع سازند که شاید تجزیه و تحلیل ایالات متحده از آن اطلاعات نادرست بوده و آمریکا واقعا قصد نداشته عراق را فریب دهد.» (۲).

تبعات اقدام آمریکا و بی اعتمادی حاصله از آن مورد تاکید نویسنده وال استریت ژورنال قرار گرفته بود:

«ظن و شکمی که آقای رمضان نسبت به ایالات متحده ابراز کرد، نشانه ای از عدم اعتماد عمیق عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه نسبت به آمریکا است و از افشای این امر ناشی می شود که ایالات متحده با فروش اسلحه به ایران جهان را فریب داد.» (۳).

در پی این وضعیت، آمریکاییها کوشش وسیعی را برای جبران کاستیها و نواقص سیاستهای پیشین خود به عمل آورده و با ارائه اطلاعات از مراکز اقتصادی ایران، مساعدتهای لازم را نسبت به حملات هوایی عراق به مراکز اقتصادی و صنعتی ایران اعمال نمودند، چنانکه نشریه ساندی تلگراف پس از حمله هوایی عراق به نیروگاه نکا نوشت:

«دیپلماتها در بغداد معتقدند که کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق، این کشور را قادر ساخت تا به تأسیسات اقتصادی ایران مثل نیروگاه نکا ضربه وارد کند.» (۴).

در واقع، آمریکاییها در وضعیتی انفعالی کوشیدند تا با افزایش ارائه اطلاعات به عراق، تبعات ناشی از ناخشنودی از آمریکا را جبران نمایند چنانکه در ابتدا عراقیها نیز همین انتظار را از آمریکا داشتند. با اقدامات جدید آمریکا روند مناسبات این کشور با عراق مجدداً رو به بهبود نهاد، هر

ص: ۹۳

۱- ۱۳۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه» ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، وال استریت ژورنال.

۲- ۱۳۶. پیشین.

۳- ۱۳۷. مأخذ، شماره ۲۹.

۴- ۱۳۸. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶.

چند عراق می کوشید با وضعیت پیش آمده بیشترین امتیازات را از آمریکا دریافت دارد. پس از شکست عملیات کربلای ۴ وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت:

«ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم. اما به آنان خاطر نشان می سازیم که در مقایسه با برخوردشان با ایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است.» (۱).

بلافاصله پس از آغاز عملیات کربلای ۵ و پیروزی بزرگ ایران در این عملیات، عراق که بار دیگر فریب خورده بود بنا به استنباط گذشته مبنی بر ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق، مجدداً مناسبات دو کشور رو به تیرگی نهاد.

پذیرش اتهامات عراق برای آمریکا، نظر به عواقب آن، غیر قابل تحمل بود. چون آمریکاییها با کمک اطلاعاتی مجدد به عراق و سایر اقدامات در نظر داشتند تا ضمن زدودن آثار افشای ماجرای مک فارلین از چهره سیاست خارجی متشتت آمریکا، مجدداً ابتکار عمل را در منطقه به دست گیرند. بنابراین، روزنامه واشنگتن پست که نماینده محافظ دست راستی آمریکا محسوب می شود، ضمن پاسخ به اظهارات طه یاسین رمضان، اتهامات وی مبنی بر اینکه عامل شکست نیروهای عراقی در جبهه های جنگ بویژه جزیره فاو، آمریکا بوده است را به نقل از دیپلماتها و مقامات غربی رد نموده و نوشت:

«تحلیلگران غربی معتقدند که نبرد فاو بهترین نمونه بهره برداری نیروهای مهاجم از ضعف خطوط دفاعی دشمن بود و رمضان با چنین ادعایی سعی دارد تفصیر شکستهای نظامی خود را به گردن آمریکا بیندازد.» (۲).

همچنین روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام عالیرتبه غربی نوشت:

ص: ۹۴

۱- ۱۳۹. پیشین.

۲- ۱۴۰. روزنامه رسالت، ۶ / ۱۱ / ۱۳۶۵، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

«بدون تردید آبروی رمضان رفته بود، زیرا این نیروهای جیش الشعبی بودند که در فاو خطوط دفاعی را لو داده و شکست خوردند.»

از سوی دیگر، این روزنامه از قول شولتز وزیر خارجه آمریکا نوشت:

«این ادعا که ما عملاً اطلاعات غلط در اختیار عراقیها گذاشته ایم کاملاً نادرست است.»

واشنگتن پست در ادامه همین مطلب افزود:

«در آن هنگام (نبرد فاو) عکسهای ماهواره ای آمریکا نشان می داد که بیشترین تمرکز سلاحهای سنگین بسیار بالاتر از فاو، در حوالی منطقه باتلاقی هویزه، در تقاطع رودهای دجله و فرات واقع شده و همه فکر می کردند که تهاجم عمده ایران در منطقه هویزه است. آمریکا همچنان به عراق اطلاعات جاسوسی می دهد و فرماندهی نظامی عراق تا به حال هیچگونه گله و شکایتی در مورد کیفیت اطلاعات دریافتی در مورد تهاجم جاری ایران (۱) نکرده است.» (۲).

به رغم تلاشها و اقداماتی که از سوی محافل خبری برای توجیه سیاست اطلاعاتی آمریکا در برخورد با ایران و عراق صورت گرفت، جناحهای رقیب داخلی، بیش از پیش دولت ریگان را تحت فشار قرار می دادند.

چنانکه واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا طی مصاحبه ای با خبرگزاری فرانسه گفت:

«به من گفته شد که حداقل یکبار برخی اطلاعات در اختیار ایران قرار گرفته است.» (۳).

پس از اظهارات فوق واشنگتن پست بلافاصله نوشت:

ص: ۹۵

۱- ۱۴۱. اشاره به اطلاعات دقیقی است که در مورد عملیات کربلای ۴ از سوی آمریکا در اختیار عراق قرار گرفت.

۲- ۱۴۲. مأخذ شماره ۳۴.

۳- ۱۴۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۵.

«سرهنگ الیورنورث به تهران اطلاعات فوق محرمانه داده بود.

پیامهای الکترونیک مخابره شده توسط نورث نشان می دهد که وی اطلاعات طبقه بندی شده ای را تحت نام نوفورم به ایران داده است. این علامت نشان می دهد که اطلاعات یاد شده نمی بایست توسط هیچ قدرت خارجی رویت شود. نورث حداقل دوبار اطلاعاتی را در اختیار واسطه های ایران قرار داده است.» (۱).

بنابراین، بدیهی به نظر می رسد که این گونه اظهارات از سوی مقامات رسمی آمریکا، عراق را به طور مضاعف دچار تردید و ابهام نماید، لذا بر تنش روابط عراق و آمریکا افزوده شد و همچنان ادامه یافت. این وضعیت علاوه بر آنکه موجب ناتوانی بیشتر آمریکا در به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ گردید: متقابلاً عراق را بیش از پیش به سمت شوروی برای یافتن نقطه اتکاء جدید سوق داد و آمریکا در برخورد با عراق در وضعیت بسیار دشوار و پیچیده ای قرار گرفت. در این شرایط متحدان اروپایی آمریکا، با اقدامات خود، از بازگشت کامل عراق به دامن شوروی جلوگیری کردند. فرانسه، آلمان، انگلیس و سایر کشورهای اروپای غربی بیش از پیش به تقویت بنیه نظامی عراق پرداختند تا ضمن ممانعت از بهره برداری شوروی، موفقیتهای ایران را، خصوصاً در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵، خنثی نمایند.

گسترش تهاجمات هوایی عراق

در شرایطی که سیل کمکهای تجهیزاتی و اطلاعاتی به عراق شروع شده بود، حملات هوایی به مناطق غیر نظامی به نحو گسترده ای آغاز شد. دشمن در مرحله اول منابع تأمین برق کشور را هدف قرار داد و به دنبال آن سایر مراکز صنعتی و اقتصادی کشور را زیر بمباران گرفت. تهاجم هوایی جدید با طرح و کمکهای اطلاعاتی آمریکا و بمب افکن های شوروی انجام می شد.

ص: ۹۶

شوروی ها نگران از اقدامات آمریکا و با اندیشه به تسلیم کشاندن تهران، عراق را در جنگ هوایی بشدت تقویت کردند. تفسیر نشریه ساندی تایمز از این جریان، دلیلی بر صحت این مدعاست:

«به نظر می رسد افشای حمایت تسلیحاتی ایران از سوی آمریکا و اسرائیل، ماشه ی حملات ناگهانی و سنگین عراق به منابع و مراکز صنعتی و نظامی ایران را چکانده باشد.» (۱).

همچنین، برداشت عراق از توافقات احتمالی ایران و آمریکا در چارچوب پایان بخشیدن به جنگ که ممکن بود به حذف صدام بیانجامد، موجب گردید تا رژیم عراق نسبت به این جریان عکس العمل نشان دهد.

نشریه ساندی تایمز نوشت:

«تماسهای آمریکا و ایران و ارسال تجهیزات آمریکایی به ایران، آینده ی صدام حسین را زیر سؤال برده است. تشدید حملات هوایی عراق به ایران در واقع تلاش صدام حسین برای قدرت نمایی است.» (۲).

در همین حال، شواهد و قرائن دیگری وجود داشت که نشان می داد علاوه بر اهداف جدید شوروی و انگیزه های عراق از حملات گسترده هوایی از مدتها قبل از عملیات هوایی علیه ایران، توسط آمریکا طرحریزی شده است.

بعدها روزنامه نیویورک تایمز در این مورد نوشت:

«در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) کیسی طرحی را تنظیم کرده بود که صدام را تشویق به فشار به تهران کند.

در تابستان همین سال بوش طی دیدار از خاورمیانه از شاه حسین و حتی مبارک خواست تا پیام این طرح را به صدام حسین منتقل کنند.

بر اساس این طرح تهران مجبور می شد برای خرید موشک و سایر سلاحهای دفاعی به واشنگتن روی آورد و در نتیجه به آمریکا برای آزادی گروگانها در لبنان امتیاز بدهد.

ص: ۹۷

۱- ۱۴۵. مأخذ شماره ۳۲.

۲- ۱۴۶. مأخذ شماره ۳۲.

بعد از انتقال پیام، عراق ۳۵۹ ماموریت بر فراز جمهوری اسلامی انجام داد و تاسیسات مهم نفتی ایران را منهدم کرد.» (۱).

در واقع، آمریکاییها قبل از سفر مک فارلین به ایران مایل بودند موقعیت برتر سیاسی و نظامی ایران را تضعیف کرده و به هنگام انجام مذاکرات در تهران، از موقعیت بهتری برخوردار باشند. عراقیها نیز با توجه به وضعیت رو به تزلزل روحی - روانی خود که ناشی از شکست در فاو بود، چنین می پنداشتند که وارد ساختن فشار نظامی به ایران، علاوه بر تأمین نظریات آمریکاییها، منافع عراقیها را نیز می تواند تأمین نماید. بر همین اساس، عراقیها به اجرای «استراتژی دفاع متحرک» مبادرت ورزیدند. لیکن شکست این طرح از یکسو و ناکامی مک فارلین در سفر به تهران از سوی دیگر، طرح از پیش تعیین شده دیگری را مبنی بر «انهدام امکانات نظامی ایران با حمله به هدفهای حیاتی» در دستور کار قرار داد. اظهارات حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق دلالت بر صحت این نظر دارد. وی در این خصوص گفته بود:

«انهدام امکانات نظامی و هدفهای حیاتی ایران بر اساس نقشه هایی که قبلاً توسط نیروی هوایی عراق تهیه و آماده شده است، انجام خواهد گرفت.» (۲).

همچنین فرمانده نیروی هوایی عراق در مصاحبه ای با مجله الدستور، با اشاره به اهداف عراق از حملات هوایی و طرحریزی عراق برای مراحل بعدی اظهار داشت:

«ضرباتی که هواپیماهای عراقی بر هدفهایشان در ایران وارد ساختند، بر اساس انهدام سریع تکیه گاههای دشمن ایرانی بود. اجرای نخستین مرحله از این طرح چند مرحله ای با موفقیت انجام گرفت و ما مدتی است که در مورد اجرای مرحله دوم این طرح به بررسی پرداخته ایم.

ص: ۹۸

۱- ۱۴۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ / ۸ / ۱۳۷۱.

۲- ۱۴۸. پیشین.

تا باقیمانده امکانات انسانی و اقتصادی و نظامی دشمن ایرانی را تحلیل دهیم و دشمن در هر مرحله شاهد انجام عملیات شدیدتری خواهد بود

ما در روزهای آینده به اجرای کامل این طرح خواهیم پرداخت و بی وقفه به آن ادامه خواهیم داد.» (۱).

کمکها و مساعدتهای آمریکا نیز در این زمینه بی تأثیر نبود. آمریکاییها برای جلب مجدد اعتماد عراقیها و رفع تنش در روابط بغداد - واشنگتن و همچنین تشدید فشار به ایران، کمکهای اطلاعاتی گسترده ای را در اختیار عراق قرار دادند.

روزنامه وال استریت ژورنال ضمن تفسیر اظهارات طه یاسین رمضان مبنی بر ارائه اطلاعات نادرست از سوی آمریکا به عراق و نقش آن در روابط دو کشور نوشت:

«به رغم تمامی این تحولات، عراق هنوز هم از ایالات متحده اطلاعاتی دریافت می کند که دیپلماتهای غربی، با توجه به موفقیت شدیداً رو به افزایش حملات هوایی اواخر سال گذشته عراق علیه هدفهای اقتصادی و تاسیسات نفتی و نیروگاه های برقی ایران، برای آن اعتبار قائلند.» (۲).

روزنامه میدل ایست اینترنشنال نیز اعتراف کرد که کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق، توسط یک افسر عالیرتبه در بغداد صورت می گیرد:

«یک افسر عالیرتبه آمریکا در بغداد، در انتخاب اهدافی که هواپیماهای عراق باید در ایران بمباران کنند، به طراحان کمک می کند.» (۳).

آمریکاییها که به خاطر تاثیرات پیروزی نظامی ایران در افزایش تشنگی سیاست خارجی آمریکا در منطقه، عمیقاً نگران و مضطرب بودند، از هر گونه اعمال فشار به ایران استقبال می کردند، زیرا این امر علاوه بر تضعیف موقعیت سیاسی - نظامی ایران، بخشی از بحرانهای ناشی از شکست سیاست آمریکا را جبران می کرد.

ص: ۹۹

۱- ۱۴۹. اداره کل مطبوعات وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۱۱، ۲ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۳- ۱۵۱. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره ۲۶، ۱۲۴ / ۹ / ۱۳۶۵.

پس از ده ماه بسیج امکانات و مقدمات کشور و استفاده از تبلیغات گسترده و وسیع مبنی بر «تعیین سرنوشت جنگ» در شرایطی که منابع صنعتی و اقتصادی و مراکز آب و برق کشور هدف بمباران شدید و گسترده دشمن قرار داشت، عملیات کربلای ۴ در تاریخ ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵ با چهار قرارگاه به نامهای نجف، قدس، کربلا و نوح آغاز شد.

البته به عللی، نیروهای خودی برخلاف پیش بینی های قبلی در همان شب اول تنها توانستند در جزایر سهیل، قطعه، ام الرصاص، ام البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در بعضی مناطق به صورت موضعی رخنه نمایند.

دشمن علاوه بر استفاده از اطلاعاتی که توسط آمریکا (به جبران حادثه ایران گیت) در اختیارش گذاشته شده بود، از هوشیاری کامل برخوردار بود. لذا با استفاده از تاکتیکهای ضد غواص و شناور، مانع از انجام عملیات بر اساس پیش بینی های قبلی شد. دشمن از همان شب عملیات با

استفاده از منوره‌های پیاپی و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عرایض (عقبه برخی از یگانها) و همچنین اجرای آتش مؤثر بر روی رودخانه اروند، عملاً- سازمان نیروهای غواص و موج دوم و سوم را به هم زد، به طوری که نیروهای یگانهای مجاور بعضاً پراکنده شده و عمدتاً نمی توانستند به طور دقیق روی هدف عمل نمایند.

یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام الرصاص و نوک بوارین بود که به رغم کوششهای بسیاری که برای تصرف آن صورت گرفت، به خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. دشمن با شلیک آتش تیربار روی آب به صورت ضربداری و با حجم زیاد، مانع عبور نیروها از تنگه ام الرصاص - بوارین شد. ضمناً دشمن بنا به حساسیتی که نسبت به جزیره ام الرصاص داشت، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره گیری می کرد، به طوری که از هر خط عقب رانده می شد در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشراف و تسلط داشت مقاومت می کرد. به رغم کوششهای بسیار، به خاطر هوشیاری دشمن، عملاً ادامه نبرد بدون اینکه چشم انداز روشنی داشته باشد با مشکلات عدیده ای توأم شد، لذا به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی، از ادامه نبرد اجتناب شد.

علل عدم موفقیت عملیات

در میان عوامل متعددی که سرنوشت عملیات کربلای ۴ را رقم زد دو عامل بیش از بقیه تعیین کننده بود

الف: افشا شدن عملیات

نحوه برخورد نظامی عراق با عملیات کربلای ۴ و اظهارات بعدی مقامات نظامی این کشور دلالت بر این داشت که وسیله هوشیاری دشمن

ص: ۱۰۱

صرفاً مشاهده تحرکات نیروهای ایرانی نبود، بلکه آنها عمدتاً بر اطلاعات واصله از دستگاه جاسوسی آمریکا تکیه داشتند. (۱)

چنانکه قبلاً اشاره شد، در آن مقطع ارائه اطلاعات نظامی به عراق و مقابله با هر گونه پیروزی جمهوری اسلامی، به عنوان یک مسئله اساسی و اصولی برای آمریکا مطرح بود چون با تزلزل حاکمیت عراق، روسها از موقعیت به دست آمده نهایت بهره برداری را می نمودند.

اظهارات بعدی برخی از مقامات عراقی در مورد اهداف عملیات و نتایج آن حاکی از آن است که اطلاعات ارسالی به عراق حاوی نکات قابل ملاحظه ای بوده است:

«هدف ایران شهر بصره بوده و هست... ایرانیها اگر موفق می شدند. هدفهای خود را تحقق بخشند، ارتباط میان سپاه سوم و هفتم را قطع می کردند و تمام فاو و خور عبدالله و شمال بصره را به اشغال خود در می آوردند، علت شکست کنونی این است که ما آماده بودیم و نقشه های لازم را طرح کردیم... و از درسهای فاو استفاده نمودیم.» (۲)

نکته قابل توجه در اظهارات بعدی عدنان خیرالله، اشاره مستقیم وی به اطلاعات واصله از آمریکا بود.

وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت:

«ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم. اما به آنان خاطر نشان می کنیم که در مقایسه با برخوردشان با ایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است.» (۳)

ص: ۱۰۲

۱- ۱۵۲. دشمن با استفاده از اطلاعات استراتژیک که از سوی آمریکا در اختیارش گذاشته شد، توانست از اطلاعات تاکتیکی نیز بهره گیرد و با در نظر گرفتن اقدامات نیروهای ایرانی در منطقه، تحرکات خودی را تعقیب کند.

۲- ۱۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۸۷، ۱۱/۱۰/۱۳۶۵، رادیو مونت کارلو (۹/۱۰/۱۳۶۵).

۳- ۱۵۴. پیشین، خبرگزاری فرانسه از بغداد.

ب: استفاده از تجارب عملیات فاو توسط عراق

اتخاذ استراتژی دفاع متحرک علاوه بر اهداف اصلی، ناظر بر این امر بود که دشمن با ایجاد تأخیر در عملیات بعدی جمهوری اسلامی که مرتباً تبلیغات آن نیز در سطح کشور صورت می گرفت، تلاش کرد تا از یکسو زمین عمومی منطقه فاو تا بصره را مسلح نماید و امکان ادامه عملیات فاو را در این منطقه از بین ببرد و از سوی دیگر تدبیری برای مقابله با تاکتیکهای ویژه آن عملیات بیندیشد.

عراقیها طی فرصت حاصله توانستند با توجه به تاکتیک نیروهای سپاه برای عبور از رودخانه که عمدتاً متکی به نیروهای غواص بود و با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت جزر و مد آب، تاکتیکهای جدیدی را برای مقابله با نیروی غواص اتخاذ کنند.

بنابراین، در آستانه عملیات کربلای ۴ دشمن با استفاده از یک فرصت ده ماهه با مسلح کردن زمین منطقه، ایجاد مواضع و استحکامات در ساحل رودخانه و همچنین آرایش سلاح برای پوشاندن سطح آب جهت ممانعت از حرکت نیروهای غواص و سایر اقدامات، از آمادگی لازم برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام برخوردار شده بود.

بازتاب عملیات کربلای ۴

عراقیها که از مدتها قبل نسبت به اجرای عملیات گسترده و سرنوشت ساز از سوی ایران، در اضطراب و نگرانی بودند، بلافاصله پس از عدم حصول نتیجه مطلوب ایران از عملیات مزبور، تبلیغات وسیعی را مبنی بر شکست نبرد سرنوشت ساز

ص: ۱۰۳

آغاز کردند. عراقیها با تأکید بر گستردگی این عملیات با هدف تصرف بصره، در نظر داشتند بر پیروزی عراق تأکید نمایند. فرمانده سپاه هفتم عراق طی مصاحبه ای، در مورد عملیات اظهار داشت:

«هدف ایران از حمله اخیر به خاک عراق، اشغال منطقه بصره و یکسره کردن جنگ به نفع خود بود... حمله اخیر ایران یک حمله گسترده و وسیع بود و شکست آن موجب متلاشی شدن نیروهای ایران گردید. اما این بدان معنا نیست که ایران بار دیگر نیروهای خود را جمع آوری نکرده و به عراق حمله نکند.»

فرمانده سپاه سوم عراق نیز طی مصاحبه ای، با اشاره به تاکتیک عملیات و عواقب زیان آور آن برای عراق در صورت پیروزی ایران، گفت:

«ایرانیان در حمله اخیر خود تلاش کرده اند سپاه هفتم را از سپاه سوم عراق جدا کنند و سپس از دو محور شلمچه و تنومه، در نخلستانهای منطقه بصره نفوذ کنند... در صورتی که ایرانیان موفق می شدند از نخلستانهای شلمچه و تنومه به سوی بصره راه یابند، برتری هوایی و زرهی عراق در این منطقه فلج می شد، زیرا منطقه خاکی و پر از نخلستان می باشد.»

وی سپس قطع ارتباط سپاههای سوم و هفتم را یک وضعیت خطرناک برای ارتش عراق توصیف کرد و گفت:

«خطرناکترین محور عملیاتی جنوب، حد فاصل مرزهای مشترک میان سپاههای هفتم و سوم می باشد، زیرا از طریق سپاه سوم می توان به منطقه شلمچه نفوذ کرد و از آنجا به ابوالخصیب و سپس به بصره راه یافت و از منطقه سپاه هفتم می توان با نفوذ به عمق آن، به پشت سپاه هفتم رسید.» (۱).

ص: ۱۰۴

در میان عکس‌العملهایی که به دنبال عملیات کربلای ۴ در محافل سیاسی - نظامی و رسانه‌های عمومی جهان به وجود آمد، هیاهوی تبلیغاتی عراق مبنی بر شکست عملیات سرنوشت‌ساز، بیش از سایر مسائل مورد توجه قرار گرفته و اظهارات گوناگونی را سبب گردید. در مرحله اول، برخی از رسانه‌ها سر و صدای زیاد عراق را بنا به وضعیت خاص سیاسی حاکمان عراق، تلاش در جهت افزایش ثبات سیاسی - نظامی و تقویت روحیه ارتش عراق تلقی می‌کردند، چنانکه روزنامه دی ولت نوشت:

«سر و صدای زیاد عراق مبنی بر کسب پیروزی، برای دامن زدن به جنگ روانی است. این گونه اعمال برای تقویت روحیه مردم عراق خود دلیلی بر خسته بودن مردم این کشور از جنگ می‌باشد.» (۱).

در همین زمینه، روزنامه تایمز مالی اقدامات تبلیغاتی عراق را به عنوان کودتای تبلیغاتی برای صدام ذکر کرده، نوشت:

«دیپلماتها در بغداد و مقامات واشنگتن این عملیات را کوچکتر از آنچه که ادعا شده، دانسته‌اند. دیپلماتها معتقدند که این پیروزی عراق یک کودتای تبلیغاتی به موقع برای صدام، در پایان سالی که در آن عراق فاو را از دست داده بود به حساب می‌آید.» (۲).

علاوه بر مطالبی که نسبت به ناباوری صاحب‌نظران سیاسی - نظامی در خصوص تبلیغات عراق ذکر شد، عامل اساسی تر، عدم مشابهت عملیات کربلای ۴ با خصوصیات یک عملیات گسترده، در مقایسه با گذشته جنگ بود. زیرا همیشه علاوه بر اهداف عملیات، ملاکهای ارزیابی گستردگی یا محدودیت عملیات متکی به میزان تداوم و سماجت نیروها در ادامه نبرد، در صورت شرایط مساعد می‌بود.

بر این اساس، هر چند عملیات کربلای ۴ از نظر هدف در چارچوب یک عملیات گسترده قرار می‌گرفت، لیکن به خاطر آنکه زمان درگیری محدود

ص: ۱۰۵

۱- ۱۵۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، روزنامه دی ولت چاپ آلمان (۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵).

۲- ۱۵۷. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶.

بود، از سوی بسیاری از محافل سیاسی - نظامی به عنوان عملیات گسترده نهایی ایران تلقی نشد. تنها روزنامه ایندپندنت در این زمینه نوشت:

«شکی نیست که این عملیات یک حمله گسترده و عمده به شمار می آید، ولی به هیچ وجه نمی توان آن را حمله نهایی دانست. ایران در این منطقه تعداد زیادی نیرو مستقر کرده است که در حمله اخیر، عمده ی آنها شرکت نداشتند.» (۱).

گذشته از اینها، تحلیل‌های دیگری بر اساس نتیجه عملیات کربلای ۴ ارائه شد که بعضاً آمادگی و قوت عراق را در خصوص رویارویی با تهاجمات قوای نظامی ایران خاطر نشان می ساخت. در این زمینه روزنامه ساندی تلگراف نوشت:

«پیروزی عراق، آن حماسه نظامی که عدنان خیرالله ادعا کرده، نبود. اما ثابت کرد که مراکز دفاعی عراق می تواند در مقابل ایران مقاومت کند.» (۲).

روزنامه مزبور ضمن تفسیر خود تلویحا در نظر داشت تا تصرف فاو از سوی ایران را یک استثناء تلقی نموده، بر توانایی عراق برای پدافند و مهار تهاجمات ایران تأکید نماید. لیکن در تحلیل رسانه های خبری اساسا نوعی ابهام و سردرگمی نسبت به سرانجام عملیات و انتظارات برآورده نشده وجود داشت و چنین برمی آمد که به رغم تبلیغات عراق هنوز همه چیز پایان نیافته و امکان وقوع حوادث دیگر محتمل است.

ص: ۱۰۶

۱- ۱۵۸. پیشین.

۲- ۱۵۹. مأخذ شماره ۵.

بررسی عملیات کربلای ۵ تحت عنوان (نبرد در شرق بصره) در کتاب جداگانه ای آماده انتشار است.

ضرورت انجام عملیات

موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران که در فتح فاو توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حاصل شد، به رغم تلاشهای دشمن در چارچوب استراتژی دفاع متحرک، حملات هوایی به مراکز صنعتی، حمله به منابع نفتی و نفتکشهای ایران و سایر اقدامات تبلیغاتی و روانی، همچنان به سود جمهوری اسلامی حفظ شد.

عملیات کربلای ۴ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدین منظور طرحریزی و اجرا شد که ایران با بهره گیری از موقعیت برتر سیاسی - نظامی، با افزایش فشار به حامیان جهانی و منطقه ای عراق، شرایط را برای کسب پیروزی سیاسی در جنگ با اتکا به پیروزی نظامی فراهم سازد. در

واقع می توان گفت که فتح فاو به رغم ابعاد و جوانب مختلف آن، نتوانست شرایط و خواسته های ایران را تأمین نماید. طبیعتاً در چنین شرایطی پیش بینی می شد که اجرای یک عملیات پیروز دیگر، امکان تحقق خواسته های جمهوری اسلامی را فراهم خواهد آورد.

عدم حصول نتیجه مطلوب در عملیات کربلای ۴، با توجه به مقاصد عملیات و پیامدهای تعیین کننده آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ، جمهوری اسلامی را در وضعیت دشواری قرار داد. چون کلیه دستاوردهای جنگ پس از آزادسازی مناطق اشغالی و بویژه پس از فتح فاو که نهایتاً موازنه سیاسی - نظامی جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داده بود، در معرض تهدید قرار گرفت. عراق که از مدتها قبل به رغم کلیه اقدامات و تلاشهایش، در تغییر روند کلی جنگ به سود خود ناکام مانده بود، تحت شرایط جدید مترصد بهره برداری از اوضاع برای حمله به منطقه فاو و بازپس گیری این منطقه و نهایتاً تغییر اوضاع سیاسی - نظامی به نفع خود بود. از سوی دیگر، شرایط سیاسی حاکم بر کشور و روند تبلیغات تحت شعار «تعیین سرنوشت جنگ» و نیرو و امکاناتی که به همین منظور به جبهه سرازیر شده بود، از جمله عواملی بود که بر پیچیدگی اوضاع برای پاسخگویی به انتظارات پدید آمده در جامعه می افزود. در واقع، در افکار عمومی جامعه چنین تصور می شد که با توجه به فراهم سازی کلیه شرایط از جمله بسیج نیرو و امکانات به جبهه ها، موقعیت برای وارد ساختن ضربه تعیین کننده بر دشمن فراهم آمده و برای کسب پیروزی هیچگونه مانعی وجود ندارد.

در سایه پیدایش چنین وضعیت دشوار، اتخاذ هر گونه تصمیم با توجه به تأثیرات و پیامدهای تعیین کننده ی آن بسیار پیچیده و سخت می نمود. ولی در عین حال پس از قطعی شدن مسئله افشای تاکتیک ویژه عملیات و عدم امکان

حصول پیروزی، دستور توقف عملیات کربلای ۴ به کلیه قرارگاه‌ها و فرماندهان یگانها صادر شد. این تصمیم زمانی اتخاذ و ابلاغ شد که تنها ۲۰٪ از توان نیروهای خودی با دشمن درگیر شده بود و طبعاً در اختیار داشتن نیروی کافی و نیز ضرورت‌های گوناگونی که انجام عملیات و کسب پیروزی را ایجاب می‌کرد، بر روند تصمیم‌گیریها سایه افکنده بود.

«حفظ برتری سیاسی - نظامی جنگ» به سود جمهوری اسلامی و مقابله با ایجاد هر گونه «رکود در جبهه‌های نبرد» از مهمترین عواملی بود که ضرورت انجام عملیات با شرط کسب پیروزی را ایجاب می‌کرد. در واقع، تجارب جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت چهار سال بر این مسئله تأکید داشت که هر گونه تعلل و اتخاذ تصمیم نامناسب برای «انجام عملیات پیروز» روند تحولات جنگ را به گونه‌ای غیر قابل اجتناب به زیان جمهوری اسلامی تغییر خواهد داد.

جو حاکم بر کشور و انتظارات مردم و همچنین احتمال حمله دشمن به فاو، از جمله عواملی بود که ضمن تأکید بر ضرورت انجام عملیات، شرایط را نیز برای انجام آن تسهیل می‌کرد.

انتخاب منطقه

جبران ناکامی در عملیات کربلای ۴ و حفظ اوضاع کلی جنگ به سود جمهوری اسلامی و سایر مسائلی که در بحث ضرورت انجام عملیات مورد اشاره و تجزیه و تحلیل قرار گرفت، از عواملی بودند که در انتخاب منطقه عملیات مؤثر واقع شدند.

چیزی که اوضاع را به هنگام انتخاب منطقه عملیات پیچیده و دشوار می‌ساخت، این مسئله بود که در چنین شرایطی تنها انجام یک عملیات نمی‌توانست راهگشا باشد، بلکه در عین حال عملیات می‌بایست از شرط

تضمین پیروزی و همچنین شرایط و ویژگیهای لازم در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی نیز برخوردار باشد.

علاوه بر اینها، عوامل دیگری مانند «سرعت عمل» نیز نقش تعیین کننده داشت، بدین معنا که هر گونه عملیاتی علیه دشمن در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی در شرایطی قابل تحقق و امکان پذیر به نظر می رسید که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ به مورد اجرا گذاشته می شد. در غیر این صورت، جمهوری اسلامی زیانهای غیر قابل جبرانی را در مقابل این تأخیر متحمل می شد.

در چارچوب عوامل و شرایط یاد شده، نظر به موفقیت لشکر ۱۹ فجر تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل در منطقه پنج ضلعی (۱) و نزدیکی زمین این منطقه به منطقه عملیات کربلای ۴ و سهولت نقل و انتقال نیروها و امکانات و علاوه بر اینها ارزش سیاسی - نظامی آن و ویژگیهایی که این منطقه در صورت کسب پیروزی در حفظ برتری اوضاع به سود جمهوری اسلامی می توانست داشته باشد، منطقه شلمچه در همان نگاه اول مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر، گر چه به هنگام انتخاب منطقه نوعی اضطرار بر تصمیمات سایه افکنده بود، ولی این مسئله مانع از توجه به برخی از ابعاد

ص: ۱۱۰

۱- ۱۶۰. قابل توجه است که علیرغم هوشیاری دشمن در عملیات کربلای ۴ رزمندگان اسلام موفقیت های قابل توجهی را کسب کردند، از جمله شکستن خطوط دفاعی دشمن در منطقه پنج ضلعی شلمچه بود. به عبارت دیگر در حالی که دشمن نسبت به تاکتیک ویژه که مهم ترین مسئله در غافلگیری به حساب می آمد، هوشیار شده بود ولی رزمندگان توانستند نسبت به نقاطی که دشمن هوشیار نبود موفقیت کسب کنند مانند جبهه های شلمچه و جزیره قطعه. ضمن آنکه علیرغم بسته شدن تنگه و اختلال در اجرای تاکتیک ویژه، گروه هایی از رزمندگان از آتش دشمن عبور کرده و خود را به ساحل بلجانیه در جنوب اروند رساندند. ولی به علت اتکا عقبه عملیات به آب و عبور از تنگه و نیز به خاطر بروز جنگ سخت در جزایر ام الرصاص و بوارین، تصمیم به توقف عملیات گرفته شد.

ارزشمند زمین منطقه و تأثیرات قابل ملاحظه آن بر روند کلی جنگ به سود جمهوری اسلامی نبود، ضمن آنکه در هر صورت، کسب پیروزی به منظور جبران عملیات کربلای ۴ مورد نظر بود و این مهم با انجام یک عملیات محدود و یا در هر منطقه ای قابل تأمین نبود.

در اولین جلسه ای که در حضور فرماندهی عالی جنگ حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی برای تصمیم گیری در مورد انتخاب منطقه شلمچه برگزار شد، فرماندهان و طراحان نظامی سپاه بر عوامل زیر تأکید ورزیدند:

۱- پس از عملیات رمضان، تاکنون در این زمینه با دشمن جنگ گسترده ای انجام نداده ایم و لذا دشمن با توجه به ایجاد مستحکمترین مواضع پدافندی در این منطقه، در پیش بینی عملیاتی با این ابعاد ناتوان و در نتیجه آسیب پذیر خواهد بود.

۲- مواضع و استحکامات دشمن در شرق کانال ماهی جدید الاحداث است و لذا در هم شکستن آن و رخنه به سایر مواضع مستحکم دشمن امکان پذیر به نظر می رسد.

۳- تلاش نیروهای خودی در عملیات کربلای ۴ در منطقه پنج ضلعی با موفقیت همراه بوده است و قبل از ترمیم سنگرها و جاگیر شدن دشمن در این منطقه، کسب موفقیت امکان پذیر به نظر می رسد.

تأکید بر عوامل فوق به منظور اطمینان از کسب پیروزی و جبران گذشته نیز صورت می گرفت و این مسئله عمدتاً متأثر از سابقه ی چند عملیات انجام شده در منطقه شلمچه در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات کربلای ۵ بود که هیچ کدام موفقیت چندانی به همراه نداشت.

نظر به اهمیت منطقه بصره و نقش این ناحیه در اهداف سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر، دشمن زمین شرق بصره را کاملاً مسلح به انواع موانع استحکامات کرده بود، چنانکه با وجود تلاشهای

گوناگون در چند عملیات گذشته، هیچگونه پیشروی قابل ملاحظه ای در عمق استحکامات دشمن حاصل نشد. بنابراین، سوابق یاد شده و تردیدهای حاصل به گونه ای بود که ضرورتاً تأکید بر جوانب مثبت چنین عملیاتی را ایجاب می کرد.

طرح ریزی عملیات

در پی بحثهایی که پیرامون مانور عملیات صورت گرفت، با توجه به ۲۰۰ گردان نیروئی که سپاه در اختیار داشت، سرانجام کلیات طرح اولیه مانور مزبور به این شکل مشخص شد که یک تیپ در جناح شمالی عملیات بر روی پل (۱) عمل کند و یکی دیگر از یگانهای سپاه که از توانایی قابل توجهی برخوردار است بر روی جاده پاسگاه بوبیان وارد عمل شود تا بتواند با عبور از کانال پرورش ماهی، در غرب کانال به تصرف سر پل مبادرت نماید. در منطقه ی پنج ضلعی نیز چنین مقرر شد که با توجه به تجربه حاصله از عملیات کربلای ۴، سه یگان وارد عمل شوند.

تاکتیک ویژه در این عملیات حاصل طرحریزی و تأکید فرماندهی کل عملیات برادر محسن رضائی بود، بدین شکل که حرکت یگانها می بایستی از شمال به جنوب و قرار گرفتن در جهت مخالف مواضع و استحکامات دشمن انجام می شد. دشمن در این منطقه سمت اصلی هر نوع تحرک نظامی را عمدتاً تک جبهه ای با اتکا به جاده شلمچه و از سمت شرق به غرب پیش بینی می کرد، به همین دلیل کلیه استحکامات دشمن به سمت شرق گسترش یافته بود. لیکن تجربه عملیات کربلای ۴ و موفقیت لشکرهای ۱۹ فجر و ۵۷ ابوالفضل (ع) که از شمال به جنوب پیشروی کرده و در پشت

ص: ۱۱۲

استحکامات دشمن قرار گرفتند، موجب گردید در تدبیر کلی عملیات، بر عبور از کانال پرورش ماهی و پیشروی از شمال به جنوب، در پشت مواضع و استحکامات دشمن، تأکید شود.

در چارچوب این ابتکار عمل، استفاده از نفربر و خشایار برای ترابری نیرو و عبور از کانال پرورش ماهی و همچنین پاکسازی خطوط دشمن مورد تأکید قرار گرفت و اقدامات وسیعی برای استفاده از نفربر و نقل و انتقال آن به منطقه و نیز برگزاری مانور در کانال سلمان، انجام شد. در عین حال، ابهاماتی وجود داشت که طی جلسات متعددی با حضور فرماندهی عالی جنگ برطرف شد. (۱) و سرانجام تصمیم قطعی نسبت به انجام عملیات گسترده در شلمچه سپاه پاسداران و عملیات محدودی در منطقه غرب کشور توسط ارتش اتخاذ گردید. (۲).

با طرحریزی های به عمل آمده، سه قرارگاه مأمور اجرای عملیات شدند. قرارگاه کربلا مأموریت اصلی را با تصرف «جای پا» و فراهم سازی مقدمات عبور قرارگاه های قدس و نجف بر عهده داشت. یگانهای تحت امر قرارگاه شامل تیپ ۱۸ الغدیر در جناح شمالی منطقه، مأموریت داشت با ایجاد بریدگی بر روی سیلبندها و تأمین پل، جناح راست عملیات را تأمین نماید. لشکر ۳۳ المهدی (ع) مأموریت انجام عملیات بر روی پد بویان و پاسگاه بویان را بر عهده گرفت. در واقع تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ علاوه بر تأمین جناح راست عملیات، مأموریت تأمین عقبه کلی منطقه عملیاتی را برای عبور یگانها بر عهده داشتند.

ص: ۱۱۳

۱- ۱۶۲. به کتاب نبرد در شرق بصره رجوع شود.

۲- ۱۶۳. چنانکه پیش از این اشاره شد، ارتش و سپاه بعد از عملیات بدر در سال ۶۳ برابر تدبیر شورای عالی دفاع و نیز فرمانده عالی جنگ هر یک بطور جداگانه منطقه مورد نظر را انتخاب و برای تصویب پیشنهاد می کردند.

لشکر ۴۱ ثارالله مأموریت داشت تا بعد از پاکسازی جاده و پل دشمن، یک سر پل در غرب کانال ماهی ایجاد نماید. لشکر ۲۵ کربلا پس از تأمین سر پل از سوی لشکر ۴۱ ثارالله می بایست با عبور یگان از یگان (از طریق لشکر ۴۱ یا لشکر ۳۱) از داخل منطقه پنج ضلعی به سمت راست و پشت کانال ماهی رفته و سر پل را تأمین نماید. همچنین تصرف جای پا در پوزه کانال ماهیگیری - معروف به مثلثی - مأموریت مشترک لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۳۱ عاشورا بود. این امر به عنوان یک مسئله اساسی در باز شدن عقبه خشکی و عبور قرارگاه های قدس و نجف و نیز تثبیت سر پل غرب کانال پرورش ماهی، بخش اصلی مأموریت قرارگاه کربلا را تشکیل می داد. بنابراین قرارگاه کربلا با شش لشکر و دو تیپ سپاه مأموریت تصرف، پاکسازی و تأمین منطقه پنج ضلعی و غرب کانال پرورش ماهی را بر عهده داشت.

قرارگاه قدس مأموریت داشت پس از تصرف و تأمین جای پای اولیه توسط قرارگاه کربلا، با تحویل گرفتن خط، ابتدا با لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر ۸ نجف اشرف به پشت نهر دو عیجی پیشروی نماید و پس از آن لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و لشکر، ولیعصر (عج) و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) به سمت کانال زوجی پیشروی نمایند.

قرارگاه نجف نیز مأموریت داشت پس از تصرف و تأمین جای پای اولیه توسط قرارگاه کربلا، با تحویل خط در حد فاصل جنوب جاده شلمچه تا جزیره بوارین وارد عمل شده و جناح چپ منطقه را پاکسازی و تأمین نماید.

در مرحله ی اول عملیات قرار بود قرارگاه نجف همزمان با قرارگاه کربلا توسط لشکر ۲۱ امام رضا (ع) در قسمت شرقی بوارین وارد عمل شود و تیپ ۱۱۰ خاتم الانبیاء (ص) نیز به عنوان کمک پشتیبان آن عمل نماید.

در مرحله ی دوم نیز مقرر شد تا لشکرهای ۵ نصر و ۱۷

علی ابن ابیطالب (ع) و تیپ ۱۲ قائم همزمان با قرارگاه قدس در حدفاصل دژ کانال کوثر به قصد تصرف جنوب جاده شلمچه و جزیره بوارین وارد عمل شوند.

لشکر ۱۵۵ شهدا، لشکر ۱۰۵ قدس و تیپهای ۵۷ حضرت ابوالفضل و ۲۹ نبی اکرم در احتیاط قرارگاه نجف قرار داشتند.

قرارگاه نجف پس از مرحله ی دوم می بایستی جناح جنوبی عملیات را تأمین نماید تا قرارگاه قدس بتواند در عمق پیشروی نماید.

نظر به پیچیدگی مسئله عبور یگان از یگان و وابستگی پیشروی و موفقیت قرارگاه ها و یگانها به یکدیگر، در مورد هماهنگی قرارگاه ها بحثهای قابل ملاحظه ای صورت گرفت. همچنین در مورد «عبور و پشتیبانی» با توجه به «محدودیت عقبه» و احتمال هوشیاری دشمن و عدم موفقیت در شکستن خط، بحث و بررسی مفصلی صورت گرفت که سرانجام به تمرکز امکانات و ایجاد مدیریت متمرکز برای «تعیین ترتیب اولویت عبور گردانها» منتهی شد.

اقدامات مهندسی عملیات شامل احداث پد برای توپخانه، احداث و ترمیم و شن ریزی جاده ها، احداث سنگر و سوله و غیره نیز به طور جداگانه توسط قرارگاه ها پیگیری می شد. نظر به ضرورت سرعت عمل، کلیه دستگاه ها و ابزار و آلات مهندسی از کلیه مناطق جمع آوری و به طور متمرکز در این منطقه به کار گرفته شد.

به رغم تلاشهایی که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ آغاز و طی یک هفته به طور گسترده و جدی انجام شده بود، مجدداً طی مباحثی که در حضور فرماندهی عالی جنگ صورت گرفت، ابهاماتی که همچنان نسبت به میزان هوشیاری دشمن، مشکلات و پیچیدگیهای زمین منطقه و دشواریهای شکستن خط و پاکسازی و تصرف و تأمین منطقه وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت.

سرانجام پس از برگزاری یک جلسه پنج ساعته با کلیه مسئولین و فرماندهان قرارگاه ها و یگانهای سپاه، تصمیم نهائی برای انجام عملیات در ۲۴ ساعت بعد اتخاذ و ابلاغ شد. سپس برادر رضائی در آخرین جلسه با فرماندهان قرارگاه ها، علاوه بر تذکر برخی از مسائل، در مورد اجرای عملیات اظهار داشت:

«ما الان در وضعیتی هستیم که باید به سرعت بر خودمان غلبه کنیم تا از این وسوسه های جانبی خود را نجات بدهیم. اگر بخواهیم از خسارات بیشتر جلوگیری کنیم، فقط بایستی با تمام قدرت و با تمام قوا و قبول هر مسئله ای، خلجان هایی را که در فکر و افکارمان هست بیرون بریزیم. تنها راه حلی که برادران باید در نظر داشته باشند این است که با یک روحیه ایثارگرانه ای هم صداقتمان را به امام نشان بدهیم و هم انشاءالله به خداوند متعال نشان بدهیم و ثابت کنیم که ما واقعا برای آخرتمان می جنگیم و نه برای هیچ مسئله دیگری، و این را باید در عمل نشان بدهیم و شاید این میدان آزمایش بتواند ما را از بوته آزمایش سربلند بیرون بیاورد.» (۱).

بدین ترتیب سپاه که از مهرماه ۶۴ به طرحریزی عملیات فو مبادرت ورزیده و از بهمن ماه همان سال ضمن انجام پیچیده ترین و برجسته ترین عملیات نظامی در تاریخ جنگ، مهمترین پیروزی سیاسی - نظامی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورده بود و از آغاز سال ۶۵ نیز ضمن نبرد در فو برای تثبیت منطقه، با استراتژی دفاع متحرک عراق نیز مقابله گسترده نموده و سلسله عملیات کربلای ۱، ۲، ۳ و ۴ را طرحریزی و انجام داده بود، اکنون نظر به شرایط سیاسی - نظامی حاکم بر کشور و تدبیر حضرت امام مبنی بر «انجام و تداوم عملیات» با تمام قدرت و با توکل به خداوند تبارک و تعالی برای انجام عملیات کربلای ۵ آماده می شد. در واقع، در طول جنگ

ص: ۱۱۶

تحمیلی برای اولین بار چنین عملیات گسترده و پیچیده ای به این نحو و با این زمان کوتاه (۱۲ روز) توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و برای انجام آماده شده بود.

آغاز تهاجم به دشمن

در آستانه شروع عملیات، با توجه به محدودیت زمان، آخرین اقدامات شامل جابجائی و نقل و انتقالات نیروها و امکانات، تکمیل بحث مانور عملیات و غیره انجام گرفت و توپخانه و زرهی نسبت به مأموریت اصلی و گره های مواصلاتی برای اجرای آتش و مانور توجیه شدند.

در این شرایط توجه به تجارب عملیات کربلای ۴، ابهام نسبت به میزان هوشیاری دشمن موجب گردیده بود که کلیه تحرکات دشمن تا قبل از آغاز درگیری کنترل شود. اجرای آتش کاتیوشا در داخل حوضچه (۱) لشکر ۴۱ ثارالله و صدمات وارده منجر به افزایش حساسیتها شد. از سوی دیگر، افزایش تردد خودروهای دشمن به سمت منطقه فاو، این تصور را دشمن قصد حمله به فاو را دارد، تقویت کرد، ولی همچنان نسبت به میزان هوشیاری دشمن در منطقه شلمچه ابهام و تردید وجود داشت و هیچ گونه نتیجه ی مشخص ارائه نمی شد.

در این حالت، نیروهای عمل کننده در انتظار صدور فرمان حمله از سوی فرماندهی کل صحنه نبرد در شرق بصره بودند. با توجه به نور مهتاب، ساعت درگیری با دشمن ۲ بامداد روز ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵ تعیین شده بود، لیکن نظر به محدودیت زمان برای شکستن خط و پاکسازی و تثبیت آن، چنین مقرر شد که نیروها با استفاده از نور مهتاب حرکت کنند و در پشت مواضع دشمن در

ص: ۱۱۷

انتظار صدور فرمان حمله باشند.

پس از نیمه شب، در حالی که نور مهتاب کاملاً منطقه را روشن کرده بود، درگیری در برخی محورها آغاز شد. پیدایش این وضعیت بر اضطراب و نگرانی مبنی بر هوشیاری دشمن افزود. با اینکه تا غروب نور مهتاب هنوز زمان زیادی باقیمانده بود، از سوی فرمانده صحنه نبرد، برادر محسن رضائی، در ساعت ۱ / ۳۵ بامداد فرمان حمله صادر شد و بدین ترتیب رزمندگان بسیج و سپاه یورش خود را به عظیم ترین و پیچیده ترین استحکامات دشمن در شرق بصره آغاز کردند.

خبرهای واصله به قرارگاه که حاکی از پیشروی یگانها در محورهای مختلف و شکسته شدن خط دشمن بود، اطمینان لازم را نسبت به غافلگیری دشمن به وجود آورد کلیه ابهامات مبنی بر عدم امکان شکسته شدن خطوط دشمن را نیز برطرف کرد.

متعاقب کسب اطمینان از درهم شکسته شدن خطوط دشمن، تلاش برای «پاکسازی»، «الحاق» و «تثیت» آغاز شد، در این میان چون الحاق لشکر ۲۵ کربلا به لشکر ۳۱ عاشورا نقش تعیین کننده ای در تصرف پوزه کانال پرورش ماهی و باز شدن عقبه خشکی نیروهای عبور کننده از کانال داشت، مورد تأکید قرار گرفت. همچنین الحاق لشکر ۱۹ فجر و لشکر ۳۱ عاشورا در منطقه پنج ضلعی نیز حائز اهمیت بوده و مورد توجه قرار داشت و ضرورت پاکسازی قرارگاه تیپ دشمن در منطقه پنج ضلعی، همواره به یگانهای عمل کننده در منطقه گوشزد می شد.

در واقع الحاق یگانهای محور پنج ضلعی و محور کانال ماهی و نیز شکستن مقاومت دشمن در مقر فرمانده تیپ در پنج ضلعی دو مسئله اساسی بود که فرمانده قرارگاه کربلا- می بایست تدابیر لازم را برای حل آن اتخاذ می کرد. علاوه بر آن، منطقه جناح راست عملیات نیز می بایست تثیت گردد.

ص: ۱۱۸

متعاقب آغاز درگیری و در هم شکستن خطوط دشمن، قطعی و مسجل شد که دشمن نسبت به زمان، مکان و تاکتیک حمله غافلگیر شده است. البته دشمن در منطقه پنج ضلعی و بوارین به خاطر تهاجم نیروهای اسلام در عملیات کربلای ۴ به این منطقه، به طور نسبی هوشیار بود.

در واقع دشمن پس از عملیات کربلای ۴ بر اساس این تحلیل که جمهوری اسلامی فعلا قادر به انجام عملیات نمی باشد. اساسا توجه خود را به باز پس گیری فاو معطوف کرده بود. عراقیها چنین تصور می کردند که علاوه بر اینکه جمهوری اسلامی تحت شرایط روحی و روانی حاصله از ناکامی عملیات کربلای ۴ فاقد توانایی برای انجام عملیات می باشد، در برابر یک تهاجم سنگین در منطقه فاو نیز قادر به مقاومت نخواهد بود. در چارچوب این تحلیل، تلاشهای گسترده دشمن بویژه جابه جایی و انتقال نیرو و توپخانه اش به فاو، تماما نشانه ی آمادگی آن برای حمله بود. لیکن آغاز عملیات در منطقه کربلای ۵ در مقیاس گسترده و موفقیت در شکستن خطوط واستحکامات دشمن موجب گردید عملیات در فاو متنفی و تدریجا نیرو و امکانات دشمن به منطقه شرق بصره منتقل شود.

در واقع دشمن ضمن غافلگیر شدن نسبت به عملیات خودی در شرق بصره از نظر زمان و مکان، در مورد تاکتیک ویژه عملیات که عمدتا معطوف به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی بو حرکت از شمال به جنوب در پشت مواضع اش بود، غافلگیر شد.

بنابراین، دشمن از نظر زمان دچار عقب ماندگی شد و همین وضعیت نهایتا موقعیتی را فراهم آورد که ادامه نبرد در منطقه شرق نهر جام و پنج ضلعی را برایش دشوار کرد و انهدام قوای نظامی آن را به دنبال داشت.

(شرق بصره منطقه عمومی شلمچه و تنومه)

محورهای اصلی تلاشهای قرارگاه کربلا برای تصرف منطقه مورد نظر و تأمین جای پا و فراهم کردن شرایط برای تثبیت منطقه و همچنین تحویل خط به قرارگاه های قدس و نجف اشرف، شامل خروج از منطقه پنج ضلعی، تثبیت سر پل غرب کانال پرورش ماهی و باز نمودن جاده شلمچه بود.

تلاشها و تدابیر قرارگاه معطوف بر این بود که جناح راست منطقه عملیات توسط تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ المهدی (عج) تثبیت شود و سر پل غرب کانال پرورش ماهی با الحاق لشکر ۴۱ ثارالله و لشکر ۲۵ کربلا تأمین گردد. همچنین برای خروج از پنج ضلعی، علاوه بر تلاش برای پاکسازی مقر تیپ دشمن در منطقه و الحاق لشکر ۱۹ فجر و ۳۱ عاشورا، نسبت به الحاق لشکر ۳۱ با لشکر ۲۵ در مثلی پوزه کانال پرورش ماهی، نیز تأکید می شد، زیرا این مسأله می توانست علاوه بر باز شدن عقبه خشکی نیروهای غرب کانال پرورش ماهی، شرایط را برای پیشروی در عمق توسط قرارگاه قدس با تأمین جناح راست این قرارگاه فراهم نماید. همچنین باز نمودن جاده شلمچه توسط لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ص) که شرایط را برای عبور دو قرارگاه قدس و نجف فراهم می شد. فشارهای دشمن ابتدا معطوف به بازپس گیری منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی با تأکید بیه جناح راست منطقه عملیات و به منطقه سر پل بود. مقاومت مقر تیپ دشمن در منطقه پنج ضلعی و مقابله با الحاق لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۲۵ کربلا در پوزه کانال ماهی نیز بدین منظور انجام می گرفت که دشمن با ایجاد تأخیر در این الحاق در پوزه کانال بتواند با پاکسازی منطقه سر پل و عقب

راندن نیروها از این منطقه، گسترش عملیات را مهار نماید.

مرحله ی دوم عملیات با وارد کردن قرارگاه قدس و نجف به منظور تشدید فشار به دشمن برای باز شدن جاده شلمچه و توسعه عملیات آغاز شد. در این مرحله دشمن بر خلاف مرحله ی اول عملیات که نسبت به تاکتیک و زمان و مکان غافلگیر شده بود، کاملاً نسبت به سمت اصلی تک هوشیار بود و علاوه بر این نیروهای خودی نیز طی ۲۴ ساعت درگیری مداوم با دشمن تا اندازه ای خسته به نظر می رسیدند. به همین دلیل، اهداف مورد نظر تأمین نشد. همچنین افزایش فشار دشمن در روز دوم و ناکامی در مرحله ی دوم موجب گردید تا نسبت به پشتیبانی عملیات توسط نیروی هوایی و هوانیروز اقدام شود.

ادامه مقاومت در غرب کانال پرورش ماهی و تلاش برای خروج از پنج ضلعی و باز شدن جاده شلمچه، همچنان در تدبیر و تداوم عملیات مورد نظر بود. در این شرایط فشار دشمن در غرب کانال پرورش ماهی شدیداً افزایش پیدا کرده بود، زیرا دشمن امیدوار بود که با عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سرپل، از توسعه و تعمیق عملیات ممانعت کند. از روز دوم عملیات به بعد، با انتقال امکانات و نیروهای دشمن از منطقه فاو و افزایش بمباران شدید شد - به گونه ای که مرتباً از سوی فرماندهی قرارگاه، خاتم الانبیاء (ص) نسبت به تأمین پدافند منطقه پیگیری و تلاش می شد.

در واقع، تشدید فشارهای دشمن و عدم پیشروی به سمت اهداف مورد نظر کلیه دستاوردهای مرحله اول عملیات را نیز در معرض تهدید قرار داده بود. در شب سوم، عملیات در شرایط حساس و سرنوشت سازی قرار گرفت.

خبرهای واصله به قرارگاه تا اندازه ای امیدوارکننده به نظر می رسید،

چنانکه الحاق شکر ۲۵ کربلا و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در غرب کانال پرورش ماهی، این امیدواری را به وجود آورد که با توجه به موفقیت یگانهای یاد شده در غرب کانال، سر پل در برابر فشارهای دشمن تثبیت شود.

باز شدن جاده شلمچه و فراهم شدن زمینه ورود قرارگاه قدس و نجف به منطقه، بویژه پیشروی لشکر ۸ نجف و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از قرارگاه قدس نیز این امکان را به وجود آورد که با توسعه وضعیت از تمرکز فشار دشمن در برخی محورها از جمله در منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی کاسته شود.

پیشروی در منطقه قرارگاه نجف گرچه با کندی صورت می گرفت، ولی این امکان را به وجود آورد که با پیشروی تدریجی در منطقه جنوب عملیات، جناح چپ قرارگاه قدس تأمین شود.

همچنین جناح راست منطقه عملیات توسط قرارگاه کربلا تثبیت و چنین تدبیر شد که با اقدامات مهندسی از هر گونه پیشروی دشمن ممانعت به عمل آید تا عقبه یگانهای مستقر در غرب کانال پرورش ماهی از هر گونه تهدید مصون و در امان باشند.

در عین حال در شب چهارم مجدداً به منظور تکمیل اهداف عملیات شب سوم، همان مانور دنبال شد. از این پس با توجه به وضعیت کلی عملیات، تلاش اصلی بر روی قرارگاه های قدس و نجف متمرکز گردید. ورود لشکر ۵ نصر به جزیره بوارین و در هم شکستن استحکامات و مواضع دشمن بخشی از موفقیت‌های حاصله بود.

افزایش حضور نیروهای دشمن در منطقه قال توجه بود:

۱ - ۴۱ الی ۴۷ گردان پیاده کماندوئی نیروهای مخصوص (جمعا حدود ۳۰۰۰۰ نیروی پیاده)

ص: ۱۲۲

۲ - ۲۵ الی ۲۸ گردان زرهی و مکانیزه (در حدود ۱۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر)

۳ - ۲۰ الی ۲۵ گردان توپخانه (جمعا ۳۶۰ قبضه توپ)

با افزایش نیروی دشمن در منطقه و تشدید فشار روی عقبه ها توسط حملات گسترده هوایی و شیمیایی، فرماندهی کل عملیات برادر رضائی طی تماس با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، ضمن درخواست مجدد در مورد افزایش پشتیبانی عملیات توسط برادران نیروی هوایی و هوانیروز ارتش، نسبت به انجام عملیات توسط ارتش در غرب کشور (۱) به منظور بازداشتن دشمن از انتقال نیرو به جنوب نیز تأکید شد.

طی درگیریهای شب و روز پنجم، گرچه اهداف مورد نظر کاملا تحقق نیافت، لیکن ناتوانی دشمن از عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سر پل غرب کانال پرورش ماهی و ممانعت از پیشروی در جاده شلمچه، نشانه ای از امیدواری نسبت به تثبیت منطقه بود.

«اقدامات مهندسی» و «آتش» دو مسئله ای بود که برای تثبیت منطقه متصرفه و پیشروی مورد نیاز بود. پیچیدگی زمین، وجود موانع طبیعی، مقاومت دشمن و سایر عوامل موجب گردیده بود تا پیشروی در محورهای مختلف با کندی همراه باشد. بنابراین، در تدبیر کلی عملیات تأکید بر اقدامات مهندسی به منظور تثبیت منطقه و همچنین استفاده از آتش برای در هم کوبیدن مقاومت دشمن، مورد توجه قرار گرفت، بدین صورت که آتش

ص: ۱۲۳

۱- ۱۶۶. برادران ارتش قرار بود ۳ روز پس از عملیات کربلای ۴ توسط سپاه در منطقه جنوب، در منطقه سومار واقع در غرب کشور مبادرت به حمله نماید که توقف عملیات کربلای ۴، مانع از انجام آن شد. با انتخاب منطقه شلمچه مجددا قرار شد ۳ روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵ توسط سپاه در منطقه شلمچه واقع در غرب کشور، برادران ارتش همان عملیات قبلی را شروع کنند که متأسفانه این عملیات در موعد مقرر انجام نشد.

به طور متمرکز برای تطبیق، تحت امر مسئول توپخانه سپاه قرار گرفت تا مأموریت واگذاری مبنی بر تمرکز آتش در جناح راست عملیات، مناطق کلیدی و حساس و عمل کلی برای جوابگویی به آتش دشمن را به نحو مطلوب اجرا نماید. از این پس تلاش اصلی در محور قرارگاه نجف بود که پس از تصرف جزیره بوارین به علت عدم پاکسازی کامل هنوز تثبیت نشده بود. در واقع، تأمین این جزیره به منزله ی تأمین جناح چپ منطقه عملیات محسوب می شد.

طی شب و روز ششم و هفتم علاوه بر پیشروی در برخی محورها، تلاش قابل ملاحظه ای نسبت به دفع حملات دشمن در غرب کانال پرورش ماهی انجام گرفت. تشدید فشار دشمن و خبرهای واصله مبنی بر برگزاری جلسه فرماندهان ارتش عراق، این شایعه را تقویت کید که دشمن در آستانه «تصمیم گیری اساسی» می باشد. در واقع تلاشهای دشمن طی چند روز گذشته و ناکامی در عقب زدن نیروهای اسلام و یا متوقف نمودن آنها نشانه ی ناتوانی دشمن ارزیابی می شد. در چنین شرایطی رژیم عراق می بایستی با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه، نسبت به بازپس گیری آن تلاش نموده، تلفات انبوه را متحمل شود و یا اینکه «حفظ نیرو» ترجیح داده و مبادرت به عقب نشینی نماید.

سرانجام پس از هشت شبانه روز نبرد در منطقه شرق نهر جاسم، دشمن به لحاظ ناتوانی از مقابله با تهاجمات نیروهای اسلام و تلفات وارده، به خاطر حفظ نیروهایش از منطقه شرق نهر جاسم عقب نشینی کرد. (۱) با پیدایش شرایط

ص: ۱۲۴

۱ - ۱۶۷. برادر رشید (معاونت عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء) طی تحلیلی در مورد حرکت دشمن اظهار داشت: عراق بین «زمین» و «نیرو»، حفظ نیرو را انتخاب کرده است. (گزارش قرارگاه خاتم الانبیاء، فروردین ۶۶، اسناد مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران).

جدید برادر رضائی فرمانده کل عملیات به خاطر تسریع در پیشروی نیروها و تعقیب دشمن، پیام حضرت امام (قدس سره) را توسط بیسیم برای نیروها قرائت نمود:

«از خداوند متعال پیروزی نهائی رزمندگان عزیز را خواستارم، عزیزان من بکوشید خداوند تعالی با شماست و اینجانب دست و بازوی شما را می بوسم. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.» (۱).

توقف عملیات

ضرورت تعقیب دشمن و پیشروی در عمق منطقه شرق بصره، تداوم عملیات را به عنوان یک اصل اساسی مورد تأکید قرار می داد. ادامه فشار نظامی بر عراق می توانست بر دستاوردهای عملیات و کسب امتیاز و پیروزی سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ بیفزاید.

لازمه ادامه عملیات پشتیبانی فوق العاده سپاه پاسداران بود، زیرا سه ماه درگیری مداوم با دشمن (از زمان آمادگی برای عملیات کربلای ۴) سپاه را در امر نیروی انسانی، آتش پشتیبانی، پدافند هوایی و سایر لوازم و تجهیزات دچار مشکلاتی کرده بود. با توجه به امکان تأمین برخی از نیازمندیها توسط ارتش (۲) ناچار پیشنهادهایی به حضور فرماندهی کل قوا ارائه گردید که مورد موافقت قرار گرفت و حضرت امام (ره) دستورات لازم مبنی بر واگذاری امکانات به سپاه را صادر فرمودند.

عدم تأمین امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای ادامه عملیات مورد نیاز برای ادامه عملیات از یکسو و

ص: ۱۲۵

-
- ۱- ۱۶۸. سند شماره ۶۶۱ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات کربلای ۵، قرارگاه خاتم الانبیاء.
 - ۲- ۱۶۹. قابل ذکر است که عملیات کربلای ۶، روز ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵ در منطقه سومار توسط ارتش آغاز شد و در همین روز پایان یافت که با توجه به عدم الفتح این عملیات و آزاد شدن یگانها و امکانات ارتش، سپاه پیشنهاد فوق را ارائه داد.

عکس العمل شدید دشمن از شب دهم عملیات به بعد، از سوی دیگر، باعث شد با وجود یک هفته درگیری در غرب نهرجاسم و تصرف سرپل در این قسمت، تصمیم به توقف عملیات گرفته شود تا یگانهای سپاه پس از بازسازی و تهیه و جایگزینی امکانات مورد نیاز به ادامه نبرد مبادرت نمایند. (۱).

بازتاب عملیات کربلای ۵

زمان آغاز عملیات کربلای ۵، زمین با ارزش شرق بصره و پیشروی در عمق استحکامات دشمن، مجموعه‌ی عواملی بودند که عمیقاً بر اهمیت عملیات کربلای ۵ در ابعاد سیاسی، نظامی و تبلیغاتی افزودند. در شرایطی که عراق تبلیغات نسبتاً وسیع و گسترده‌ای را مبنی بر شکست ایران، سازماندهی و اجرا می‌کرد و از سوی دیگر برای بازپس‌گیری فاو آماده می‌شد، انجام عملیات کربلای ۵ به منزله وارد ساختن یک شوک بر پیکر ارتش عراق و رژیم این کشور بود. مهمتر از امتیازات و ویژگیهای قابل ملاحظه برای کسب برتری ایران و خاتمه بخشیدن به جنگ برخوردار بود، ضمن اینکه استحکامات دشمن در منطقه از سال ۶۱ و پس از فتح خرمشهر کاملاً تقویت شده بود، به گونه‌ای که عبور از آنها غیر ممکن به نظر می‌رسید.

بنابراین، شکستن خطوط و استحکامات دشمن و پیشروی در زمین شرق بصره، تواناییها و قابلیت‌های نظامی عراق را مجدداً پس از فتح فاو زیر سؤال قرار داد، چنانکه روزنامه آبرور چاپ پاریس به نقل از کارشناسان غربی چنین نوشت:

ص: ۱۲۶

«برای اولین بار از آغاز جنگ تاکنون، ناظران و کارشناسان غربی در مورد امکانات دفاعی عراق دچار تردید شده اند.» (۱).

همچنین تأکید بر قابلیت نظامی ایران، بخش دیگری از تحلیلهای ارائه شده در رسانه های خبری بود، چنانکه رادیو بی.بی.سی طی تحلیلی در همین زمینه، با توجه به تجربه سپاه در عملیات فاو و عبور از رودخانه اروند، ضمن اشاره به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی در عملیات کربلای ۵ گفت:

«موفقیت ایران در عبور از دریاچه ماهی، یکبار دیگر توانایی ایران در عبور از آبراهها را نشان می دهد.» (۲).

هفته نامه نیوزویک نیز با توجه به ابعاد عملیات، ضمن تأکید بر پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵، بر شرایط پیروزی ایران بر عراق اشاره کرد:

«تهاجم ایرانیها در نزدیکی بصره، حداقل یک چیز را در خصوص چنگ ایران و عراق تغییر داده و آن این مسئله است که برای اولین بار طی این چند سال، این احتمال را که یک طرف حقیقتاً بر دیگری پیروز شود، مطرح ساخته است.» (۳).

هفته نامه اکسپرس با توجه به احتمال سقوط صدام، به نقل از یک کارشناس انگلیسی در امور خاورمیانه نوشت:

«اگر ایرانیان به بصره نزدیک شوند، وقوع سقوط روحی و روانی در بغداد دور از احتمال نیست.» (۴).

به لحاظ اهمیت زمین شرق بصره، کارشناسان محافل سیاسی - نظامی علاوه بر تأیید پیروزی ایران، ضمن تأکید بر تأثیر روحی و روانی ناشی از این پیروزی بر رژیم عراق، احتمال سقوط صدام در صوت تداوم پیشروی در این زمین را نیز مورد اشاره و تأکید قرار دادند.

ص: ۱۲۷

۱- ۱۷۱. روزنامه رسالت، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

۲- ۱۷۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو بی.بی.سی ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۳- ۱۷۳. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۲۲۰، ۴ / ۱۲ / ۱۳۶۵، نیوزویک چاپ سوئیس.

۴- ۱۷۴. روزنامه رسالت، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی.

در واقع، با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین شرق بصره و قابلیت زمین این منطقه برای تداوم عملیات، به نظر می رسد آنچه که به عنوان عملیات سرنوشت ساز مطرح می شد با تداوم عملیات در شرق بصره تحقق یابد. در چارچوب همین تحلیل، تداوم عملیات در غرب نهر جاسم طرحریزی و اجرا شد.

ص: ۱۲۸

عملیات کربلای ۸

اگر چه عملیات کربلای ۵ و آثار و نتایج آن توانست موقعیت مطلوبی را پس از عملیات کربلای ۴ به وجود آورد، لیکن به دلیل عدم انهدام کامل قوای نظامی عراق در منطقه شرق بصره، مجدداً انجام عملیات و انتخاب منطقه مناسب در دستور کار قرار گرفت.

نظر به شرایطی که سرانجام منتهی به طرحریزی و اجرای عملیات کربلای ۴ و پس از آن عملیات کربلای ۵ شد «انتخاب منطقه عملیات» تا اندازه ای دشوار و پیچیده بود، زیرا برخورداری از ابتکار عمل در جنگ و «رعایت اصل غافلگیری» در تاکتیک و زمان و مکان به عنوان بخشی از عوامل اساسی در کسب پیروزی، تدریجاً صعب و دشوار می نمایاند. چنانکه طی یک روند طولانی، ابتکار عمل در منطقه هور با انجام عملیات خیبر و بدر به پایان رسید و پس از آن ابتکار عمل در منطقه فاو پس از عبور از رودخانه اروند و انجام عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ به پایان آمد.

عملیات کربلای ۵ در شرایطی انجام گرفت که عملاً سپاه برای انتخاب منطقه

عملیات با توجه به شرایط سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی تعیین کننده، وضعیت دشواری را فرا روی خود داشت، بدین معنا که با توجه به ضرورت انجام عملیات می بایستی «منطقه انتخابی» و ابعاد عملیات و دستاوردهای آن از ویژگیهای تأمین اهداف سیاسی و نظامی جنگ، در آن مقطع زمانی، برخوردار می بود.

سرانجام پس از بحث و بررسیهایی که صورت گرفت، منطقه شرق بصره که دارای ارزش استراتژیک بود، با توجه به ضرورت تعجیل در انجام عملیات، انتخاب گردید. چون یگانهای خودی پای کار بودند و نیاز به نقل و انتقال گسترده وجود نداشت و در ضمن عمده مواضع و استحکامات دشمن در شرق نهر جاسم نیز درهم کوبیده شده بود.

در چارچوب تدبیر جدید، سپاه پاسداران تلاشهای گسترده ای را به منظور تأمین نیازمندیهای مورد نظر آغاز کرد در حالی که پس از سه ماه سازماندهی، درگیری و اجرای دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و ۵، امکانات عملیات بزرگ را از دست داده بود. چنین پیش بینی می شد که در این منطقه با توجه به استحکامات و هوشیاری نسبی دشمن نسبت به سمت تک رزمندگان، لازمه هر گونه پیشروی، برخورداری از «نیروی زرهی»، «آتش» و همچنین «پدافند هوایی» می باشد. به هر صورت، متعاقب پیگیریهایی که انجام گرفت بخشی از نیازمندیهای سپاه پاسداران برای اجرای عملیات تأمین شد.

وضعیت خودی و دشمن

سپاه ابتدا در نظر داشت طی چند عملیات محدود، به صورت تدریجی خطوط منطقه متصرفه را با رسیدن به کانال زوجی اصلاح و تکمیل نماید،

ص: ۱۳۰

لیکن با توجه به موانعی که وجود داشت، عملیات کربلای ۸ طرح‌ریزی شد.

در توضیح وضعیت کلی قبل از این عملیات، ذکر چند مسأله ضروریست که ذیلاً به ترتیب به آنها اشاره می‌شود.

۱- مشکل نیرو

علیرغم نیاز مبرمی که به جذب و سازماندهی نیرو برای عملیات وجود داشت، طرح اعزام سپاه یکصد هزار نفری حضرت (عج) با موفقیت مورد انتظار مواجه نشد. در این میان عوامل مؤثری در پیدایش وضعیت یاد شده دخیل بود، از جمله:

- فاصله‌ی نزدیک زمانی بسیج سپاه یکصد هزار نفری حضرت محمد (ص) و همچنین انجام دو عملیات کربلای ۴ و ۵ تقریباً بدون فاصله و در نتیجه پراکندگی نیروهای عملیاتی.

- فرارسیدن تعطیلات طولانی نوروز بویژه پس از یک سلسله عملیات طولانی.

- تغییر فصل: قشر وسیعی از نیروهای داوطلب کشاورزان بودند که عمدتاً در فصل پائیز و زمستان جذب نیروهای نبرد می‌شدند. تغییر فصل و فرارسیدن زمان کشت و کار نیز از موانع جذب نیروی کافی در این مقطع شمرده می‌شد.

- تغییر شعارها: تأثیر روانی عدم تعیین سرنوشت جنگ و تغییر شعار «جنگ سرنوشت» در کربلای ۵ و ایجاد ابهاماتی ناشی از عدم تحقق شعارهای سال ۶۵ و ادامه جنگ در سال ۶۶ موجب گردید قسمتی از نیروها توجه لازم را به جبهه‌ها ننمایند.

۲- تلاش‌های مهندسی

در حد فاصل زمانی ۱۳۶۵/۱۲/۳ تا ۱۳۶۶/۱/۱۷ به رغم آنکه آتش حجیم

ص: ۱۳۱

و گسترده دشمن مانع از کار مهندسی بود، لیکن تلاشهای قابل توجهی صورت گرفت که عبارت بودند از:

- دو جداره کردن جاده ها برای مصونیت از آتش دشمن.

- احداث دو پل بر روی کانال ماهی (در قسمت انتهای آن).

- احداث دو جاده در عقبه منتهی به جاده شلمچه.

- استقرار یگانها و تحکیم مواضع و احداث سنگرهای انفرادی و اجتماعی.

البته اقدامات یاد شده در مقایسه با فعالیتهای دشمن چشمگیر نبود، لیکن با توجه به آتش دشمن و نیز کمبود وسایل و امکانات مهندسی قابل توجه بود.

۳- تسلیح زمین:

بر خلاف تدابیر قبلی مبنی بر آنکه با تداوم عملیات به دشمن فرصت لازم برای افزایش استحکامات و بازسازی نیرو داده نشود، دشمن به لحاظ اهمیت زمین منطقه و احساس تهدید نسبت به پیشروی نیروهای خودی به سمت کانال زوجی، طی فرصتی که به طور طبیعی به دست آورد، در کمترین زمان بیشترین استحکامات را به شرح زیر در منطقه ایجاد کرد:

- بین خط نهر جاسم تا کانال زوجی را که حدود ۵ کیلومتر می باشد به خطوط متوالی پدافندی مجهز نمود. به نحوی که از نهر جاسم تا کانال زوجی ۷ تا ۱۰ خط پدافندی متوالی تشکیل داد. هر یک از این خطوط مستقلا دارای سیلند یا خاکریز، جاده تدارکاتی، سنگرهای پدافندی و استراحت نیرو، موانع مختلط متشکل از سیمهای خاردار و میادین مین ضد نفر و ضد تانک و کانالهای مواصلاتی نفرات پیاده، سکوهای تانک و سلاحهای پدافندی بود که در صورت احتمال حمله رزمندگان اسلام، این خطوط از

ص: ۱۳۲

نیروهای پدافندی پر می شدند.

- احداث یک پل جدید روی کانال زوجی.

- احداث جاده های جدید و ترمیم کلیه جاده های عقبه جهت تدارک بیشتر نیروهای خود.

- احداث سیلبندهای جدید در کانال ماهی و منطقه آبگرفتگی بین پاسگاه بویان تا زید.

با توجه به تجارب گذشته جنگ، خاکریزهایی که دشمن در منطقه احداث کرد ظاهرا نامعقول به نظر می رسید، بدین معنی که دشمن همزمان با عملیات رمضان و پس از آن عمدتاً سعی می کرد عارضه ای در زمین ایجاد نکند که نیروهای اسلام قادر به بهره گیری از آن برای پدافند باشند. لذا از آن به بعد، احداث کانال از عمده ترین اقدامات مهندسی دشمن بود، چنانکه در مناطق عملیاتی والفجر مقدماتی و الفجر ۱ و سپس در منطقه رمضان، با به کارگیری این تجربه توانست به طور مؤثری از پیشروی نیروهای اسلام جلوگیری به عمل آورد.

دشمن با نزدیک ساختن خاکریز خط تماس خود با خاکریز قوای مقابل، عملاً تحرکات رزمندگان را زیر نظر داشت و با ایجاد خطوط متوالی، از برداشتن گامهای بلند در پیشروی و نیز مانور زرهی ممانعت می کرد. علاوه بر این، مواضع نیم دایره شکلی که دشمن در پشت خاکریز بر روی گره های مواصلاتی ایجاد کرده بود، امکان اجرای آتش مناسب برای حفظ خط را به دشمن می داد. همچنین در صورت تصرف خاکریز توسط نیروهای اسلام، دشمن از امکان مناسبی برای پاتک و بازپس گیری مجدد خط برخوردار بود و از سمتهای مختلف از نیروهای مهاجم جناح می گرفت. در نتیجه برای این نیروها که به علت حجم گسترده آتش دشمن فاقد امکان کار مهندسی بودند، بهره گیری کامل از خاکریزهای دشمن، وجود نداشت و این مسئله نگهداری

ص: ۱۳۳

خط را پس از تصرف با مشکل مواجه می کرد.

۴- بازسازی نیرو

اهمیت بازسازی نیرو برای دشمن در صورتی مشخص می شود که علاوه بر بیان میزان انهدام ارتش عراق در دو عملیات کربلای ۴ و ۵، به احساس خطری هم که دشمن نسبت به تهاجم رزمندگان داشت، اشاره می شود.

در دو عملیات کربلای ۴ و ۵، ۶۰ تیپ دشمن به طور کامل و بیش از ۷۰ تیپ بیشتر از ۵۰٪ منهدم شدند. دشمن بنا به وضع موجود، از هفته دوم عملیات کربلای ۵، پس از عقب نشینی به غرب نهر جاسم تلاش قابل توجهی را برای بازسازی یگانها و جایگزینی امکانات منهدم شده آغاز کرد.

در زمینه کادر، با انتقال افسران از عقبه ها و پادگانها به مناطق عملیاتی و کوتاه ماندن آموزشها، نسبت به جایگزینی افسران اقدام نمود. در مورد درجه داران و سربازان نیز با احضار متولدین ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ش) و باقیماندهگان ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ش) و آموزش سریع ۴۵ روزه آنها و گرفتن نیرو از شهربانی و همچنین یگانهای غیر درگیر، به جایگزینی نیروهای مزبور اقدام نمود.

ارتش عراق در مورد امکانات هم با بازسازی تجهیزاتی که قابل بازسازی و تعمیر بودند و هم با ارسال وسایل جدید، نسبت به جایگزینی تقریبی تمام چیزهایی که یگانهایش از دست داده بودند، اقدام نمود. مجموعاً در آغاز عملیات کربلای ۸، دشمن در بازسازی کمی یگانهای ضربه دیده تا حدود ۷۰٪ موفق بود.

۵- استعداد و آرایش دشمن در منطقه عملیاتی

دشمن در منطقه عملیاتی به شرح زیر گسترش داشت:

ص: ۱۳۴

- لشکر ۸ پیاده (شامل تیپهای ۴۱۸ و ۴۳۱ پیاده) در منطقه شرق کانال ماهی تا بویان.

- لشکر ۲۸ پیاده (شامل تیپهای ۷۹ و ۴۳۸ پیاده) در غرب کانال ماهی و غرب کانال زوجی.

- لشکر ۵ مکانیزه (شامل تیپهای ۱۰۳، ۱۱۷، ۲۹، ۱۰۸ پیاده، ۲۷ مکانیزه، تیپ کماندویی سپاه ۷ و یک گردان تانک از تیپ ۲۶) در غرب کانال ماهی و شرق کانال زوجی تا سیلند شاهد. (۱).

- لشکر ۱۹ پیاده (شامل تیپهای ۴۲۱، ۴۴۳، ۹۳، ۵۰۵، ۱۴، ۱۰۶، ۲ و ۴۲۸ پیاده و یک تیپ زرهی مختلط) از سیلند صوئیب تا شمال جاده شلمچه به بصره.

- لشکر ۱۱ پیاده (شامل تیپهای ۲۲، ۲۳، ۴۷، ۴۵، ۵۰۳، ۴۳۵ پیاده) از جاده شلمچه تا ارونند صغیر.

- لشکر ۳۲ پیاده (شامل تیپهای ۱۱۹، ۸۰۵، ۵ پیاده) در جزایر صالحیه در مجموع دشمن با استقرار ۲۸ تیپ پیاده و ۳ تیپ زرهی و مکانیزه در منطقه عملیاتی، خطوط اول و دوم را پدافند می نمود.

- علاوه بر اینها، لشکر ۱۰ زرهی با ۱۰ تیپ در احتیاط منطقه عملیاتی بود که در نشوه و زید استقرار داشت. ضمن اینکه ۱۵ تیپ پیاده گارد نیروی مخصوص نیز در احتیاط قرار داشتند.

کلیات طرح مانور

پس از عملیات تکمیلی ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۵ که تا ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۵ به طول انجامید،

ص: ۱۳۵

۱- ۱۷۵. نام رمز سیلند غرب کانال ماهی که جاده آسفالته شمال جاده شلمچه (موسوم به جاده تعاون) را قطع نموده و به سمت کانال هفت دهنه امتداد دارد.

عملیات کربلای ۸ در دو محور طراحی شد تا توسط دو قرارگاه اجرا گردد:

محور اول: آبگرفتگی شمال بویان با فرماندهی و هدایت قرارگاه قدس.

محور دوم، حد فاصل کانال ماهی تا جاده شلمچه (غرب کانال ماهی) با فرماندهی و هدایت قرارگاه کربلا.

در تدبیر عملیاتی، با توجه به حساسیت شمال آبگرفتگی بویان برای دشمن و اهمیت عبور از کانال ماهی در غرب کانال زوجی، چنین پیش بینی می شد که در صورت تلاش در این محور، علاوه بر فریب دشمن نسبت به سمت اصلی تک، آتش دشمن نیز تجربه خواهد شد.

ضمناً در صورت موفقیت و تأمین محور شمال عملیات (بویان) جناح وسیعی در شرق کانال ماهی از دشمن گرفته می شد و این به منزله جای پای مناسبی برای مراحل بعدی عملیات، محسوب می گردید. علاوه بر این، موارد زیر به عنوان مشخصات و قوت‌های طرح مزبور در نظر بود:

- منطقه انتخابی نزدیکترین فاصله را نسبت به کانال زوجی دارا می باشد.

- نیروها در جناح راست خود به کانال ماهی اتکا دارند. (در محور اصلی تک).- در صورت رسیدن به پشت خطوط شمالی - جنوبی دشمن، پیشروی به سمت جنوب تسهیل می شود.

- تجربه حاکی از آن بود که تنها از این محور امکان پیشروی وجود دارد.

- به علت نزدیکی به پل کانال ماهی، امکان الحاق با نیروهای شرق کانال و نیز انتقال عقبه به شرق کانال ماهی و حفظ آن از آتش دشمن پدید می آید.

البته به خاطر وجود مشکلات و موانع متعدد، طرح فوق در اجراء فاقد چشم انداز روشنی بود.

به هر صورت، بنا به شرایط خاص موجود، تاریخ ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ جهت انجام این عملیات انتخاب شد.

شرح عملیات کربلا ۸

از آنجا که موقعیت زمین در محور آبگرفتگی بویان با منطقه عملیاتی قرارگاه کربلا- در غرب کانال ماهی تفاوت داشت و فاصله با دشمن نیز متغیر بود، زیرا تعیین زمان آغاز عملیات و محاسبه مقدار زمان لازم برای رسیدن نیروها به نقطه ی مورد نظر جهت درگیر شدن با دشمن، مشکلاتی وجود داشت که نهایتاً ساعت ۲/۱۵ بامداد روز ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ به عنوان زمان مشترک حمله در هر دو محور انتخاب شد.

قبل از آغاز تک، بنا بر شواهد و قرائن موجود و اطلاعات دریافتی از شنود، چنین پیش بینی می شد که احتمالاً غافلگیری دشمن در محور شمالی بیشتر از منطقه قرارگاه کربلا- خواهد بود، خصوصاً اینکه بنا به اطلاعات واصله، دشمن در مقابل آبگرفتگی بویان در شب عملیات مانند شبهای گذشته اقدامات عادی خود از جمله کار مهندسی را ادامه می داد. این امر بر اطمینان قرارگاه قدس و یگانهای تابعه در مورد غافلگیری دشمن افزود.

حال آنکه در عمل مشخص شد که دشمن در آن محور ۱۰۰٪ هوشیار بوده است.

علاوه بر این، با وجود آنکه سعی شد در تمام محورهای عملیاتی (قرارگاه قدس و قرارگاه کربلا) درگیری با دشمن به طور همزمان آغاز شود، لیکن به خاطر مشکلات موجود، چنین امری میسر نشد.

شب و روز اول

در محور شمالی عملیات تیپ امام رضا (ع) در ساعت ۲ / ۳۵ بامداد و تیپ الغدیر در ساعت ۲ / ۴۰ بامداد با دشمن درگیر شدند.

در این محور بر خلاف تصورات قبلی مبنی بر عدم هوشیاری

ص: ۱۳۷

دشمن، مقاومت نیروهای عراقی در همان آغاز درگیری و سپس مبادرت آنان به پاشیدن مین در محورهای مواصلاتی و پاتکهای انجام شده، همگی حاکی از آمادگی قبلی آنها برای مقابله با تهاجم قوای اسلام بود. با آنکه دشمن یک ساعت پس از آغاز درگیری اقدامات یاد شده را شروع کرد، نیروهای اسلام تا ساعت ۸ صبح کماکان در منطقه حضور داشته و درگیر بودند، لیکن پس از آن با توجه به حجم سنگین آتش دشمن، عملاً امکان تأمین و تثبیت منطقه فراهم نشد.

مرحله اول عملیات در محور غرب کانال ماهی همزمان با محور شمال آبرگرفتگی بویان در ساعت ۱۵ / ۲ بامداد روز ۱۸ / ۱ / ۱۳۶۶ توسط لشکرهای ۳۳ المهدی، ۲۵ کربلا، ۱۹ فجر، ۱۰ سیدالشهداء و ۳۱ عاشورا که به ترتیب از چپ به راست مأموریت تصرف و تأمین هدف (خط قرمز) (۱) را به عهده داشتند، آغاز شد.

در این مرحله (شب و روز اول عملیات) هدف به نحو ناقصی تصرف شد. وضعیت یگانهای عمل کننده مختصراً به قرار زیر بود (به ترتیب از چپ):

لشکر ۳۳ که اندکی دیر وارد عمل شده بود، در اثر مقاومت و آتش دشمن موفق به باز کردن معابر مربوطه نشد و به هنگام صبح شهدا و مجروحین خود را از تخلیه و عقب نشینی کرد.

لشکر ۲۵ از سمت راست، به لشکر ۱۹ ملحق شد و از سمت چپ، خود را تا حد لشکر ۳۳ گسترش داد و عملاً- حفظ جناح چپ را نیز (در غیاب لشکر ۳۳) به عهده گرفت. در اوایل صبح استعداد نیروهای در خط این لشکر بیش از یک گروهان ناقص (حدود ۵۰ نفر) نبود، از اینرو یک گروهان

ص: ۱۳۸

دیگر برای تقویت آنها فرستاده شد. از ساعت ۱۰ / ۳۰ صبح پاتک دشمن از این جناح شروع شد و از ظهر شدت بیشتری یافت و نهایتاً در ساعت ۱۴ باقیمانده نیروهای این لشکر به عقب رانده شدند و به این ترتیب جناح چپ عملیات اوضاع وخیمتری پیدا کرد. این امر در شرایطی بود که آتش سنگین دشمن اجازه تقویت خط با نیروهای کمکی را نمی داد و از نیروهای در خط نیز مقاومتی بیشتر از آنچه صورت گرفت، متصور نبود.

لشکر ۱۹ تا ساعت ۵ صبح با جناحین الحاق کرد و تا ساعت ۷ صبح موفق شد و خط را کاملاً پاکسازی و تثبیت کند. بعد از تشدید فشار دشمن از ساعت ۱۳ بر روی نیروهای لشکر ۲۵ و نهایتاً عقب نشینی آنها، لشکر ۱۹ جناحدار شد و از این پس فشارهای دشمن از جناح چپ مستقیماً متوجه این لشکر می گردید. دشمن در فشارهای اولیه توانست با نفربرهای خود در مواضع این لشکر وارد شود، اما به خاطر حضور نیروها بر روی خاکریز یاسر (۱) دو دستگاه نفربر سالم به غنیمت گرفته شد و نفرات آن تسلیم شدند، سپس به تدریج فشارها کم شد و تا غروب وضعیت به همین صورت باقی ماند.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا به خاطر مشترک بودن معابرش با یگانهای دیگر، حرکتش با کندی شروع شد و با چند ساعت تأخیر کار اصلی را شروع کرد، اما در ادامه سرعت زیادی یافت. نهایتاً بخشی از اهداف این لشکر تأمین نشد. بخصوص اینکه بعد از ظهر با پاتک نسبتاً سنگینی نیز مواجه شد و برخی مواضع خود را از دست داد. به علاوه یگان عمل کننده در جناح راست این لشکر (لشکر ۳۱ عاشورا) نیز موفق نشده بود، اما در جناح چپ مسئله ای نداشت.

ص: ۱۳۹

لشکر ۳۱ عاشورا که به علت عدم برگشت نیروهایش از مرخصی، در روز قبل از عملیات نیمی از مأموریتش به لشکر سیدالشهدا واگذار شده بود، در انجام مأموریت محوله موفق نگردید. این لشکر در سمت چپ خود لشکر ۱۰ را داشت و از راست بایستی به کانال ماهی متکی می شد. نیروهای لشکر ۳۱ از دو معبر و به صورت تیمی و دسته ای وارد عمل می شدند (به علت شلوغی و محدودیت زمین). نیروهای محور راست سه بار کمینهای دشمن را تصرف کردند ولی هر بار با تشدید فشار دشمن عقب آمدند. نیروهای محور چپ نیز با کمینهای دشمن که هوشیار شده بودند، مواجه و متوقف گردیدند. این لشکر در روز با وارد کردن نیروهای جدید در تقاطع پرستو و کبوتر (۱) که توسط لشکر ۱۰ تصرف شده بود، به قصد تصرف هلاکی ۱۵ (۲) عبور کرد. این نیروها پس از درگیریهای شدیدی که تا غروب طول کشید، بدون توجه به عقب بازگشتند.

به هر صورت، شب و روز اول عملیات، در حالیکه خط تصرف شده در جناحین با اشکالات یاد شده مواجه بود، سپری شد.

شب و روز دوم عملیات

پس از آنکه طی مرحله اول عملیات، اهداف مورد نظر به طور کامل تصرف و تأمین نشد، در تدبیر جدید مقرر گردید که لشکر ۳۳ با عبور از معبر لشکر ۲۵ مجدداً اهداف قبلی خود و لشکر ۲۵ را که در مرحله قبل تعیین شده بود، تصرف نماید و لشکر ۱۰ که به طور نسبی موفق شده بود، به تکمیل اهداف قبلی بپردازد. به لشکر ۲۷ نیز ابلاغ شد که در صورت موفقیت لشکر ۱۰ از آن عبور کرده و پیشروی نماید و در صورت توقف و ایجاد

ص: ۱۴۰

۱- ۱۷۸. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۷۹. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

اشکال در حرکت لشکر ۱۰ به تکمیل و تأمین اهداف آن بپردازد.

بدین ترتیب، مرحله دوم در همان شب آغاز شد. لشکر ۳۳ این بار چه در تصرف هدف و چه در کار مهندسی (ایجاد خاکریز دو جداره در سمت راست سیلند شاهد) (۱) موفق بود، لیکن دشمن دو بار از سمت چپ به نیروهای این لشکر پاتک کرد که بار دوم (در ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح) با آتش شدید توپخانه و هلیکوپتر و بمباران هواپیما همراه بود. کثرت نیروهای پیاده پاتک کننده و کم بودن نفرات خودی و نرسیدن مهمات کافی، نیروهای خودی را ناچار به عقب نشینی کرد و بر اثر فشار شدید دشمن تعدادی از مجروحین در منطقه بجا ماندند. به این ترتیب در این مرحله هم مسئله جناح چپ عملیات حل نشد.

لشکر ۱۰ نیز با یک گردان (ناقص) وارد عمل شد، ولی تا صبح به خاطر درگیری با نیروهایی که در تقاطع کبوتر (۲) مستقر بودند، موفق به تصرف هدف مورد نظر (خط زم) (۳) نگردید. نتیجتاً در صبح هنگام، لشکر ۲۷ مأموریت ادامه کار و تصرف هدف مزبور را به عهده گرفت.

در ساعت ۷ صبح (۱۹ / ۱ / ۱۳۶۶) به فرماندهی لشکر ۲۷ ابلاغ شد که طبق تصمیمات قبلی، برای تکمیل کار ناقص لشکر ۱۰ وارد عمل شود. در ساعت ۴۵ / ۱۰ اولین گروهان لشکر ۲۷ به خط رسید، اما در این هنگام پاتک دشمن از دو محور شروع شد و نیروهای لشکر ۲۷ به جای انجام مأموریت تعیین شده، مجبور به پاسخگویی به پاتکهای دشمن شدند و تا غروب شش پاتک را خنثی کردند. نهایتاً طی این مرحله در وضعیت قبلی تغییری ایجاد نشد و پیشروی صورت نگرفت و تلاشهای رزمندگان صرفاً اقدامات دشمن را خنثی کرد و به حفظ آنچه در مرحله اول به دست آمده بود، انجامید.

ص: ۱۴۱

۱- ۱۸۰. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۱. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۸۲. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

با توجه به فشاری که از سمت چپ روی لشکر ۱۹ وجود داشت، برای پاسخگویی به پاتکهای دشمن، تصمیم گرفته شد که مجدداً تلاش عمده ای برای حل مسئله جناح چپ و تأمین آن صورت پذیرد. بر این اساس، مأموریت تصرف سمت چپ سیلند تا نزدیکی جاده آسفالته و ایجاد خاکریز جناح چپ به لشکر ۸ نجف داده شد و و از چهار راه سیلند تا تپه (۱) (یعنی همان خط حد اولیه) به لشکر ۳۳ و از تپه (۲) تا سب (۳) نیز به لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع) واگذار گردید. به لشکر ۲۷ نیز همان مأموریت قبلی، یعنی تأمین زم (۴) و تصرف و پاکسازی موضع «ن» شکل شماره ۱۵ (۵) داده شد.

در این مرحله، جناح راست وضع مناسبی یافت ولی اوضاع جناح چپ به رغم موفقیت‌های به دست آمده کاملاً بهبود نیافت، به این ترتیب که:

لشکر ۲۷ که قرار بود ساعت ۲۱ وارد عمل شود، به خاطر دیر رسیدن نیروها و توقف در میدان مین، در ساعت ۲ / ۳۰ بامداد درگیری را شروع کرد تا ساعت ۸ صبح به نیروهای خود ملحق شد. این لشکر تا غروب موفق به پاکسازی منطقه متصرفه شد و ضمن به هلاکت رساندن ۵۰۰ تن از نیروهای دشمن، ۱۰۰ اسیر را نیز به عقب تخلیه کرد.

لشکر ۱۷ خط لشکر ۱۹ را تحویل گرفت و با یک گردان خود را به چهار راه سیلند رساند و سپس لشکر ۳۳ و لشکر ۸ را از خود عبور داد. این لشکر از روبرو محور پاتک نداشت، بنابراین تا عصر روز بعد (۲۰ / ۱ / ۱۳۶۶) علیه آن تهدیدی صورت نگرفت. نیروهای لشکر ۳۳ و لشکر ۸ نسبتاً در اجرای مأموریت خود موفق بودند ضمن اینکه در صبح و عصر

ص: ۱۴۲

۱- ۱۸۳. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۴. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۸۵. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۴- ۱۸۶. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۵- ۱۸۷. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

روز سوم عملیات تقریباً به خاطر استفاده از آتش هماهنگ تانک و تیربار و خمپاره انداز مستقر در خط، پاتکهای دشمن را با شکست مواجه ساختند، ولی سرانجام نیروهای لشکر ۳۳ به لحاظ از دست دادن توان، در مواضع مناسبتری مستقر شدند.

شب چهارم عملیات

در چهارمین شب عملیات لشکر ۲۷ با ایجاد خاکریزهای دو جداره در نقاط مورد نظر و ریختن ۸۰۰ مین ضد نفر در جلوی خط زم (۱) به تثبیت و استحکام مواضع متصرفه پرداخت و لشکر ۳۱ خط لشکر ۱۰ (از زم تا سیب) (۲) را تحویل گرفت. لشکر ۸ نیز برای انجام مأموریت سابق خود با یک گردان تا نزدیک جاده آسفالته (خط قرمز) را پاکسازی کرد و همچنین نیمی از مأموریت مهندسی خود را انجام داد، اما به خاطر فشار دشمن و ناقص ماندن کار مهندسی، نیروهای این لشکر مجدداً تا چهار راه (سیلند شاهد) (۳) عقب نشینی کرده و در آنجا استقرار یافتند.

روز چهارم (۱۳۶۶ / ۱ / ۲۱)

در روز چهارم عملیات دشمن طی چند نوبت در محورهای لشکر ۲۷، لشکر ۳۱ و لشکر ۳۳ اقدام به پاتک کرد که سنگین ترین آنها از محور سیلند غربی کانال ماهی و محور پرستو (۴) صورت گرفت، و مقداری نیروهای خودی را عقب زد، ولی با هجوم رزمندگان اسلام، قوای دشمن عقب رانده شدند. باید اذعان داشت که گرچه دشمن در این پاتکها موفقیتی کسب نکرد، اما با این ضد حمله های پی در پی، بخشی از توان رزمندگان را گرفته و

ص: ۱۴۳

۱- ۱۸۸. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۲- ۱۸۹. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۳- ۱۹۰. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

۴- ۱۹۱. به کالک رمز صفحه ۱۷۵ رجوع شود.

مانع از استراحت آنان شد و توانست نقاط ضعف و قوت ما را از نظر «خط پدافندی» و «توان» ارزیابی نماید.

پس از ۴ شبانه روز جنگ سنگین در منطقه پیچیده ای که بعضا نیروها مجبور به جنگ تن به تن می شدند و زمین آن را از قبل به دقت توسط دشمن متناسب با تاکتیکها و تدابیر و امکانات آن طراحی و تسلیح شده بود، احساس می شد دشمن از بازپس گیری خط «قرمز» نومید و ناتوان شده است.

از نظر فرماندهان نیز عملیات به پایان رسیده بود و تنها تثبیت و استحکام بخشیدن به مواضع و انجام کارهای مهندسی و بهبود بخشیدن به امر پشتیبانی خط جدید مطرح بود. در این اوضاع و احوال که یگانهای عمل کننده نیز بر اثر افت نیرو (ناشی از چند ماه جنگ مداوم از اوائل دیماه در کربلای ۴) خود را قادر به انجام مأموریتهای آفندی نمی دیدند. حرکت پیش بینی نشده دشمن شروع شد و وضعیت جدیدی را به وجود آورد.

پاتک گسترده دشمن با استفاده از سلاح شیمیایی

از آنجا که دشمن در پاتکهای روز ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۶ خود موفقیتی کسب نکرده بود، چنین پیش بینی می شد که نسبت به باز پس گیری خط قرمز (منطقه تصرف شده در عملیات کربلای ۸) ناامید شده است (۱) ولی برخلاف انتظار، دشمن تلاش اصلی خود را از نخستین لحظات بامداد ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶ آغاز کرد. نیروهای بعثی از نیمه شب تا ساعت ۳۰ / ۳ بامداد روز ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶

ص: ۱۴۴

۱- ۱۹۲. در این میان از آنجا که مرکز شنود متوجه تجمعاتی از دشمن در مقابل لشکر ۲۷ شده بود، به فرماندهی این لشکر اطلاع داد تا اقدامات لازم را برای مقابله انجام دهد. بر این مبنای، لشکر ۲۷ به خاطر تقویت خط با نیروی انسانی و آماده باش نیروهای در خط و پخش حدود ۸۰۰ مین در مقابل خط زم، آمادگی بیشتری از سایر یگانها برای مقابله با پاتکهای دشمن، در خود ایجاد کرد که در عمل نیز مقاومت عمده خودی در این ناحیه بود.

اقدام به تک شیمیایی نمودند. در این تک که ابتدا با توپخانه و کاتیوشا و سپس با هلیکوپتر و هواپیما به صورتی گسترده در خط و عقبه، بخصوص از خرمشهر تا شلمچه و پنج ضلعی صورت گرفت، مجموعاً ۴۰۰ راکت هواپیما، هلیکوپتر، گلوله های توپخانه و خمپاره شلیک شد که به خاطر تاریکی هوا و عدم آمادگی و عدم پیش بینی قبلی، خسارات قابل توجهی به نیروهای خودی وارد آمد.

دشمن پس از تک شیمیایی، از ساعت ۵ / ۲ تا ۷ صبح با ۴۵ گردان توپخانه موجود در منطقه اقدام به اجرای آتش تهیه نمود. شدت آتش دشمن به گونه ای بود که تحرک و جابجایی را از نیروهای خودی سلب کرد و امکان تردد هر گونه وسیله نقلیه و نیروی پیاده به خط مقدم غیر ممکن و یا بسیار دشوار گردید.

حوالی ساعت ۷ صبح پاتک دشمن از دو محور، یکی مقابل لشکرهای ۸ و ۳۳ و دیگری در برابر لشکرهای ۲۷ و ۳۱ شروع شد. فشار سنگین دشمن از سمت چپ خط قرمز و همچنین سیلند شاهد باعث شد رخنه ای در حد فاصل دو لشکر ۳۳ و ۸ ایجاد شود. در محور لشکر ۳۱ نیز فشار دشمن از دو سمت یکی از مقابل و دیگری از خاکریز جدید الاحداث در سمت چپ تقاطع زم (۱) صورت گرفت.

در محور لشکر ۲۷ دشمن از سیلند غربی کانال ماهی به مواضع این لشکر حمله کرد و با درگیری شدید و به سختی آنها را عقب زد. و سپس از تقاطع زم فشار آورد و در نتیجه توانست پس از رخنه و نفوذ در تقاطع، نیروهای لشکر ۳۱ را از خاکریز دو جداره عقب رانده و با تهدید عقبه نیروهای لشکر ۲۷ فشار بیشتری بر نیروهای این لشکر وارد سازد. نیروهای

ص: ۱۴۵

لشکر ۱۷ که تاکنون مستقیماً در معرض پاتک دشمن قرار نگرفته بودند، با احساس تهدید از جناحین و احتمال قیچی شدن، به مواضع مناسبتری نقل مکان کردند.

بدین ترتیب، دشمن تا قبل از ظهر روز ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶ مواضع تصرف شده در عملیات کربلای ۸ را باز پس گرفت.

هدایت کلی پاتک دشمن به عهده فرمانده سپاه گارد (سپهبد حسین رشید محمد) بود و هدایت تیپهای عمل کننده توسط فرمانده لشکر بغداد از گارد ریاست جمهوری (سرتیپ ستاد کامل ساحت) و فرمانده لشکر مدینه منوره از گارد جمهوری (سرتیپ ستاد احمد ابراهیم محاش) صورت گرفت. عدنان خیرالله وزیر دفاع نیز با حضور در منطقه از نزدیک عملیات یگانهای پاتک کننده را کنترل می کرد.

یگانهای پاتک کننده دشمن عبارت بودند از:

تیپهای ۷، ۴ و ۱۰ گارد ریاست جمهوری، تیپ ۴۶۸ نیروی مخصوص، تیپهای ۲ زرهی و ۱۷ زرهی گارد ریاست جمهوری، تیپهای ۵ پشتیبانی و ۶ پشتیبانی گارد ریاست جمهوری و یک گردان از تیپ ۲۶ زرهی.

تاکتیک دشمن در باز پس گیری مواضع مبتنی بر اصل انهدام وسیع بود که با اجرای تک شیمیایی و آتش تهیه سنگین و تداوم تک توانست به رغم مقاومت نیروهای اسلام، در پوشش آتش شدید، نیروهایش را به پشت خاکریزهای نیروهای خودی رسانده و به داخل مواضع آنها رخنه نماید.

ارزیابی و جمع بندی

فشار عراق برای بازپس گیری منطقه ای در حدود یک کیلومتر مربع با توانی که ذکر شد در نوع خود کم نظیر بوده است. عکس العمل دشمن بدون

احتساب و پیش بینی تلفات زیاد و پذیرش آن به عنوان بهای باز پس گیری منطقه نمی توانست باشد.

دشمن با درک مشی جدید نظامی جمهوری اسلامی مبنی بر پیشروی در شرق بصره و انهدام متوالی قوای عراق، بر آن شد که با اقدامی اساسی و با قوت، طراحان و مسئولین جنگ جمهوری اسلامی را نسبت به ادامه پیشروی در منطقه شرق بصره مأیوس کند. (۱).

علاوه بر این همزمانی عملیات کربلای ۸ با سالگرد تاسیس حزب بعث و نیز نقش تبلیغی این عملیات در اعلام تصمیم بر تداوم عملیات در منطقه و همزمانی آن با تغییر و تحولات سیاسی مبنی بر حذف صدام، قابل ذکر است.

به هر صورت، برای دشمن قابل تحمل نبود که در منطقه یاد شده، در بلند مدت و به طور تدریجی، نیروهای ما هر چند کند و آهسته به پیشروی و انهدام قوای آنها ادامه دهند. لذا به رغم آنکه دشمن در تصمیم برای عقب نشینی از شرق نهرجاسم اصل «حفظ قوا» را برگزیده بود، در این جا با پذیرش «انهدام نیرو» به چنین پاتک خطرناکی مبادرت کرد. استفاده از نیروی گارد ریاست جمهوری عراق، نظارت مستقیم عدنان خیرالله و به طور کلی چگونگی این پاتک نشان می دهد که مبنای این اقدام، تصمیم سیاسی بوده و در محدوده ی صلاحدید و اختیارات نظامیان نمی گنجیده و تناسبی نیز با چارچوب حرکات کلاسیک نظامی ارتش عراق نداشته است.

صدام و حزب بعث ادامه حمایت شرق و غرب را در گرو قدرتمندی نظامی ارتش عراق می دانستند در نتیجه برای ثبات سیاسی خود راهی جز قدرتمند کردن و در عین حال فشار بیشتر بر ارتش عراق برای شرکت در

ص: ۱۴۷

۱-۱۹۴. البته فرماندهان جنگ قبل از این پاتک تصمیم به تغییر روش گرفته بودند و اقدامات دیگری را در نظر داشتند.

جنگ تا سر حد تلفات بسیار بالا و حتی انهدام لشکرها نداشتند.

از طرف دیگر بر اساس نگرش کلاسیک، از مدتها پیش طراحان و فرماندهان نظامی دشمن احساس اطمینان برای ادامه جنگ را از دست داده بودند. زیرا هیچ یک از خطوط پدافندی آنها در مقابل تهاجمات نیروهای ما تاب مقاومت نداشت و علاوه بر این، گذشت زمان حاکی از پیروزی تدریجی جمهوری اسلامی بود، چرا که علاوه بر رانده شدن از خاک جمهوری اسلامی مناطق مهمی مانند فاو و شرق بصره را از دست داده بودند. واضح است که از نظر حاکمان سیاسی و همچنین فرماندهان نظامی عراق این روند نگران کننده بود. احتمال تحولات سیاسی و افزایش شایعاتی مبنی بر حذف صدام نیز بدون ارتباط با وضعیت یاد شده نمی توانست باشد.

به هنگام عملیات والفجر ۸، بنا به موقعیت خاص زمین منطقه (۱) دشمن تلفات قابل توجهی را متحمل شد، بدون آنکه قادر به باز پس گیری منطقه باشد. بنا بر اظهارات اسراء، صدام با حضور در منطقه فشار زیادی را بر ارتشیان عراق وارد می ساخت تا شاید بتوانند مجددا در مواضع قبلی خود حضور یابند. لیکن موقعیت زمین و تدبیر مناسب نیروهای خودی در استفاده از آتش و مقاومت شدید، مانع از تحقق اهداف دشمن شد.

در این عملیات استفاده از ارتش عراق به شکل نامعقول موجب شد بیش از ۷۰٪ از توان نظامی دشمن در فاو منهدم شود و این برای ارتش عراق صدمه ای جبران ناپذیر بود.

حاکمیت سیاسی عراق به منظور جبران شکست فاو و حفظ روحیه ارتش

ص: ۱۴۸

۱- ۱۹۵. زمین فاو محصور در میان رودخانه اروند و خور عبدالله بود و از طرفی باتلاقی بودن زمین تحرک دشمن را محدود به چند جاده کرده بود که دائما در زیر آتش توپخانه خودی قرار داشت.

عراق، تدبیر «استراتژی دفاع متحرک» را اتخاذ کرد که آن هم سرانجام مطلوبی نیافت و مجموعاً نزدیک به ۱۱ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در کربلای ۱ (مهران) چنانکه بعدها اسرا ذکر می کردند، دشمن تنها به لحاظ ممانعت از انهدام بیشتر ارتش عراق، از مقاومت خودداری کرد تا آمادگی لازم برای مقابله با تهاجمات بعدی قوای نظامی ایران را داشته باشد، در حالی که در کربلای ۲ (حاج عمران) دشمن با انگیزه بیشتری جنگید.

آزادسازی مهران، که دشمن به خاطر اشغال مجدد آن در بغداد جشن گرفته بود، شکست بزرگی محسوب می شد. از دست دادن مهران توسط دشمن بدون مقاومت چشمگیر به جز قوتهای نیروی خودی و غافلگیر شدن دشمن در مانور و محور هجوم (۱) از تدبیر وی مبتنی بر اصل «حفظ نیرو» در مقابل «حفظ زمین» حکایت می کرد. به عبارت دیگر چنین به نظر می رسید که دشمن در نظر ندارد به طور غیر معقول ارتش عراق را به کار گیرد.

در عملیات کربلای ۵ تحرکاتی از دشمن مشاهده شد که به همین ترتیب قابل تبیین است. بدین صورت که در روز سوم عملیات، عراق یک لشکر گارد را وارد عمل کرد. این لشکر تا روز پنجم تلاش فراوانی برای باز پس گیری غرب کانال ماهی انجام داد (۲) معهذاً منجر به نتیجه دلخواه و مطلوب نشد. در ساعت ۱۱ صبح روز پنجم عملیات فرماندهان لشکر گارد در مقر لشکر ۱۱ جلسات مهمی تشکیل دادند که به نظر می رسید دشمن با تلاش گسترده تری اقدام به پاتک خواهد کرد. لیکن عقب نشینی تدریجی عراق به

ص: ۱۴۹

۱- ۱۹۶. دشمن از محور دیگری در همان منطقه انتظار تهاجم ما را داشت.

۲- ۱۹۷. عراق پس از عملیات والفجر ۸ لشکر گارد را به سپاه گارد تبدیل کرد.

غرب نهرجاسم که اثر قطعی و نهایی آن سه روز بعد آشکار شد، نشان داد که دشمن به رغم مقاومتهای بسیار شدید اولیه، با توجه به انهدام وسیع و تلفات بالا، نهایتاً حفظ نیرو را بر حفظ زمین ترجیح داده است.

عراق در قبال اقدام یاد شده از جهت سیاسی نیز متحمل خسارتهای فراوانی شد، لیکن به لحاظ پیچیدگی زمین و تلفات فراوانی که متوجه ارتش عراق شده بود بنابر نگرش نظامی، تدبیر یاد شده را اتخاذ کرد.

پس از آن دشمن در مقابل سر پل غرب کانال ماهی به لحاظ تهدیدی که نسبت به زمین حد فاصل نهرجاسم تا کانال زوجی احساس می کرد، عملیاتی را طراحی کرد که بعدها نام «حصاد الاکبر» (۱) بر آن نهاد. این حرکت با سرمایه گذاری بالاتر از حد معمول و با تحمل تلفات فراوان انجام گردید.

تلفات دشمن

محدودیت زمین منطقه و حضور بیش از اندازه یگانهای دشمن منجر به تأثیر قابل توجه آتش در انهدام نیروهای ارتش عراق بود. علاوه بر این، قسمت عمده ی انهدام دشمن به هنگام پاتک صورت گرفت، زیرا نیروها از موضع خارج شده و به راحتی در زیر آتش توپخانه و سلاحهای سبک و سنگین قرار می گرفتند.

معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه پاسداران میزان انهدام قوای دشمن را به شرح زیر اعلام کرد:

ص: ۱۵۰

۱- ۱۹۸. دروی بزرگ (سربازان مانند خوشه های گندم درو می شدند).

نام یگان: تیپ ۱۱۷ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪

نام یگان: تیپ ۴۲۸ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲۷ مکانیزه، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰۶ پیاده، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۲۶ زرهی، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۲ کماندوئی، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۲۱ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲۹ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪

نام یگان: تیپ ۱۴ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۹۳ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۵ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪

نام یگان: تیپ ۴۳۱ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۲ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰۴ پیاده، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۱۳ پیاده، میزان انهدام: ۳۰٪

نام یگان: تیپ ۶۸ نیروی مخصوص، میزان انهدام: ۵۰٪

نام یگان: تیپ ۲ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۵٪

نام یگان: تیپ ۵ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۵٪

نام یگان: تیپ ۶ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۷ پیاده گارد جمهوری، میزان انهدام: ۶۰٪

نام یگان: تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: تیپ ۱۷ زرهی گارد جمهوری، میزان انهدام: ۲۰٪

نام یگان: یک گردان تانک از تیپ ۲۶ زرهی، میزان انهدام: ۵۰٪

ص: ۱۵۱

در مجموع حداقل تعداد ۱۸ تیپ پیاده و ۵ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن در طول ۶ روز نبرد کربلای ۸ به میزان ۲۰ تا ۹۰ درصد آسیب دیدند.

در میان کشته شدگان حداقل ۶ فرمانده تیپ، ۲۰ فرمانده گردان، و بیش از ۸۰ فرمانده گروهان دیده می شد. (۱) در این عملیات حدود ۲۶۰ نفر از پرسنل دشمن اسیر شدند که در بین اسرا ۲ نفر سرهنگ ستاد، ۵ سرگرد و تعداد زیادی افسر و درجه دار مشاهده می شد.

بازتاب عملیات کربلای ۸

از یک سو شرایط سیاسی و نظامی جنگ پس از عملیات کربلای ۵ و از سوی دیگر اهمیت زمین منطقه شرق بصره، موجب گردید تا عملیات کربلای ۸ که با «هدف محدوده نظامی» صورت گرفت، بازتاب و انعکاس نسبتاً گسترده ای داشته باشد. در مورد این عملیات خبرگزاری فرانسه به نقل از ناظران در تهران چنین گزارش داد:

«اهداف عملیات جدید کربلای ۸ ایران که صرفاً نظامی است، محدود به نظر می رسد. ایران بدون تردید این بخش جنوبی را برای حمله انتخاب کرد تا مانع از تحکیم خطوط دشمن در آنجا شود.» (۲).

در واقع، گزارش خبرگزاری فرانسه معطوف به این مطلب بود که این عملیات در تداوم سلسله تلاشهای ایران در این منطقه و برنامه ریزی برای انجام عملیات به سمت بصره، معنا و مفهوم دارد.

به نظر می رسد که مطالب اعلام شده از سوی ایران درباره ی انهدام ماشین جنگی عراق در عملیات کربلای ۵ و سپس اظهارات رئیس جمهوری در مورد

ص: ۱۵۲

۱- ۱۹۹. تلفات افراد کادر دشمن حاکی از استفاده عراق در تأمین خط و پاتک از نیروهای سازمانی و کادر بود.

۲- ۲۰۰. خبرگزاری فرانسه، ۱۹ / ۱ / ۱۳۶۶.

عملیات کربلای ۸ مبنی بر اینکه با این عملیات «باز هم تهدید نسبت به بصره بیشتر و جدی تر شد و مطمئناً این ضربات رژیم عراق و ماشین جنگی اش را از کار خواهد انداخت.» (۱) در تجزیه و تحلیل رسانه های خارجی از اهداف و نتایج عملیات کربلای ۸ بی تأثیر نبود، چنانکه روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک کارشناس اروپائی نوشت:

«عملیات ایران نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران همچنان بر این تاکتیک برای نابودی ماشین جنگی عراق مصمم است، در عین حال این توان را هم دارد که هر زمان و در هر گوشه ای از جبهه دست به عملیات موفق بزند.» (۲).

در ضمن برخی دیگر از تحلیلگران هدف عملیات را ارزیابی میزان توان دفاعی عراق در شرق بصره ذکر کردند. (۳) همچنین تشدید حملات عراق در خلیج فارس به مراکز نفتی و نفتکشها، موجب گردید که عملیات کربلای ۸ به عنوان تلاقی آن اقدامات تلقی شود. آقای هاشمی نیز در خطبه های نماز جمعه بخشی از اهداف عملیات کربلای ۸ را پاسخ به شرارتهای بعثیون در «خلیج فارس» ذکر کرد. (۴).

تلاقی زمان عملیات کربلای ۸ با برگزاری مراسم چهل و هشتمین سالگرد تشکیل حزب بعث، موجب گردید که عراق بلافاصله به منظور تحت الشعاع قرار دادن بازتاب این عملیات، به تاسیسات نفتی جزیره سیری که یکی از مبادی صادرات نفت ایران بود، حمله کرده خسارات قابل ملاحظه ای را به آن وارد آورد، به گونه ای که تا ساعتها بهره برداری از اسکله مذکور امکان پذیر نبود. به هر حال پیروزی عملیات کربلای ۸ همانند پیروزیهای دیگر ایران در ابتدا از سوی عراق و کلیه حامیانش مورد تکذیب قرار گرفت، چنانکه رادیو اسرائیل به نقل از کارشناسان نظامی گفت:

«به احتمال قوی نیروهای ایرانی در عملیات موسوم به کربلای ۸ در

ص: ۱۵۳

۱- ۲۰۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶، بیانات آیت الله خامنه ای در نماز جمعه تهران.

۲- ۲۰۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶.

۳- ۲۰۳. روزنامه کیهان، ۲ / ۱ / ۱۳۶۶، به نقل از روزنامه فاینشال تایمز.

۴- ۲۰۴. روزنامه اطلاعات ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی.

جبهه بصره موفق به پیشروی نشده اند و نبرد به صورت ساکن ادامه دارد.» (۱).

اما با گذشت زمان و عینیت پیروزی ایران، عراق سرانجام زبان به اعتراف گشود و متعاقب آن خبرگزاریها چنین گزارش دادند:

«عراق دیروز اعتراف کرد که مناطقی را در جریان حمله جدید ایران در شرق بصره از دست داده است. اعتراف عراق به از دست دادن زمینهایی در نزدیکی بصره، در اطلاعیه نظامی این کشور منعکس شده است.» (۲).

دعوت ایران از خبرنگاران خارجی برای بازدید از منطقه آزاد شده در عملیات نیز به منزله ی پیروزی جدید ایران مورد تأکید قرار گرفت. بدین ترتیب، در آستانه سال ۶۶ ضمن آنکه موفقیت حاصله از عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره، از سوی رسانه های خارجی مورد تأیید قرار گرفت، به عنوان ضعف و ناتوانی روحی و روزافزون عراق نیز ارزیابی شد.

ص: ۱۵۴

۱- ۲۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۶، رادیو اسرائیل، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶.

۲- ۲۰۶. روزنامه رسالت، ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۶، واحد مرکزی خبر.

نقش و موقعیت سپاه در سال ۱۳۶۵

تلاشها و اقدامات سپاه پاسداران در سال ۶۵ و متعاقب آن موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران در برابر عراق، ابعاد و برجستگی نقش تعیین کننده سپاه در جنگ و تحولاتی را که این نیروی انقلابی پشت سر نهاده، ترسیم و مورد تأکید قرار می دهد.

در واقع عرصه ی جنگ برای سپاه بزرگترین میدان آزمایش و آموزش بوده است. در میان قدرت انطباق سپاه و قابلیتهای این نیرو در برخورد با شرایط و ضرورتهای انقلاب، بزرگترین ویژگی آن است که از یک سو عاملی مؤثر در حل معضلات انقلاب و جنگ و از سوی دیگر عامل افزایش توان سپاه محسوب می شود.

با آغاز جنگ و ناتوانی سیستم کلاسیک کشور برای دفع تجاوز، سپاه به رغم آنکه فاقد سازمان مناسب برای درگیری با دشمن بود، لیکن بر حسب تعهد و اعتقاداتی که داشت، در جهت رهنمودهای حضرت امام خمینی به طور همه جانبه وارد عرصه ی جنگ شد. مقابله با متجاوزان در محورهای

مختلف بویژه در خرمشهر که سپاه پیش از این در آنجا از سازماندهی مناسبی برخوردار شده بود، (۱) بارزترین جلوه نقش این نیرو در جنگ محسوب می شد.

در مراحل آغازین جنگ، انتظار امام و مردم مبنی بر بیرون راندن متجاوزین به رغم وعده های بنی صدر و تأکید وی بر انجام عملیات بر مبنای علمی! تحقق نیافت و تنها موجب اتلاف وقت و از میان رفتن امکانات فراوان شد. در واقع، گرچه بنی صدر برای کسب پیروزی در جهت تغییر اوضاع سیاسی داخل کشور به سود خود تلاش می کرد، لیکن مسیری را طی می نمود که هرگز او را به مقصد نمی رساند؛ چنانکه عملیات انجام شده طی این مقطع از جنگ در غرب رودخانه کرخه، هویزه و روی جاده ماهشهر - آبادان با شکست و ناکامی همراه شد. همین مسأله یکی از دلایل عمده تشدید درگیری داخلی و پدید آوردن غائله ۱۴ اسفند ۵۹، توسط بنی صدر بود. از سوی دیگر، رشد قابلیت و توانایی سپاه بویژه ارائه طرح شکستن حصر آبادان برابر تدبیر حضرت امام و تصویب این طرح در شورای عالی دفاع، وضعیت جدیدی را در روند تحولات کشور به وجود آورد که آزادسازی مناطق اشغالی و کسب پیروزیهای نظامی و ثبات سیاسی از نتایج و دستاوردهای آن بود.

در این مدت با وجود همکاری و وحدت مقدس ارتش و سپاه به هنگام آزادسازی مناطق اشغالی، پیچیدگی و روند تحولات جنگ و ضرورتهای جدید، منجر به شرایطی شد که عملاً دو نیرو با توجه به تفکر حاکم، ساختار و

ص: ۱۵۶

۱- ۲۰۷. مقابله با ضد انقلاب در داخل خرمشهر که مورد حمایت عراق بود، موجب گردید که سپاه از اوایل سال ۵۸ به طور جدی با این نیروها مواجه شود و همین امر در تقویت انسجام سپاه نقش تعیین کننده داشت.

سازمان و همچنین بافت روحی آنها، از شرایط لازم برای انجام عملیات مشترک برخوردار نبودند. عدم حصول پیروزی قطعی در عملیات رمضان آغاز بروز نظریات متفاوت در خصوص نحوه طرحریزی و اجرای عملیات در جنگ بود. در عین حال، نظر به ضرورت‌های جنگ، تدابیر حضرت امام مبنی بر همکاری عملیات همچنان در سطح فرماندهان دو نیرو برقرار بود و بر همین اساس، عملیات والفجر مقدماتی طرحریزی و آماده‌ی اجرا شد. مجدداً پس از بروز نظریات متفاوت، برابر تصویب شورای عالی دفاع، عملیات والفجر ۱ در چارچوب نظریات برادران ارتش و فرماندهان آنها اجرا شد که در عین حال هر دو عملیات با ناکامی مواجه گردید.

در پی پیدایش وضعیت جدید، سپاه تدریجاً به این نتیجه رسید که با توجه به ضرورت ادامه جنگ و شکستن بن بست حاصله از یکسو و از سوی دیگر اهمیت و لزوم اعمال نظریات طراحان و فرماندهان این نیرو، که از تفکر، روحیه، جسارت، ابتکار و جذابیت خاص آنان نشأت می‌گرفت، چاره‌ای جز طرحریزی و اجرای مستقل عملیات ندارد. در این چارچوب، از اوایل سال ۶۲ منطقه هورالهوریزه و جزایر مجنون توسط سپاه برای انجام عملیاتی که بعداً به عملیات خیبر معروف شد، انتخاب گردید. تغییر زمین و تاکتیک به این امید صورت گرفت که با غافلگیر ساختن دشمن، امکان حصول پیروزی فراهم شود، بویژه آنکه طی عملیات پیشین (رمضان و والفجر مقدماتی) هیچ‌گونه موفقیت قابل ملاحظه‌ای حاصل نشده بود و این مسأله جمهوری اسلامی را در روند سیاسی - نظامی جنگ با شرایط دشواری مواجه نموده بود.

شناسایی و آماده‌سازی منطقه عملیاتی خیبر طی یک سال مستقلاً توسط سپاه با رعایت حفاظت دنبال می‌شد. سرانجام پس از تصویب طرح در

شورای عالی دفاع، چنین مقرر شد که برادران ارتش نیز جداگانه در محور جنوبی شرق بصره (منطقه زید) به انجام عملیات مبادرت نمایند. در این عملیات، سپاه دو لشکر پیاده و یک تیپ زرهی خود را در کنترل عملیاتی ارتش قرار داد و متقابلاً یک لشکر زرهی ارتش نیز که مأموریت پدافند از منطقه طلائیّه تا کوشک را بر عهده داشت، در کنترل عملیاتی سپاه قرار گرفت.

در پایان سال ۶۳ نیز در عملیات بدر همچنان ارتش و سپاه به طور مشترک ولی با فرماندهی سپاه (که از برادران ارتش تنها سرهنگ صیاد شیرازی از این موضوع اطلاع داشت). به انجام عملیات مبادرت ورزیدند، لیکن از اسفند ۶۳، سپاه پیرو ضرورت‌های موجود و تصویب شورای عالی دفاع و فرماندهی عالی جنگ، تصمیم به اجرا مستقل عملیات و با فرماندهی خود گرفت و این روند در طول ۵ / ۳ سال (تا پایان جنگ) تداوم یافت که بجز عملیات کربلای ۴ تمامی عملیات سپاه همراه با موفقیت کامل بوده است.

حکم حضرت امام (قدس سره الشریف) در سال ۶۴ مبنی بر تشکیل سه نیرو در سپاه موجب گردید تا سپاه با توجه به حمایت و پشتیبانی امام، به گسترش و توسعه توان رزمی خود اقدام کند و طرح گسترده‌ای را برای شکستن بن بست جنگ ارائه نماید. در واقع نظر به اینکه هیچ یک از مناطق تصرف شده در عملیات مشترک انجام شده توسط ارتش و سپاه، پس از فتح خرمشهر، منتهی به تأمین و تثبیت کامل نشده بود، از نظر مسئولین سپاه تغییر این وضعیت مستلزم گسترش سازمان رزمی سپاه و جذب ۱۵۰۰ گردان نیرو بود که با بسیج امکانات کشور قابل اجرا بود. با پیدایش شرایط جدید و مصوبه شورای عالی دفاع مبنی بر اجرای عملیات مستقل از سوی سپاه و ارتش، سپاه منطقه عملیاتی فاو را انتخاب کرد و مقرر شد ارتش نیز در منطقه

شلمچه (که بعدها در آنجا عملیات کربلای ۵ صورت گرفت) به اجرای عملیات مبادرت نماید. همچنین قرار شد سپاه علاوه بر منطقه فاو، در جزیره ام الرصاص به عنوان تک پشتیبانی عملیات فاو، اقدام به حمله نماید.

با توجه به این که عملیات فاو اصلی و عملیات شلمچه فرعی بود، طی جلساتی در حضور فرماندهی عالی جنگ و با تدابیر ایشان، امکانات برای هر دو عملیات تخصیص داده شد.

پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تامین پشتیبانیهای مورد نظر به طور نسبی و سازماندهی قرارگاه ها و یگانهای سپاه، عملیات والفجر ۸ در روز ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴ با قرائت رمز عملیات توسط فرماندهی کل سپاه، آغاز شد. یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف، تهاجم خود را آغاز کردند. بدین ترتیب برجسته ترین و پیچیده ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی توسط بسیجیان و پاسداران جان بر کف و پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (۱) و تلاش و ایثار برادران جهاد سازندگی به اجرا در آمد.

سرانجام سپاه طی ۷۵ روز جنگ هدفهای موردنظر را پس از تصرف، تأمین کرد و نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی و حدود ۳۰۰۰ نفر اسیر شدند ضمن اینکه غنایم قابل ملاحظه ای نیز به دست آمد.

پس از فتح فاو تغییر توازن جنگ به سود ایران در سال ۶۵، جمهوری اسلامی ایران را با وضعیت جدیدی روبرو ساخت. طی این سال کلیه تحرکات دشمن اساساً معطوف به تغییر وضعیت به سود خود بود و متقابلاً

ص: ۱۵۹

۱- ۲۰۸. قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو برعهده داشتند.

جمهوری اسلامی نیز تلاش می کرد تا ضمن حفظ برتری، امتیازات سیاسی لازم را کسب نماید.

در این روند، نقش نیروهای سپاه در جنگ، نقش اصلی و محوری بود، چنانکه سپاه با تلاشها و اقدامات دشمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک مقابله کرد و طی آن قدرت جابجایی و انعطاف خود را در برابر وضعیتهای متغیر نمایان ساخت. طوری که عملیات کربلای ۱ را برای آزاد سازی مجدد مهران و عملیات کربلای ۳ را روی اسکله الامیه طرحریزی و اجرا کرد. در این میان، طرحریزی و اجرای دو عملیات گسترده و بزرگ کربلای ۴ و ۵ را در فاصله کمتر از دو هفته به صورتی تحسین برانگیز انجام داد. هجوم به پیچیده ترین مواضع و استحکامات دشمن در منطقه شرق بصره، در عملیات کربلای ۵ موجب گردید تا عراقیها پس از تحمل تلفات بسیار، ناامید از عقب راندن نیروهای اسلام و بازپس گیری منطقه، «حفظ نیرو» را بر «حفظ زمین» ترجیح داده و از ادامه تلاش خودداری نمایند. کسب این پیروزی «موقعیت ایران» را که بر اثر تشدید فشارهای همه جانبه در آستانه «تغییر و تحول» بود، مجددا تثبیت کرد. عراقیها نیز متقابلاً پس از شکست در عملیات کربلای ۵ با بی اعتمادی نسبت به آمریکا، به مسکو متمایل شدند. ایران هم برای بهره برداری از اهرم شوروی در سطح بین المللی و مقابله با فشارهای آمریکا، مناسبات نسبتاً گسترده ای را با مسکو آغاز کرد و نسبت به روند تحولات افغانستان بویژه انجام مذاکرات صلح از خود تمایل نشان داد.

اجرای عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره و تداوم اهداف عملیات کربلای ۵ به عنوان آخرین تحرک نظامی ایران در منطقه جنوب، در شرایطی از سوی سپاه انجام گرفت که جمهوری اسلامی یکی از پرحادثه ترین مقاطع جنگ را پشت سر نهاده و تنها با اتکا به کسب پیروزی نظامی توانست موقعیت سیاسی - نظامی خود را بهبود بخشد.

در واقع، مقاومت در برابر اراده سیاسی آمریکا و شوروی و مقاومت در برابر حجم گسترده تهاجمات هوایی، دریائی و زمینی دشمن و همچنین پیشروی در جبهه های نبرد، بویژه در منطق شرق بصره، از مهمترین دستاوردهای عملیات نظامی جمهوری اسلامی در سال ۶۵ بود که عمدتاً از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و اجرا شد.

به عبارت دیگر، اقدامات و تلاشهای نظامی در سال ۶۵ به عنوان عامل اساسی منجر به تداوم حیات و بقاء سیاسی و نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی شد و متقابلاً- ناتوانی استکبار جهانی را در تحمیل اراده و خواسته های سیاسی اش برای خاتمه بخشیدن به جنگ بر همگان نمایاند.

سلسله عملیات انجام شده از سوی سپاه طی ۵ / ۶ سال گذشته و بویژه در سال ۶۵، موجب گردید تا به گونه ای غیر قابل تردید، ویژگیها و برجستگیهای فرماندهی و طرحریزی سپاه و کنترل و هدایت عملیات این نیروی انقلابی بر همگان آشکار شود، به عنوان نمونه نشریه آزرور چاپ انگلیس با اعتراف به اشتباهات غریبها در ارزیابی توان و قابلیت سپاه نوشت:

«به رغم آنچه اوایل در مورد تاکتیکهای خام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته می شد، این نیرو موفق به کسب پیروزیها و پیشرفتهائی شده است که فرماندهان نظامی رسیدن به آن را غیرممکن می دانستند...

سپاه پاسداران هم اکنون مشغول آموزش نیروهای هوایی و دریائی خود می باشد. این سپاه به مثابه یک نیروی ایدئولوژیکی مسلح، فشارهای ۶ / ۵ ساله جنگ را تحمل کرده است.» (۱).

بدین ترتیب، موقعیت برتر ایران در برابر عراق پس از فتح فاو و

ص: ۱۶۱

پیروزیهای حاصله در سال ۶۵ و تداوم آن با پیشروی در شرق بصره طی عملیات کربلای ۵ و کربلای ۸ تماماً نمایانگر این مسأله بود که جمهوری اسلامی به هر میزانی که از ابزار و توانمندی نظامی برخوردار باشد و حمایت و پشتیبانی لازم را از مردم توانای نظام کسب کند، به همان میزان از نتایج ارزشمند آن در صحنه سیاسی و نظامی برخوردار خواهد شد و در صحنه بین‌المللی که کلیه مناسبات و روابط بر اساس قدرت شکل گرفته است، منطقی جز این کارآمد و مفید نخواهد بود.

ص: ۱۶۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

